

حکم سنگسار مرتضی فیروزی را لغو کنید!

● اعتراض به حکم سنگسار مرتضی فیروزی دم به دم گسترده تر می شود
● ده ها سازمان، حزب و نهاد دموکراتیک روز شنبه ۳۰ می برای اعتراض به سنگسار فیروزی در برابر سفارت جمهوری اسلامی در بن تظاهرات می کنند

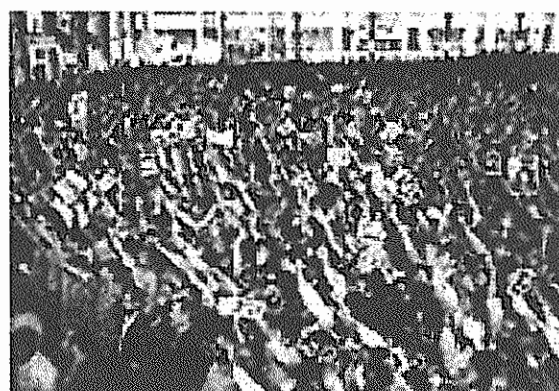
تنگ بشریت است روز ۳۰ ماه مه را روز جهانی اعتراض علیه حکم سنگسار اعلام داشت و از همه آزادی خواهان، سازمان ها، نهادها، حزبها و وجدان های بیدار جهان خواست که در این روز، با به راه انداختن اکسیون های اعتراضی، اعمال رژیم که جنایات و ترور است بودنش در دادگاه های بین المللی افشا کنند. در بخش دیگری از اطلاعیه کانون آمده است: رژیم جمهوری اسلامی... این بار می خواهد توحش را در مورد یک روزنامه نگار اجرا کند. به این معنی که: قربانی را در کفن بپوشانند. دهانش را ببندند، او را در گودالی فرو کنند و آنگاه به حکم حاکم شرع، پاسداران اسلام چندان سنگ بر او ببارند که خون از کفن سیدش بیرون بزند و

با تایید حکم اعدام مرتضی فیروزی از سوی دیوان عالی کشور، سردبیر سابق روزنامه ایران نیز در انتظار سنگسار از سوی دیوهای قضاوت شرع در ایران به سر می برد. مرتضی فیروزی یک سال پیش به جرم جاسوسی دستگیر شد و چند ماه پس از دستگیری وی مقامات قضایی رژیم اعلام کردند که جرم زنا نیز به پرونده کیفری او افزوده شده است. یکی از دادگاه های غیر علنی رژیم فیروزی را به جرم زنا محصنه به اعدام محکوم کرد. پس از اعتراضات بین المللی به این حکم، دادگاه قضایی رژیم اعلام نمود، دادگاه دیگری برای فیروزی تشکیل خواهد شد. اما با فاصله اندکی روزنامه قدس خبر از سنگسار فیروزی داد و دیوان عالی کشور نیز این حکم را تایید کرد.

با اعلام حکم سنگسار فیروزی از سوی رژیم، اعتراض علیه این حکم ضد بشری در بین ایرانیان خارج از کشور به ویژه نهادهای سیاسی و دموکراتیک آغاز شد. کانون نویسندگان ایران (در تبعید) با انتشار اطلاعیه ای با عنوان سنگسار

در نخستین سالگرد دوم خرداد مردم شعار می دادند

تداوم انحصار مورد نفرت ماست!



دهشتد. علیرغم کارشکنی شکست خوردگان در دوم خرداد، در سراسر کشور تظاهرات ادامه در صفحه ۳

● گروهی از دانشجویان مورد حمله نیروهای انتظامی قرار گرفتند و ده ها تن بازداشت شدند
● هزاران نفر در دانشگاه تهران شعار می دادند: روزنامه مردمی حمایت می کنیم، از دست قانون شکن حمایت می کنیم!
یزدی، یزدی، استعفا! استعفا!

یک سال پیش، در روز دوم خرداد، ایران یک پارچه غرق در هلهله و شادی بود. احساس روزهای انقلاب، احساس پیروزی از نو جان گرفته بود. مردم در میان نابوری همگان، علیه استبداد فقاتی به پا خاستند و تحولات کشور را در مسیری

خاتمی: مردم خواستار دست یابی به آزادی هستند

علمی جامعه ما در چارچوب و اصل و پایه قانون اساسی، وی افزود: امروز قانون و قانون گرایی به یک ارزش در جامعه ما تبدیل شده و باید این ارزش در عمل نیز پیاده شود. ادامه در صفحه ۳

آقای خاتمی در اجتماع هزاران تن از ائتلاف مختلف مردم و دانشجو یوانی که برای بزرگداشت دوم خرداد گرد آمده بودند، به مدت ۷۵ دقیقه سخنرانی کرد. بخش مهمی از سخنان وی در مورد ضرورت آزادی ها بود. خاتمی دوران کنونی را دوران تثبیت نظام نامید و گفت: تثبیت نظام یعنی نهادینه کردن پایه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و

قطع نامه سیاسی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مبارزه برای جمهوریت و مردم سالاری را گسترش دهیم
قطع نامه اجلاس شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) لویج مصوب مجلس شورای اسلامی علیه زنان است
قطع نامه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعتراض به ادامه بازداشت علی توسلی
صفحه ۲

در این شماره
چپ ها، لیبرال ها، اصلاح طلبان اسلامی در راه تقویت عناصر جمهوریت و مردم سالاری در کشور
فرخ نگهدار
صفحه ۹
نامه شورای مرکزی به آقای خاتمی رو به کدام سو دارد؟
دانش باقر پور
صفحه ۱۰

آمریکا و اتحادیه اروپا در مورد تخفیف تحریم های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی توافق کردند

کشورهای دیگر به معامله با ایران، در حالی که ایران کماکان در پی دستیابی به سلاح های کشتار جمعی است و از تروریسم حمایت می کند، ادامه دهند. جزئیات توافق اروپا و آمریکا هنوز باید تدوین شود. ناظران پیش بینی می کنند که اکنون در داخل آمریکا نیز شرکت های نفتی به دولت فشار خواهند آورد که به دنبال تعویق دائمی تحریم های مضاعف علیه طرف های قرارداد غیر آمریکایی ایران، تحریم سرمایه گذاری سرمایه گذاری در زمینه اکتشاف گاز ایران معتقد کرده اند، چشم پوشی نماید. سناتور دموکراتی که به موجب آن شرکت های خارجی در صورت سرمایه گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار در بخش نفت و گاز ایران مشمول تحریم خواهند شد، توافق کلیتون و بلر را یک خطا نامید که موجب خواهد شد

زمانی که وضعیت حقوق بشر در کوبا بهبود نیافته است، از گسترش روابط با این کشور خودداری ورزند. تونی بلر پس از دیدار با کلیتون گفت اروپا ترجیح داد در مورد تحریم ها از رویارویی با آمریکا اجتناب کند. کلیتون اعلام کرد تصمیم گرفته است از اعمال تحریم در مورد سه شرکت توتال فرانسه، گازپروم روسیه و پتروناس مالزی که با ایران یک قرارداد ۳ میلیارد دلاری بسیاری سرمایه گذاری در زمینه اکتشاف گاز ایران معتقد کرده اند، چشم پوشی نماید. سناتور دموکراتی که به موجب آن شرکت های خارجی در صورت سرمایه گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار در بخش نفت و گاز ایران مشمول تحریم خواهند شد، توافق کلیتون و بلر را یک خطا نامید که موجب خواهد شد

در روز دوشنبه ۲۸ اردیبهشت، بیل کلیتون رئیس جمهور آمریکا و تونی بلر نخست وزیر انگلیس که در نیمه نخست سال ۱۹۹۸ ریاست شورای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد، در مورد تخفیف تحریم های اقتصادی علیه ایران، لیبی و کوبا به توافق رسیدند. این توافق در آمریکا مورد مخالفت حزب جمهوریخواه قرار گرفت. گذشته، به طور دائمی از اعمال قانون هلمز - برتن که شامل تحریم شرکت های خارجی طرف معامله کوبا است، صرف نظر خواهد کرد. در مقابل، اروپایی ها پذیرفتند که همراه با آمریکا، یک بایگانی جهانی در مورد اموالی که توسط دولت کوبا و سایر دولت ها مصادره شده است، ایجاد کنند تا با مراجعه به این بایگانی، از سرمایه گذاری در این اموال اجتناب شود، و نیز تا

یک سالی که چهره کشور را تغییر داد

یک سال از دوم خرداد ۱۳۷۶ گذشت. به جرأت می توان گفت که در یک سال گذشته، چهره کشور دیگرگون شده است. ما در آغاز سال ۱۳۷۷، در نگاهی به سال گذشته نوشتیم که ابتکار عمل، از رژیم جمهوری اسلامی به مردم منتقل شده است. این، برجسته ترین تغییری است که در یک سال گذشته رخ داده و به نوعی، تغییرات رخ داده از یک سال پیش بدین سو را به مهم ترین دگرگونی های سیاست داخلی ایران در سال های پس از مرگ خمینی تبدیل کرده است. در دوم خرداد ۱۳۷۶، رهبری جمهوری اسلامی ناگزیر از تسلیم به اراده اکثریت بزرگ مردم ایران شد و نتوانست کاندیدای ریاست جمهوری خود را به مردم تحمیل کند. هر چند جناح و شخصیتی که یک سال پیش، با رأی مردم، بر رقبا پیشی گرفت، با چارچوب های تنگ ترسیم شده از سوی رژیم ولایت فقیه مواجه است، اما صرف شکست ولایت فقیه در تعیین رئیس جمهور، چهره ایران را تغییر داده است. مردم به طور عام و دگراندیشان، روشنفکران، فرهنگ سازان و مطبوعات مستقل به طور خاص، به عنوان یک عامل جدی در محاسبات سیاسی داخلی وارد شده اند. بدون دخالت این عامل، هیچ روند یا رویداد مهم سیاسی داخلی شکل نمی گیرد. رهبری جمهوری اسلامی، در موضع ضعیفی قرار گرفته است و دیگر نمی تواند آنگونه که می خواهد حکومت کند.

درباره علل و عوامل پیدایش رویداد دوم خرداد، بسیار نوشته شده است. علیرغم همه اختلافات در این اظهار نظر ها، شاید بتوان در همه آنها، یک عنصر مشترک یافت: غیر مستقیم بودن ابعاد شکست رژیم و پیروزی مردم در انتخابات ریاست جمهوری. حتی کسانی که در مورد امکان پیروزی خاتمی در انتخابات، ناامید نبودند و مردم را به حضور در پای صندوق های رأی و برگزیدن خاتمی قرا خواندند، تا واپسین روزهای پیش از انتخابات و گاه تا روز انتخابات، بیشتر احتمال می دادند که رأی مردم هر چه باشد، جمهوری اسلامی از صندوق ها نام ناطق نوری را بیرون خواهد آورد. پاره ای از خوش بینانه ترین تحلیل های طرفداران خاتمی، تا اواسط اردیبهشت حاکی از آن بود که انتخابات به دور دوم کشیده خواهد شد.

میزان شرکت مردم در رأی گیری و اکثریت مطلق بلامنامی که در رأی منفی به کاندیدای رهبر جمهوری اسلامی شکل گرفت، و ناتوانی جمهوری اسلامی در جعل آراء، همه را غافلگیر کرد، از خود رژیم ولایت فقیه گرفته تا غالب نیروهای اپوزیسیون. این غافلگیری، قبل از هر چیز ناشی از ورود نیرویی به صحنه بود که تا آن روز، زیاد روی آن حساب نمی شد: نیروی نسل تازه نفسی از مردم ایران که در رفتار سیاسی و اجتماعی خود، بر تجربیات خود و نه تنها تجربیات نسل های گذشته متکی است. همه ما در ارزیابی های خود، به اراده این نسل مبنی بر به دست گرفتن سرنوشت خویش، کم بها دادیم. از دوم خرداد ۷۶، کسان مختلف درس های مختلف می گیرند. ادامه در صفحه ۴

عوامل خامنه ای در اصفهان رعب و وحشت به پا کردند

● خامنه ای به پاسداران دستور داد مخالفان ولایت فقیه را سرکوب کنند
● دستگیری طرفداران منتظری ادامه دارد. تاکنون ده ها نفر دستگیر شده اند

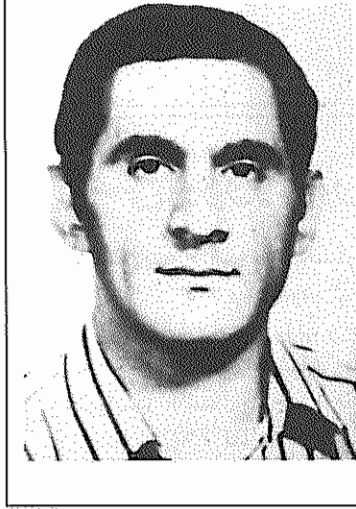
اصفهان و نجف آباد هفته گذشته شاهد بلوای خونتبار و خونی بود که خامنه ای برای سرکوب طرفداران منتظری به راه انداخت و به لغو تظاهراتی که قرار بود در روز جمعه ۲۵ اردیبهشت در اعتراض به رفتار حکومت با آیت الله منتظری برگزار شود انجامید. اما با دخالت خامنه ای اوضاع در اصفهان و نجف آباد نه تنها

آرام نشده بلکه ناآرامی اوج تازه ای گرفته و این دو شهر متشنج تر شده است. پی گرد و دستگیری گسترده پیروان آیت الله منتظری که از روز پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت به فرمان خامنه ای از سر گرفته شده است، هم چنان ادامه دارد. براساس گزارش های رسیده در روزهای اخیر ده ها تن از مخالفان ولایت فقیه و

طرفداران آیت الله منتظری در اصفهان، نجف آباد و قم دستگیر شده اند. فرماندار اصفهان، کارمندان و مدیران ادارات به اتهام ارتباط با دفتر آیت الله منتظری تحت فشار قرار گرفته اند و نمایندگان جناح رسالت - خامنه ای قصد دارند وزیر کشور را به اتهام عدم برخورد قاطع با پیروان منتظری، ادامه در صفحه ۳

دهمین سالگرد شهادت رفیق انوشیروان لطفی

ده سال پیش در ۵ خرداد ۱۳۶۷ حکومت جمهوری اسلامی رفیق انوشیروان لطفی، عضو کمیته مرکزی سازمان ما را تیرباران کرد. اعدام انوش، سرآغاز اعدام‌های دسته‌جمعی سال ۶۷ بود. یاد و نام انوشیروان لطفی را گرامی می‌داریم و مبارزه برای آرمان‌های او، آزادی و سوسیالیسم، را همچنان پی می‌گیریم.



یادداشت

کوهی از انتظارات بر دوش فوتبالیست‌های تیم ملی!

کیفیت صعود تیم ملی فوتبال ایران به جام جهانی و عکس‌العمل بی‌سابقه‌ای که مردم ایران در هشتم آذر ماه سال جاری از خود نشان دادند، حضور فوتبال ایران در جام جهانی را به یک مسأله ملی تبدیل کرده است. شکست سخت ایران در سابقه با تیم ا.اس. رم ایتالیا که به تعویض سرمربی تیم در فاصله کمتر از بیست روز به آغاز مسابقات انجامید، ضربه بزرگی بود که بر انتظارات مردم ایران وارد آمد. این شکست این پرسش را مطرح ساخت که انتظارات از فوتبال ایران تا چه اندازه واقعی است؟ روزنامه‌ها، صدا و سیما جمهوری اسلامی و گروهی از مسئولین، با تبلیغات غیر واقعی انتظاراتی را در مردم ایجاد کرده‌اند که به هیچ وجه با توان فوتبال ایران مناسب نیست و فشارهای سنگینی را بر تیم ملی فوتبال ایران، بازکنان، مربیان آن وارد می‌آورد. این فشارها باعث شده است که فوتبال ایران در شرایطی غیرعادی و زیر فشاری خردکننده به تدارک جام جهانی برود. تبلیغات رسانه‌ها و مسئولان چنان بر انتظارات دمیده است و چنان تصویر غیر واقعی از فوتبال ایران ارائه می‌کند، که از هم اکنون می‌توان پیش‌بینی کرد عدم صعود تیم ایران به مرحله دوم مسابقات چه فضای روانی ناطلویی را در ایران رقم خواهد زد. سابقه ایران و آمریکا را به یک مصاف ملی تبدیل کرده‌اند و چنان در مورد آن نوشته‌اند و گفته‌اند که انگار همه حیثیت و حقانیت ایران به پرد در این مسابقه بستگی یافته است. این فشارها که امروز بر فوتبالیست‌ها وارد می‌آید، بدون تردید فردا همه جامعه ایران را در خود فرو خواهد برد. آرزوی هر ایرانی، دست‌یابی به موفقیت‌های هر چه بیشتر فوتبالیست‌های ایران در جام جهانی فرانسه است، اما بین آرزو تا واقعیت، در این مورد فاصله عمیقی وجود دارد. در پس صعود معجزه‌داسی تیم ملی ایران به جام جهانی و تبلیغاتی که پیرامون قدرت ایران و حضور آن در جام جهانی به راه انداخته‌اند، بسیاری می‌گویند تا ضعف‌های بزرگ فوتبال ایران را پنهان کنند. واقعیت این است که فوتبال ایران در سطح جهان، حتی یک فوتبال درجه دوم هم نیست و مقایسه آن با فوتبال کشورهای مثل آلمان و یوگسلاوی و حتی آمریکا که یکی از قوی‌ترین سازمان‌ها و تدارکات را برای جام جهانی ایجاد کرده است، بسیار غیر واقعی است. ضعف فوتبال ایران ناشی از سیاست‌هایی است که در بیست ساله گذشته بر فوتبال ایران حاکم بوده است. پس بهتر است واقعی بیندیشیم. فوتبال ایران نمی‌تواند آزاد و رها از ضعف‌هایی که بیست سال است با آن‌ها دست به‌گریبان است، به میدان جهانی برود. باید از انتظارات کاست و همان قدر از فوتبالیست‌های ایرانی خواست که در توان آن‌ها و منطبق با سطح فوتبال ما است، به جای فشار بر فوتبالیست‌ها باید در فکر آن بود که اساس سازمان فوتبال ایران بر پایه‌ای مدرن و امروزی قرار گیرد.

آزادی برای ایران!

حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی فرانسه، از لحاظ دیگری نیز مورد توجه است. بسیاری این حضور را نشانه پیوند دوباره ایران با جامعه جهانی می‌دانند و از همین زاویه برای آن اهمیت قائلند. ایران برای نخستین بار بعد از سالیان دراز فرصت یافته است تا در یک رویداد جهانی حضور یابد، حضوری که با تروریسم، با شکنجه و اعدام و با سایر سیاست‌هایی که سالیان درازی معرف حضور ایران و حکومت جمهوری اسلامی در روی داده‌های جهانی بوده است، همراه نیست. تیم ملی فوتبال ایران قبل از آن که و بیش از آن که نماینده حکومت و رژیم حاکم بر ایران باشد، نماینده کشور ایران در بزرگ‌ترین روی داد ورزشی قرن خواهد بود. و پرسش این است که این حضور چگونه حضور خواهد بود؟ ایران خود را در برابر جهان چگونه به نمایش خواهد گذاشت؟ از هم اکنون پیداست و همه شواهد نیز این را نشان می‌دهد که حکومت جمهوری اسلامی می‌خواهد این حضور را به نام خود تمام کند و با استفاده از این فرصت استثنایی، به تبلیغ حکومت خود در میان هزاران ایرانی که به فرانسه می‌روند و میلیون‌ها بیننده مسابقات جام جهانی بپردازد. از سوی دیگر خبر می‌رسد که گروه‌های انحصارطلب اپوزیسیون، با استفاده از امکانات مالی فراوانی که در اختیار دارند، تمهیلات گسترده‌ای را ایجاد کرده‌اند تا ایرانیان مشتاق به نمایش مسابقات را در گروه‌های وابسته به خود به فرانسه ببرند و آنان را وسیله تبلیغات گروهی خود قرار دهند. حضور تیم ایران در فرانسه موقعیت مناسبی است تا جهان را با اساسی‌ترین خواسته امروز مردم ایران، بیشتر آشنا کنیم: آزادی برای ایران! پیشنهاد ما به همه آزادی‌خواهان و ایران دوستان، به همه گروه‌های سیاسی دموکرات این است که با اقداماتی هماهنگ در جریان جام جهانی فوتبال و به ویژه در مسابقات تیم ملی ایران، این خواسته اساسی مردم ایران را به طور یک پارچه مورد تأکید قرار دهند و به اشکالی که امکان‌پذیر است، آن را بر آنتن‌های تلویزیون‌ها بسازند و به گوش جهانیان و از جمله مردم خود ایران برسانند. بگوئیم تا با اقداماتی مشترک، حضور تیم ملی فوتبال ایران در فرانسه را با خواسته اساسی مردم ایران، آزادی، همراه سازیم!

قطع‌نامه سیاسی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مبارزه برای جمهوریت و مردم‌سالاری را گسترش دهیم

نامه دبیر خانه ششورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به کانون نویسندگان ایران در تبعید

با سلام، و با سپاس از زحمات شما در زمینه برگزاری تظاهرات ۳۰ ماهه به حمایت از آقای مرتضی فیروزی و علیه کیفر تبهکارانه سنگسار، بدینوسیله حمایت قاطع سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را از این حرکت دموکراتیک و انسان دوستانه اعلام می‌کنیم. کیفر سنگسار، که نمودار دهمشبی بی‌کران بی‌فرهنگان انسان ستیز حاکم بر ایران است، لکن تنگی بر دامن همه تاریخ بشری است. کیفر اعدام، کشتن انتقام‌جویانه انسانها، مبتنی کردن قوانین کیفری بر شرع و قصاص و انتقام، و همه آن چه غیر انسانی، غیر مستندانه و غیر دموکراتیک است باید از قوانین کیفری زوده‌شود. باشد که اقدام مشیترک همه علیه تبهکاری‌های استبداد به نجات آقای مرتضی فیروزی و به خنثی کردن نقشه‌های سرکوبگرانه دشمنان آزادی و حقوق بشر بیانجامد.

با درودهای فراوان دبیرخانه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۲۳ مه ۹۸

دعوت به اعتراض جهانی علیه قوانین ضد زن در ایران

به موریس کاپیتورن مسئول ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در رابطه با ایران؛ با احترام، به اطلاع می‌رساند: در تاریخ ۲۳ فروردین ماه اسامال، طرح الحاق ماده ۶ قانون مطبوعات که از سوی کمیسیون زنان، جوانان و خانواده به مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود، در شور اول تصویب گردید و اکنون مردم نگران تصویب آن در شور دوم مجلس هستند. بر اساس این طرح: «استفاده ابزاری از زن در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن و ترغیب به تشریفات و تجملات، ایجاد تضاد بین زن و مرد از طریق دفاع خارج از موازین شرعی و قانونی از حقوق آن» ممنوع می‌شود. در صورت تصویب نهایی، این به اصطلاح قوانین تا حد قوانین و احکام الهی تفسیر شده و بدین ترتیب کسی که بخواهد از حقوق زنان دفاع کند، مشمول مجازات مربوط به نقض احکام الهی و قوانین شرعی خواهد شد و نیز تصویر زنان از مطبوعات حذف می‌گردد. زنان ایران که تاکنون قربانیان اصلی ارتجاع حاکم بر ایران بوده‌اند و هزاران هزار جنایت علیه آنان اعمال شده است، اکنون باز هم بیشتر از گذشته در بند و زنجیر قرار می‌گیرند و به ویژه زنان مترقی و روشنفکر به اتهام «کفر و الحاد»، آماج شدیدترین کیفرهای ارتجاع قرار خواهند گرفت.

ما زنان ایرانی در این شرایط وحشتناک، به لحاظ انسانی و حقوقی از جامعه بشری و در رأس آن از سازمان ملل متحد، خصوصاً کمیسیون حقوق بشر، درخواست حمایت می‌کنیم و خواهان آن هستیم که قبل از تصویب نهایی این طرح، اقدامات عاجل بین‌المللی برای جلوگیری از تصویب آن به عمل آید. کمیسیون زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، خواستار اقدام هر چه سریع‌تر از سوی جناب‌عالی است.

با احترام کمیسیون زنان سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۲۳ ماه ۹۸

ناگوری را در پی داشته باشد. در حال حاضر انجام فوری اقدامات زیر به خواست عمومی تبدیل شده است: ۱- برکناری فوری رئیس قوه قضائیه و تحت پی‌گرد قرار دادن وی و دگرگونی بنیادی نظام قضائی کشور. ۲- لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان ۳- خارج نمودن نیروهای انتظامی از کنترل ولی‌فقیه. ۴- خارج نمودن شبکه صدا و سیما جمهوری اسلامی از کنترل ولی‌فقیه ۵- لغو تمام محدودیت‌هایی که برای آیت‌الله منتظری به وجود آورده‌اند ۶- انتقال بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای مشابه به دولت. ما از این خواست‌ها پشتیبانی می‌کنیم و تحقق آن‌ها را در جهت تضعیف جناح ارتجاعی می‌دانیم. ما دولت خاتمی را به حمایت از این مطالبات و کوشش جدی در راه تحقق آن‌ها فرا می‌خوانیم. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در عین حال تأکید می‌کند که نهادی شدن جمهوریت و مردم‌سالاری اساساً به تغییر تناسب قدرت میان نهادهای مردمی و حکومت بستگی دارد. هم از این‌رو است که ما در شرایط کنونی بر خواست‌های زیر که خواست‌های مردم کشور ما هم هست، تأکید داریم و دولت آقای خاتمی را برای تحقق آن‌ها فرا می‌خوانیم.

۱- آزادی زندانیان سیاسی و تأمین شرایط بازگشت آزادانه ایرانیان خارج از کشور به میهن ۲- رفع هرگونه محدودیت در زمینه آزادی بیان، قلم و آفرینش‌های هنری ۳- تأمین شرایط فعالیت آزادانه احزاب سیاسی ۴- برداشتن موانع موجود در راه ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، دانش‌جویی، زنان، جوانان و سایر تشکلهای دموکراتیک و صنفی ۵- برگزاری آزادانه انتخابات شوراها ۶- حمایت و دفاع آشکار از اصل برابری زن و مرد و کوشش در راه تحقق مطالبات زنان ایران ۷- منع تجاوز به حریم زندگی خصوصی شهروندان، انحلال پلادرنگ اداره منکرات، دستجات «انصار حزب الله» و تحت پی‌گرد قرار دادن گردانندگان آن‌ها ۸- پایان دادن به سیاست سرکوب مردم کردستان و فراهم آوردن شرایط برای تحقق خواست‌های ملی مردم کردستان و دیگر اقلیت‌های ملی کشور و رفع هرگونه محدودیت از اقلیت‌های مذهبی ۹- انحلال شورای نگهبان

ما همه نیروهای چپ، دموکرات و آزادی‌خواه کشور را به مبارزه در راه تحقق خواست‌های فوق فرا می‌خوانیم. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۷ و ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۷۷

قطع‌نامه اجلاس شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) لویح مصوب مجلس شورای اسلامی علیه زنان است

۱- ما تصویب این لویح توسط مجلس شورای اسلامی را به شدت محکوم می‌کنیم و خواهان لغو آن‌ها هستیم ۲- ما خواستار لغو کلیه قوانین ارتجاعی علیه زنان هستیم. اجلاس شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۷ و ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۷۷

قطع‌نامه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعتراض به ادامه بازداشت علی توسلی

حکومت منتشر نشده‌است. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از دولت جمهوری اسلامی مصر می‌خواهد که علی توسلی را به فوریت آزاد کند. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۳۷۷ اردیبهشت

حکم سنگسار مرتضی فیروزی را لغو کنید!

(اکثریت)۔ آلمان، شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران - اشتوتگارت، فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) آلمان، فرهنگسرای انبیدیشه - گوتتبرگ (سوئد)، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین، گروه فرهنگی آئینه - فرانکفورت، مرکز فرهنگی ایرانیان - هایدلبرگ، مرکز هنر در تبعید - کانون فیلم - تئاتر روند (زیکن)، کانون سینماگران ایران (در تبعید) کانون فرهنگی پیوند (زاربروکن)، نشریه آوای زن، نشریه اطلس، نشریه خط، نشریه دیدار، نشریه زن در مبارزه، نشریه گردون، نشریه سینمای سیاسی ایران - لایپزیک، کمیته

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اجلاس روزهای ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ماه، اوضاع سیاسی کشور را مورد بحث و بررسی قرار داد و بر موارد زیر تأکید نمود: الف) فضای سیاسی کشور در یک سال گذشته به طور محسوسی تغییر یافته و نقش نیروهای تحول‌طلب افزایش پیدا کرده است. جنبش دانشجویی روز به روز گسترش یافته و موقعیت و نقش پیش‌رو خود را باز می‌یابد. حرکات اعتراضی مردم و به ویژه کارگران رو به افزایش است. مطبوعات آزادتر شده و نقش آن‌ها در تحولات سیاسی کشور به طور قابل توجهی افزایش یافته است. در حال حاضر بخشی از مطبوعات در سنگر مقدم مبارزه علیه جناح ارتجاعی قرار دارند. از میزان سانسور و خودسانسوری و محدودیت در عرصه انتشار کتاب، فیلم، تئاتر و غیره کاسته شده و حضور نویسندگان، صاحب‌نظران و هنرمندان در عرصه‌های فرهنگی و هنری بالا رفته است. مردم و قشر روشن‌فکر جامعه برای پس راندن جناح ارتجاعی و بیان نظرات و خواست‌های خود از هر امکاتی بهره می‌گیرند.

ب) جناح انحصارطلب در طی یک‌سال گذشته و به ویژه در ماه‌های اخیر برای برگرداندن اوضاع کشور به قبل از انتخابات دوم خرداد ماه، زهر چشم‌گرفتن از مردم، حفظ موقعیت فسادست خود در حکومت و تضعیف دولت خاتمی به انواع توطئه‌ها توسل جست‌است، ولی در پی هر کشمکش به عقب‌نشینی بیش‌تر وادار شده است. این جناح در جامعه منزوی‌تر و موقعیت آن در حکومت تضعیف شده است. مقاومت، ایستادگی و پیش‌روی نیروی عظیم تحول در کشور در مقابل تعرضات جناح انحصارطلب، آن را به عقب‌نشینی‌هایی واداشته و اختلافات درون این جناح را تشدید کرده است.

با پیش‌روی نیروهای تحول‌طلب جامعه، رشد اعتراضات در درون روحانیت نسبت به عملکرد و صلاحیت‌خامنه‌ای و شکست پی‌درپی جناح انحصارطلب، موقعیت‌خامنه‌ای تضعیف شده و قادر به دیکته کردن مواضع خود در حکومت نیست.

ج) بین خاتمی و دولت وی با جنبش دموکراتیک علیه نهادهای قدرت غیرانتخابی و مطالبات آزادی‌خواهانه مردم همسویی‌های به وجود آمده است. این هم‌سویی‌ها به ویژه در آن بخش از تشکلهای، محافل و مطبوعات که در مبارزه علیه جناح ارتجاعی با قاطعیت عمل می‌کنند، بیش‌تر مشهود و به همان میزان بیش‌تر مورد استقبال مردم است.

د) خاتمی و اصلاح‌طلبان حکومتی از یک‌سو هم‌چنان وعده‌های انتخاباتی را تکرار می‌کنند و بر تقویت عناصری از جمهوریت و مردم‌سالاری در کشور وفاداری نشان می‌دهند و از سوی دیگر از نیروی مردم در رفع تعرض جناح حاکم و از خواست عظیم تحول در جامعه برای پیش‌برد مطالبات مردم بهره‌کافی نمی‌گیرند. خاتمی تاکنون، مساتل را عمدتاً در «بالا» و با جلب رضایت‌خامنه‌ای حل کرده است. ما برآنیم در شرایطی که جناح ارتجاعی زمان را به زبان خود می‌بندد و حربه قهر و توطئه را به کار می‌گیرد و از «زدن گردن و بریدن زبان» مخالفین حرف می‌زند، تعلل رئیس‌جمهور و عدم تکیه به مردم می‌تواند پیامدهای بس

جناح انحصارطلب حکومت اسلامی برای مقابله با مبارزه زنان علیه قوانین ارتجاعی و کسب برابری حقوقی با مردان و در تداوم اقدامات ارتجاعی خود بر علیه زنان کشور، لایحه جداسازی جنسی در زمینه خدمات پزشکی، حذف چهره زنان از مطبوعات و منع دفاع از حقوق زنان را به تصویب مجلس شورای اسلامی رسانده‌است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نگرانی و اعتراض عمیق خود را نسبت به ادامه روند بازداشت رفیق علی توسلی عضو سابق کمیته مرکزی سازمان اعلام می‌دارد. اکنون نزدیک به سه سال است که رفیق علی توسلی از شهر باکو پایتخت جمهوری آذربایجان برده شده و در زندان‌های جمهوری اسلامی است. در این مدت هیچ‌گونه اطلاعی از سرنوشت او توسط

ادامه از صفحه اول احزاب، سازمان‌ها و نهادهای دموکراتیک زیر تا روز یکشنبه به فراخوان تظاهرات روبروی سفارت ایران در شهر بن در آلمان پاسخ داده‌اند: کانون نویسندگان ایران در تبعید، تلاش - کانون حمایت از مبارزات مردم ایران - کلن، کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران - کلن، ایران - آخن، جمعیت دفاع از آزادی - بن، انجمن قلم ایران در تبعید، انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران - پاریس (فرانسه)، انجمن دموکراتیک ایرانیان - آخن، انجمن دموکراتیک حمایت از

تظاهرات دانشجویان برای تغییر قانون اساسی

اتحادیه اسلامی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی اعلام کرده که بعد از ظهر روز دوشنبه چهارم خرداد در پارک لاله - ضلع جنوبی فلکه آب نما تظاهرات برگزار خواهند کرد. موضوع تظاهرات: «سوراهای و بررسی قانون خبرگان رهبری» است. در این تظاهرات قسرات قرار است حشمت‌الله طبرزدی رهبر

دبیرکل اتحادیه‌های اسلامی دانشجویان و دانش آموزان شرکت کنند.

رایزنی‌ها برای تشکیل جبهه

متحد دانشجویی آغاز شده است

حشمت‌الله طبرزدی دبیرکل انجمن‌های اسلامی دانشجویان و دانش‌آموختگان به روزنامه جامعه گفت این اتحادیه در صدد تشکیل جبهه متحد دانشجویی است. طبرزدی گفت: ضرورت تشکیل جبهه‌های متحد از طرف احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی در شرایط کنونی احساس می‌شود، لکن در حوزه احزاب این ضرورت جایگاه خود را پیدا نکرده است. طبرزدی گفت: در حال حاضر در حوزه تشکیل‌های دانشجویی شرایط برای تشکیل یک جبهه متحد مساعدتر است. وی افزود: ائتلاف گروه‌های دانشجویی در حال حاضر در حد رایزنی است و این اتحادیه با چند تشکل فعال دانشجویی که گرایش‌های متفاوتی دارند، مشغول رایزنی است. طبرزدی به نام این چند تشکل اشاره‌های نکرد.

طبرزدی پیرامون شرایط سیاسی کشور گفت: اگر ما از حقوق قانونی خود، مطالبات مستقل و گروه‌های مدنی حمایت نکنیم، این نگرانی وجود دارد که گروه‌های انحصارطلب، جامعه را به موقعیت قبلی خود بازگردانند. وی افزود: تجربه تاریخی نشان داده است که اگر گروه‌های اصلاح‌طلب تصمیم قاطع نگیرند، گروه‌های استبدادطلب رجعت می‌کنند.

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان و دانش‌آموختگان «موج» محمدی یکی دیگر از رهبران انجمن اسلامی دانشجویان سخنرانی کنند. محمدی روز جمعه در یک مصاحبه رادیویی اعلام کرد که فصل هشتم قانون اساسی و اصول ششگانه رهبری موضوع اصلی تظاهرات دانشجویان و سخنرانان در روز دوشنبه چهارم خرداد است. وی با اشاره به روال انتخاب اعضای مجلس خبرگان، رهبر یا شورای رهبری اظهار داشت: تا زمانی که خمینی در قید حیات بود مجلس خبرگان را با آن شرایطی که انتخاب می‌شد، قبول داشتند اما اکنون معتقدند مجلس خبرگان در انحصار روحانیون نیست و همه صفوف باید در این مجلس، خبرگان خود را داشته باشند. وی با رد مرجعیت خامنه‌ای، افزود: «ما الان رهبر داریم و نه مرجع تقلید. شرایط مرجع تقلید با رهبری فرق دارد.» محمدی تاکید کرد باید برای تأمین دموکراسی و تأمین منافع ملی در قانون اساسی اصلاحاتی انجام گیرد.

تظاهرات پارک لاله قرار بود دو هفته پیش برابر دانشگاه تهران برگزار شود. اما وزارت کشور برپایی این تظاهرات موافقت نکرد و اعضای رهبری اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان تصمیم گرفتند تظاهرات را در داخل دانشگاه برگزار کنند. تظاهرات در داخل دانشگاه نیز با دخالت خامنه‌ای لغو شد و وی شخصاً به دانشگاه رفت و در اجتماع دانشجویان سخنرانی کرد. خامنه‌ای به دانشجویان گفت: «دیشب من اطلاع پیدا کردم که امروز چند گروه دانشجویی بنا دارند اجتماعات درست کنند و این سخنرانی نمایند. گفته، از آنها خواهش شود که امروز تاخیر

خاتمی: مردم خواستار دست‌یابی به آزادی هستند

با قدرت هستند و با راه و کار قدرت آشنایی دارند و با آن موافقتند، آزاد باشند، نمی‌توان گفت که آزادی وجود دارد. وی افزود: هنر حکومت این نیست که مخالف خود را از صحنه خارج کند بلکه هنر آنست که مخالف را وادار به رعایت قانون کند. رئیس‌جمهور تصریح کرد: دولت حق دارد از شهروندان بخواهد که در چارچوب قانون اعمال نظر کنند مردم نیز باید در چارچوب قانون آزادیها بر خود را از دولت بخواهند.

رئیس‌جمهور گفت: دو گروه هستند که ممکن است به آزادی مطلوب و مشروع لطمه وارد سازند، کسانی که با نفس آزادی مخالفتند و کسانی که به علت وابستگی و عدم درک صحیح موقعیتها ظرفیت و شخصیت پرهبرداری از آزادی را ندارند. آقای خاتمی افزود: این گروهها به‌جای استفاده از آزادی در مسیر رشد جامعه از آزادی به‌گونه‌ای بهره‌بردار می‌کنند که بیش از اینکه مردم از آزادی منتفع شوند دشمنان از آزادیها استفاده می‌کنند.

آقای خاتمی با اشاره به اینکه تحمل و سعه صدر دولت نشانه ضعف نیست بلکه نشانه اقتدار است گفت: دولت مقتدر دولتی نیست که مخالف خود را سرکوب نماید بلکه دولت مقتدر آن است

برای حاکمیت انسان بر سرنوشت خود حق قائل شده است و هم آزادیهای اساسی ضربه نخورده است. رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه دین و آزادی تأثیر متقابل عظیمی بر یکدیگر دارند، گفت: امروز زمان تثبیت آزادی و نهادینه کردن آزادی در جامعه است، آزادی با هرج و مرج فراق دارد، آزادی غیر از ولنگاری اخلاقی و معنوی است، تلقی ما از آزادی رعایت موازین اخلاقی و معنوی است. وی خاطر نشان کرد: هیچ نظام و مکتبی نیست که برای آزادی حدی قائل نشود در نظام مطلوب و مورد تأیید مردم ما حد آزادی مخالفت با حقوق عمومی و اخلاق در مبنای اسلامی است. آقای خاتمی تأکید کرد: واقعه‌های موجود نشان می‌دهد که حتماً باید آزادیها در کشور رعایت موازین اسلامی را بکنند زیرا اکثریت مردم ما مسلمانند و به نظام اسلامی رای دادند و حول محور رهبری، نهادها و ارگانهای دیگر شکل می‌گیرند. رئیس‌جمهور یادآور شد: آقای خاتمی با اشاره به اینکه ما آزادی را در چارچوب قانون می‌خواهیم گفت: مراد از آزادی هرج و مرج نیست بلکه آزادی اندیشه و امنیت، ابراز آن و آزادی سیاسی در جامعه است. وی افزود: اندیشه را به هیچ وجه نمی‌توان از بین برد و یا با فرمان و بخشنامه آن را محدود کرد، ولی می‌توان جلوی ابراز اندیشه را گرفت. رئیس‌جمهور گفت: هر چه که جلوی اندیشه گرفته شود اندیشه در نهان به فعالیت می‌پردازد و کار خود را به پیش می‌برد. وی خاطر نشان کرد: پویاترین نظام، نظامی است که کمترین محدودیت را برای ابراز اندیشه اعمال کند. آقای خاتمی منظور از آزادی را آزادی مخالف دانست و گفت: اگر همه کسانی که

ادامه از صفحه اول خواستار نهادینه شدن آزادی در جامعه بودند، آزادی یکی از هدفهای بزرگ انقلاب است و مردم خواستار دست‌یابی به آزادی هستند. اما نکته مهم این است که آزادی غیر از اهرم گسستگی و هرج و مرج است، آزادی چارچوب می‌خواهد، ما آزادی را در چارچوب اسلام می‌خواهیم و چارچوب قانون اساسی، آزادی و قانون با هم ملازمند. وی اضافه کرد: قانون بدون آزادی نیز استیلا سلطه یک جانبه بر جامعه است و آزادی بدون قانون هرج و مرج است. آقای خاتمی گفت: جامعه مدنی که مورد نظر ماست جامعه‌ای است که در آن آزادی در پناه قانون وجود داشته باشد منتفی قانونی که آزادی را به رسمیت بشناسد. وی افزود: قانون نظام ما قانون اساسی است که حق حاکمیت مردم را به رسمیت می‌شناسد و هم آزادی‌های اساسی را به رسمیت می‌شناسد. آزادی از ارجمندترین گوه‌هایی بوده است که همواره انسان و بشریت به سوی آن رفته است. رئیس‌جمهور همچنین گفت: به صراحت می‌گویم که سرنوشت و وجهه اجتماعی دین در گروه اینست که جوری دین را ببینیم که با آزادی سازگار باشد. شما به تاریخ بشریت نگاه کنید، هر چه که با آزادی مقابل شده لطمه دیده است، حتی فضیلتیهای انسانی. دین اگر در مقابل آزادی قرار گرفته لطمه خورده است. توسعه اگر در مقابل آزادی قرار گرفته سازندگی لطمه خورده است. آقای خاتمی خاطر نشان کرد: مادر جامعه‌ای به سر می‌بریم و نظامی داریم که مبنای آن نظام، آنگونه تلقی از دین دارد که هم

از روزی که روبرو جانی کودکان!

چند میلیون کودک در ایران به کار مشغولند؟



سال در ایران غیر قانونی است، اما میلیون‌ها کودک در ایران به اجبار کار می‌کنند. فقر اقتصادی آنان را روانه بازار وحشی و بیرحم کار می‌سازد. و کودکانی که کار می‌کنند از امکانات آموزشی نیز محرومند، میلیون‌ها کودک در ایران از امکانات آموزشی محرومند. وزارت آموزش پرورش در سال ۷۵ اعلام کرد که ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار کودک و نوجوان از امکانات آموزشی محرومند.

و این است وضعیت دو مشخصه اساسی حقوق کودک در جمهوری اسلامی ایران! □

می‌دهند... کسی نمی‌داند در ایران چند کودک خردسال به کار مشغولند. کارشناس وزارت کار می‌گوید: تعداد بازرسان ما بسیار کم است و امکان نظارت و کنترل نداریم. اما می‌گویند از نه میلیون و ۱۰ هشتاد هزار کودک بین ۶ تا ۱۰ سال، یک میلیون و نهصد هزار از امکانات آموزشی محروم هستند، این‌ها کودکان کارگر هستند، به آنان باید گروه بیمه‌ای را افزود که هم درس می‌خوانند و هم کار می‌کنند. همین آمار، تعداد کودکان کارگر ۱۰ تا ۱۴ ساله را حدود ۷۵۰ هزار نفر می‌داند. کار کودکان پایین‌تر از ۱۵

«کودکان از حقوق خود آگاهی ندارند، کمتر ایجاد مزاحمت می‌کنند و بیشتر حرف شنوی دارند. بدون شکایت به کارهای یک نواخت تن می‌دهند، نسبت به کارگران بزرگسال قابل اعتمادتر هستند و احتمال دزدی از سوی آنان بسیار کمتر است، به این دلایل کارفرما ترجیح می‌دهد کودکان را به کار بگمارد.» این‌ها سخنان کارشناس تنظیم کار وزارت کار و امور اجتماعی است. او در میان دلایل خود، یک دلیل اساسی را فراموش کرده است. کارفرمایان به کودکان کارگر حقوق بسیار ناچیزی

عوامل خامنه‌ای در اصفهان رعب و وحشت...

اساتذات ادب به آیت‌الله طاهری امام جمعه، وزیر کشور و استاندار و نیز ارزش‌های انقلاب اسلامی تبدیل کردند.

خاتمی رئیس‌جمهور در واکنش به حوادث اصفهان، جانب آیت‌الله طاهری را گرفت و حمله به وی را نکوهش کرد. خاتمی گفت: متأسفانه از موقعیتی که مردم در اجابت دعوت رهبری حضور یافته بودند، سوء استفاده شد و به امام جمعه‌ای که بقیه‌السلف امام جمعه‌های شهید ما است، اساتذات ادب شد.

یک هفته بعد از حوادث اصفهان، احمد منتظری در گفتگوی کوتاه تلفنی اعلام کرد کنترل مکالمات تلفنی فرزندان آیت‌الله منتظری و جلوگیری از تماس تلفنی خبرنگاران بر محدودیت‌ها افزوده شده است. روز جمعه اول خرداد ۵۰ تن از شخصیت‌های سیاسی و سرشناس کشور که عمدتاً عضو نهضت آزادی ایران هستند با ارسال نامه به خاتمی از وی خواستند برای رفع محدودیت‌های آیت‌الله منتظری اقدام کند. □

تظاهرات طرفداران منتظری شدند، خامنه‌ای در این پیام آیت‌الله منتظری را «عامل بیگانگی» و پیروان وی را «عوامل صهیونیست و استکبار» خواند. روز جمعه مطابق فرمان خامنه‌ای انصار حزب‌الله و بسیجیان در حمایت پاسداران و نیروهای ضد شورش از گوشه و کنار گردهم آمدند و خیابان‌های اصفهان و محل نماز جمعه را که با امامت قاضی عسگر برگزار شد، قرق کردند. شعار حزب‌الله، همانطور که خامنه‌ای خواسته بود، همه علیه منتظری، آیت‌الله طاهری و علیه کسانی بود که به مخالفت با ولایت فقیه و استبداد فقهاتی برخاسته‌اند.

به دنبال یورش حزب‌الله به نماز جمعه، در حوزه علمیه، مجلس و میان نمایندگان اصفهان اختلافات علنی‌تر شد. دسته‌ای در حمایت از اقدام خامنه‌ای و دسته‌ای دیگر در رد آن نظر دادند. عبدالرحمان تاج‌الدین یکی از نمایندگان اصفهان در مجلس شورای اسلامی نظر مخالفان را چنین بیان کرد: عسدهای... ساحت مقدس نمازجمعه را به میدان برای

ادامه از صفحه اول در مجلس بازخواست کنند. وزارت نیرویی به نام نصراللهی را به عنوان یکی از تنظیم‌کنندگان اصلی ششماه‌ها در نجف‌آباد و اصفهان دستگیر کرده و هادی هاشمی داماد آیت‌الله منتظری و رئیس پیشین دفتر وی در جمع دستگیرشدگان است. یورش اخیر پاسداران به مردم اصفهان و نجف‌آباد با دخالت مستقیم خامنه‌ای انجام گرفت و او شخصاً رهبری سرکوب آیت‌الله منتظری و پیروان وی را به دست گرفته و به نیروهای نظامی، پاسداران، بسیجیان و مأموران وزارت اطلاعات فرمان داده است حرکات اعتراضی مردم را با خشونت سرکوب کنند.

خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت، یک روز قبل از تظاهرات از پیش تعیین شده طرفداران منتظری، در یک اقدام پی‌سابقه با صدور پیامی که متن آن از رادیو و تلویزیون اصفهان و نسج‌آباد پخش شد به پاسداران، بسیجیان و حزب‌الله فرمان داد به محل نماز جمعه یورش ببرند و مانع برپایی

که به نمایندگی ملت، انتقادها را تحمل می‌کند تا جامعه به عرصه قانونگرایی به ثبات لازم برسد. آقای خاتمی مهمترین شعار انتخاباتی را شعار توسعه سیاسی دانست و گفت: در توسعه سیاسی همه مردم صاحب حق رای و حق نظر هستند. مردم سالاری مورد نظر ما، استیلا و دیکتاتوری اکثریت و اضمحلال اقلیت نیست، بلکه وجود اقلیت برای جامعه لازم است زیرا اگر قدرت در مقابل خود انتقاد نداشته باشد به سوی دیکتاتوری پیش می‌رود. وی افزود: اما اگر اکثریت به برنامه‌هایی رای داد این حق آنان است که این برنامه‌ها پیاده شود و همه باید برای اجرای این برنامه‌ها کمک کنند.

رئیس‌جمهور در پایان سخنرانی خود خطاب به مردم تاکید کرد: به پیمانی که با شما بستم و به سوگندی که خوردم وفادارم. مطمئن باشید هیچ مانعی جلوی پافشاری ما برای انجام برنامه‌ها را نخواهد گرفت. البته ممکن است مشکلات شتاب ما را برای رسیدن به هدف کم کند ولی تحت هیچ شرایطی جهت و هدفمان را گم نخواهیم کرد. رئیس‌جمهور گفت: برای اینکه بتوانیم به عهد خود وفا کنیم نخست به‌خدا پناه می‌بریم و در درجه دوم از مردم استمداد می‌طلبیم. □

تداوم انحصار مورد نفرت...

صنعتی مردم را به شرکت در مراسم دانشگاه تهران دعوت کردند. روز شنبه گروه‌های مختلف مردم در دانشگاه تهران گرد آمدند. تعدادی از مردم به نشانه پیروزی شاخه‌های گل در دست داشتند و شعار می‌دادند: «جامعه مدنی ایجاد باید کرد، سیاست خاتمی اجرا باید کرد»، «یک ملکیت یک دولت، آن هم به رای ملت»، گروهی از جمعیت علیه محمد

ادامه از صفحه اول ستای برای برگزاری مراسم تشکیل شده بود. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، جامعه روحانیون مبارز، خانه کارگر، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان و دانش‌آموختگان، کارگران سازندگی، نهضت آزادی ایران و گروه بزرگی از نهادها و تشکلهای

حدود یکصد نفر از شرکت‌کنندگان در سخنرانی هنگام بازگشت از دانشگاه در تقاطع بولوار کشاورز و خیابان امیرآباد توسط نیروهای انتظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. این عده پس از ترک دانشگاه همچنان در حال سردادن شعارهایی بودند که مورد تهاجم افراد نیروی انتظامی که با باتوم، کلاخود و سپر در محل حضور داشتند، قرار گرفتند. تعدادی از این افراد نیز دستگیر شده‌اند. □

اسلام طالبانی است، اسلام طالبانی است، آمریکایی است! طالبان، طالبان جی‌اکن، ملکیت را رها کن! سیما انحصاری اصلاح باید کرده، سیاست سانسوری ملفی باید کرده! یزدی، یزدی، استعفا! نیروی انتظامی اصلاح باید کرده! رئیس‌جمهور ما، امام جمعه ما است! حضور دانشجویان در این همایش چشمگیر بود و در دسته‌های متشکل به محل سخنرانی آمدند. □

پنجمین جشنواره مطبوعات برگزار شد

مردم مطبوعات آزاد می‌خواهند

پنجمین جشنواره مطبوعات کشور، در روزهای ۲۱ تا ۲۷ اردیبهشت ماه در محل دبیرستان نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار شد. در نمایشگاه امسال ۵۰۰ نشریه در فضایی به وسعت ده هزار متر مربع انتشارات خود را به نمایش گذاشته بودند. نمایشگاه امسال نسبت به سال‌های گذشته در حال و هوای تازه‌ای برگزار شد. تحولاتی که در جامعه مطبوعاتی کشور پدید آمده است، موجب استقبال بیشتر مردم و به ویژه جوانان از نمایشگاه گردید. بحث‌های داغ و پرسش‌هایی که در نمایشگاه پیرامون آزادی مطبوعات جریان یافت، نمایشگر روحیه و انتظار مردم از رسالت و نقشی که مطبوعات باید به عهده بگیرند، بود. در جلسات پرسش و پاسخی که در غرفه‌های مطبوعاتی برگزار شد، بازید کنندگان خواستار آزادی بیشتر مطبوعات در کشور شدند.

با این حال آمارهایی که به مناسبت برگزاری جشنواره انتشار یافت، نشانه آن است که مطبوعات در کشور ما هنوز از جایگاه واقعی و رفیعی برخوردار نشده‌اند.

بنا به گزارش یونسکو، در ایران به ازای هر ۱۰۰۰ نفر، تنها ۳۳ روزنامه به چاپ می‌رسد. این نسبت در آمریکا ۱۳۵ هزار، در اروپا ۲۷۸ هزار، در آسیا ۶۵ هزار و در قاره آفریقا ۱۷ هزار است. بنا بر این آمارها، در ایران فقط ۴۰ روزنامه با تیراژ دو میلیون نسخه در روز منتشر می‌شود که در مقایسه با کشورهای پیشرفته، در سطح بسیار ناآزادی است. در این مورد ژاپن با ۱۲۱ روزنامه و ۷۲ میلیون و ۴۷ هزار نسخه روزانه، رتبه اول در جهان را دارد. آمریکا با ۱۵۳۳ روزنامه و ۸۰ میلیون و ۱۹۳ هزار تیراژ و آلمان با ۴۰۶ عنوان روزنامه و ۲۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تیراژ در مکان‌های بعدی قرار دارند. کشور ترکیه، ۴۰۰ روزنامه و ۷ میلیون تیراژ روزانه دارد.

در ایران روزنامه همیشگی با تیراژ اعلام شده ۴۰۰ هزار نسخه در روز پرتیراژترین روزنامه است و بعد از آن روزنامه تازه تأسیس جامعه با ۱۲۰ هزار تیراژ روزانه در جای دوم قرار دارد. تیراژ روزنامه کیهان، که زمانی پرفروش‌ترین و معتبرترین

۱۲۵ روزنامه‌نگار از فرمانده سپاه توضیح خواستند

به دنبال اظهارات رحیم صفوی، فرمانده سپاه پاسداران که در آن روزنامه‌نگاران را نیز تهدید کرد، ۱۲۵ روزنامه‌نگار با انتشار اطلاعیه‌ای از فرمانده سپاه در مورد اظهارات تهدیدآمیز توضیح خواستند. در این اطلاعیه آمده است: «در روزهای اخیر، سخنانی به نقل از سرلشگر رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مطبوعات کشور به چاپ رسید که حاوی تهدید علیه جامعه مطبوعاتی کشور است. متأسفانه بیانیه مطبوعاتی روابط عمومی سپاه نیز مبنی بر ناقص و مخدوش بودن اظهارات نقل شده از سرلشگر صفوی، نه تنها به رفع ابهام از سخنان وی کمک نکرد، بلکه با تکرار اتهام و تهدید علیه مطبوعات کشور به نگرانی روزنامه‌نگاران کشور دامن زد.»

در میان روزنامه‌نگارانی که این اطلاعیه را امضا کرده‌اند، از جمله نام‌های زیر به چشم می‌خورد: محمد آقازاده، نقی اقبالو، کریم ارغنده‌پور، حمیدرضا جلالی‌پور، ماشاءالله شمس‌الواعظین، فریدون شیبانی، عباس عبیدی، عذرا فراهانی، ۲۷ زن روزنامه‌نگار این بیانیه را امضاء کرده‌اند.

روزنامه‌نگارانی که این اطلاعیه را امضا کرده‌اند، وابسته به روزنامه‌های طرفدار رئیس‌جمهور می‌باشند و نام روزنامه‌نگاران مستقلی در میان آنان به چشم نمی‌خورد.

چنین به نظر می‌رسد که متکثرترین این اعتراض حاضر نشده‌اند امضای روزنامه‌نگاران غیر وابسته به جناح‌های حکومتی نیز در پای این بیانیه گذاشته شود. □

شمس‌الواعظین:

صد او سیمایا بد به خاطر برنامه هویت معذرت بخواد

غرفه روزنامه تازه تأسیس «جامعه»، شاید بیش از سایر غرفه‌ها، استقبال و کنجکاوی بازدید کنندگان پنجمین جشنواره مطبوعات را برانگیخت و حضور مسئولان این روزنامه در غرفه و پاسخ‌های آنان به سوالات بازدید کنندگان بر تجمع در غرفه جامعه بیشتر افزود. ماشاءالله شمس‌الواعظین، سردبیر این روزنامه در پاسخ به سوال یکی از برنامه‌سازان رادیو جهت شرکت وی در مصاحبه‌ای پیرامون خط‌مشی روزنامه جامعه گفت:

تا زمانی که صدا و سیما جمهوری اسلامی به خاطر پخش سلسله برنامه‌های هویت، از افرادی که مورد توهین و افترا قرار گرفته‌اند، عذرخواهی نکنند، با این رسانه هیچ‌گونه مصاحبه و همکاری نخواهم داشت. وی اشاره کرد. این که نقد واقعی چیست و بین نقد و تخریب چه تفاوتی است را باید قانون مطبوعات مشخص کند و باید در این مورد قانون مطبوعات جدیدی نوشته شود.

نخستین روزنامه زنان به زودی انتشار می‌یابد

روزنامه «زن» که قرار است به زودی در تهران منتشر شود، ویژه‌نامه‌ای را مخصوص جشنواره پنجم به چاپ رساند. این روزنامه قرار است نخستین روزنامه زنانه ایران باشد. صاحب امتیاز و مدیر مسئول «زن» خانم فائزه رفسنجانی، نماینده مجلس است

روزنامه «زن» که قرار است به زودی در تهران منتشر شود، ویژه‌نامه‌ای را مخصوص جشنواره پنجم به چاپ رساند. این روزنامه قرار است نخستین روزنامه زنانه ایران باشد. صاحب امتیاز و مدیر مسئول «زن» خانم فائزه رفسنجانی، نماینده مجلس است

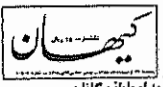
یک سالی که چهره کشور را تغییر داد

لا يزال مردم را محور تلاش‌های خود قرار خواهیم داد. یک سال پس از دوم خرداد، این سالی که چهره کشور را تغییر داد، در روزهای گذشته تحولات یک سال گذشته بازگشت‌ناپذیر است یا نه. در یک سال اخیر، مردم در طرح‌ها و خواسته‌ها و اراده خود جسارت بیشتری یافته‌اند. از قدرت ارباب و سرکوب رژیم کاسته شده است. مطبوعات در بازتاب انتقادی رویدادها فعال‌تر شده‌اند و به طور خلاصه در بسیاری از عرصه‌ها، رژیم ناگزیر از عقب‌نشینی در برابر مردم شده است. آیا این روندها بازگشت‌ناپذیر شده است یا ولایت فقیه موفق خواهد شد ایران را به پیش از دوم خرداد بازگرداند؟

با توجه به تنوع عوامل مؤثر در روندهای آینده، پاسخ دادن به این پرسش و پیش‌بینی رویدادها دشوار است. خاتمی و جناح طرفدار او در یک سال اخیر در بسیاری از عرصه‌ها در عمل کردن به وعده‌های انتخاباتی خود، در ایستادگی در برابر جناح غالب رژیم از خود ناپیگیری نشان داده‌اند و در پاره‌ای از عرصه‌ها، پیش‌رفت‌ها در چندین شرایطی، بی‌شک عاملی که می‌تواند روندهای یک سال گذشته را بازگشت‌ناپذیر کند، موضوع

از آن سال‌ها

از ۲۷ اردیبهشت تا ۶ خرداد ۱۳۵۸



شاه - بختیار و شریف امامی باید گذشته شوند

کیهان ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸

دانشجویان پیشگام تبریز خواهان دمکراتیک بودن شوراها هستند

سه‌شنبه گذشته دانشجویان پیشگام دانشگاه تبریز به دنبال تشکیل مسئله شورای دانشگاهی طی جلسه‌ی قطعنامه‌هایی صادر کردند.

در این قطعنامه آمده است که دانشجویان پیشگام، معتقد به دمکراتیک بودن شوراها هستند و از آنجاییکه طرح دانشجویان مسلمان راکه قبلاً ارائه شده و در آن به حقوقشان به طور یکسان توجه نشده است و علاوه بر آن قدرت تصمیم‌گیری را عملاً به دست کادر علمی سپرده است اعلام کرده‌اند که:

- ۱- ما خواستار شرکت فعالانه گروه‌های مختلف فکری دانشجویان در شورای دانشگاهی می‌باشیم.
- ۲- ما خواهان شرکت دانشجویان و کارکنان کادر علمی به طور مساوی در شورای دانشگاهی.

کیهان ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸

امام خمینی در دیدار با طبقات مختلف مردم از آن طرف مرزها پول می‌آید و بین کارگرها تقسیم می‌شود

اینها که بین اقتدار ملت در اطراف مملکت آشوب می‌کنند و در صدد اختلاف انداختن هستند، عمال خارجی هستند. عمال آمریکا هستند. جیره‌خوار آنها هستند.

از آن طرف مرزها پول می‌آید پیش اینها و اینها بین کارگرها تقسیم می‌کنند که کار نکنند. کار نکنند که کارخانه‌ها راه نیفتند. کشاورزها را مانع می‌شوند از اینکه به شغل خودشان ادامه دهند.

کیهان ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸

صدمین زادروز دکتر مصدق باشکوه هر چه تعاتر برگزار شد

بعدازظهر دیروز ده‌ها هزار تن از مردم تهران دعوت جبهه دمکراتیک ملی ایران را به مناسبت سالروز تولد دکتر محمد مصدق اجابت کردند و در دانشگاه صنعتی شریف واقفی گرد آمدند.

پیام سازمان چریک‌های فدایی خلق سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز به این مناسبت اعلامیه صادر کرد. در این اعلامیه آمده است: امروز یکصدمین سالگرد تولد مردی است که میهن پرستان و آزادیخواهان ایران هرگز خاطرات مبارزات آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه او را از یاد نخواهند برد. نام مصدق همیشه برای مبارزان و انقلابیون ایران گرامی است. مصدق آزاده‌ای بود که هرگز از برخورد آزادانه اندیشه‌ها نهراسید و در تمام طول زندگی مبارزاتش، عشق خود را به آزادی اندیشه، آزادی فعالیت‌های سیاسی، آزادی مطبوعات و آزادی بیان که ضامن آگاهی توده‌ها و استقلال میهن است نشان داد.

کیهان ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۸

یاد شهدای راه آزادی و استقلال وطن را گرامی داریم به مناسبت سالگرد و شهادت چریک فدایی خلق رحمت پیرو نذیری که در پنجم خرداد سال ۵۰ به درجه شهادت رسیده است. مجلس یادبود آن زنده‌یاد در شیبستان شماره یک واقع در بهشت زهرا از ساعت ۹ تا ۱۱ روز جمعه ۴/۳/۵۸ برگزار می‌گردد. خانواده پیرو نذیری

کیهان ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۸



کیهان امروز بهمت کارگران و کارکنان منتشر شد

پروتکل‌ها در کیهان دکتر فخرالدین حجازی کارگران روزنامه کیهان، سرانجام برخاستند و خودشان روزنامه‌نگار شدند. حالا هم می‌نویسند و هم حروف می‌چینند و هم صفحه‌بندی و چاپ می‌کنند و این خود پیروزی طبقه کارگر است که به آگاهی رسیده‌اند و خودساختگی و خودکفایی، و من انتظار داشتم که همان طبقه کارگر جشن بگیرند و خوشحال شوند که زمینه حکومت‌کاری در ایران فراهم شده است و به زودی ستمدیدگان بر ستمکاران پیروز می‌شوند.

ولی با آندوه فراوان دیدم که طرفداران حکومت پرتولاریا برآشفتمند و حمله‌ها و دشنام‌ها را آغاز بدند و گروهی را نیز به دنبال خود کشانیدند و اعصاب‌ها به راه انداختند و کارشکنی‌ها و دیگر کارها.

کیهان ۶ خرداد ۱۳۵۸

بدی که کودکی را از مادرش ربوده بود به ۹ سال زندان محکوم شد

هفته گذشته دادگاه عالی شهر کلن در آلمان، یک پدر ایرانی را که فرزند سه ساله خود را بدون اجازه و اطلاع مادر کودک به ایران فرستاده بود، به ۹ سال زندان محکوم کرد. این مرد چند سال پیش از هجر خود جدا شده بود و دادگاه آلمان حق سرپرستی فرزند را به مادر سپرده بود. این مرد به پنهان دیدار فرزند، کودک را از مادر تحویل گرفت و دیگر به او بازنگرداند. طبق مدارکی که به دادگاه ارائه شد، کودک سه سالگی از آلمان به ایران فرستاده شده و از آنجا با همدستی سفارت جمهوری اسلامی در ترکیه روانه ایران گردید. مادر این کودک تمام بلغارستان را در جستجوی فرزند خود زیر پا گذاشت و وقتی از یافتن او ناامید شد، به پلیس آلمان شکایت کرد. پلیس پدر فرزند را به جرم آدم‌ربایی دستگیر کرد و در دادگاه نخست به اشد مجازات (دو سال حبس) محکوم نمود. در دادگاه عالی که در تاریخ ۱۸ ماه مه برگزار گردید، وی به ۹ سال حبس دائم بدون تخفیف محکوم گردید. مرد در دادگاه سکوت کرد و به درخواست دادگاه مبتنی بر افشای محل زندگی کودک پاسخی نداد. وکیل مدافع مادر در دادگاه گفت: نقش سفارت‌خانه‌های ایران به عنوان مستدان این کودک و پنهان شدن او در سواحل سراسر ایران، مقدمات قضایی جمهوری اسلامی اعلام کردند که مرتضی فیروزی سردبیر سابق روزنامه «ایران نیوز» به حکم اعدام یا سنگسار محکوم شده است.

دیوان عالی کشور نیز حکم سنگسار وی را تأیید کرده است. مرتضی فیروزی توسط مقامات امنیتی رژیم در سال گذشته به اتهام جاسوسی و رابطه نامشروع دستگیر شد. وی اکنون منتظر اجرای حکم قرون وسطایی سنگسار است.

هم وطن!

رژیم جمهوری اسلامی اولین بار نیست که چنین اعمال جنایتکارانه را علیه روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان کشورمان انجام میدهد. حدود دوسال پیش مقامات امنیتی رژیم رفیق علی توسلی عضو سابق کمیته مرکزی سازمان ما را در باکو ربودند و به تهران منتقل کردند و تاکنون هیچگونه اطلاعی از سرنوشت او در دست نیست.

هم وطن!

برای دفاع از جان روزنامه نگار مرتضی فیروزی و اعتراض به قوانین ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی گردهم آیم و با فریادهای رسای خود خواهان لغو قوانین ضدانسانی و قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی شویم.

همبستگی پرشکوه ایرانیان خارج از کشور در دفاع از جان فرج سرکوهی نشان داد که میتوانیم با همبستگی خورش ناممکن‌ها را به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل کنیم.

مافدائیان خلق ایران از تمامی سازمانها، احزاب، نهادهای دموکراتیک ایران و از تمامی مجامع بین المللی مصرانه می‌خواهیم که به حکم سنگسار آقای فیروزی اعتراض کنند. و خواهان متوقف شدن این حکم ضد بشری شوند.

هم وطن!

ما فدائیان خلق ایران ضمن پشتیبانی از تظاهرات اعلام شده در روز ۳۰ ماه ۱۹۹۸ ساعت ۱۱ صبح جلوی سفارت ایران در بن، از تمامی هم‌میهن‌ان دعوت میکنیم که بر این تظاهرات شرکت بکنند و صدای اعتراض خود را علیه نقض حق بشر در ایران اعلام کنند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - آلمان ۲۰ ماه مه ۱۹۹۸

کشاکش بر سر جهت‌گیری‌های اقتصادی دولت

- «جناح چپ»: به سیستم توزیع متمرکز بازگردید!
- «جناح راست»: مارگارت تاچر را الگو قرار دهید!

به دستور رئیس‌جمهور در شهریور ماه گذشته، توسط وزارت اقتصاد و دارایی تهیه شده و تا چندی پیش محرمانه بوده است. این طرح دارای ۵ بخش هدف‌های اقتصادی، راه‌بردها، سیاست‌های اقتصادی، نظام تصمیم‌گیری اقتصادی و اهم برنامه‌های اجرایی - اقتصادی است. در مقدمه این طرح گفته شده است که به دلیل تفاوت نظرهایی که در ستاد سامان‌دهی اقتصادی وجود داشته است، ایجاد اتفاق نظر در مورد تمام جزئیات طرح ممکن نشده است و بر اساس جمع‌بندی مشترکات طرح فوق تنظیم شده است.

ثبات سیاست‌ها و امنیت اقتصادی، سهمین شدن دولت در تامین هزینه‌های دولت به عنوان اولین هدف طرح مورد تأکید قرار گرفته است. تناسب میان نرخ سود بانکی و سود

گرایش‌های «چپ» و «راست» جمهوری اسلامی، محمد خاتمی را برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی خود تحت فشار گذاشته‌اند و با ارایه برنامه‌های مختلف، از او می‌خواهند که راه‌حل‌های پیشنهادی آن‌ها را به عنوان مبنای کار خود بپذیرد. این راه‌حل‌ها، بیش از هر چیز نشانگر سردرگمی در اتخاذ یک راه حل اقتصادی از سوی دولت است.

میرحسین موسوی، نخست‌وزیر سابق و مشاور فعلی آقای خاتمی با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور، از روند گرانی‌ها ابراز نگرانی کرده و به او پیشنهاد کرده است سیستم توزیع متمرکز کالاهای اساسی احیا شود. گفته می‌شود مسعود روغنی زنجانی رئیس اسبق سازمان برنامه و بودجه با اطلاع از این نامه

فراخوان به تظاهرات برای نجات جان یک روزنامه‌نگار پیاخیزیم!

هم وطن!

مقامات قضایی جمهوری اسلامی اعلام کردند که مرتضی فیروزی سردبیر سابق روزنامه «ایران نیوز» به حکم اعدام یا سنگسار محکوم شده است.

دیوان عالی کشور نیز حکم سنگسار وی را تأیید کرده است. مرتضی فیروزی توسط مقامات امنیتی رژیم در سال گذشته به اتهام جاسوسی و رابطه نامشروع دستگیر شد. وی اکنون منتظر اجرای حکم قرون وسطایی سنگسار است.

هم وطن!

رژیم جمهوری اسلامی اولین بار نیست که چنین اعمال جنایتکارانه را علیه روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان کشورمان انجام میدهد. حدود دوسال پیش مقامات امنیتی رژیم رفیق علی توسلی عضو سابق کمیته مرکزی سازمان ما را در باکو ربودند و به تهران منتقل کردند و تاکنون هیچگونه اطلاعی از سرنوشت او در دست نیست.

هم وطن!

برای دفاع از جان روزنامه نگار مرتضی فیروزی و اعتراض به قوانین ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی گردهم آیم و با فریادهای رسای خود خواهان لغو قوانین ضدانسانی و قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی شویم.

همبستگی پرشکوه ایرانیان خارج از کشور در دفاع از جان فرج سرکوهی نشان داد که میتوانیم با همبستگی خورش ناممکن‌ها را به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل کنیم.

مافدائیان خلق ایران از تمامی سازمانها، احزاب، نهادهای دموکراتیک ایران و از تمامی مجامع بین المللی مصرانه می‌خواهیم که به حکم سنگسار آقای فیروزی اعتراض کنند. و خواهان متوقف شدن این حکم ضد بشری شوند.

هم وطن!

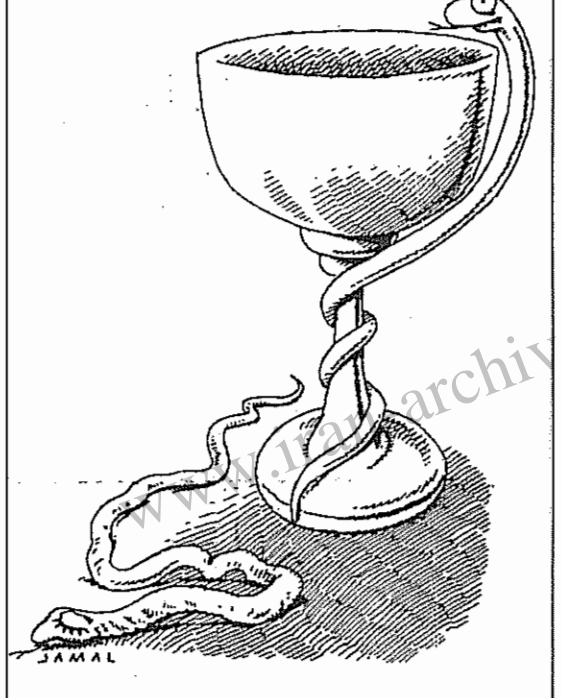
ما فدائیان خلق ایران ضمن پشتیبانی از تظاهرات اعلام شده در روز ۳۰ ماه ۱۹۹۸ ساعت ۱۱ صبح جلوی سفارت ایران در بن، از تمامی هم‌میهن‌ان دعوت میکنیم که بر این تظاهرات شرکت بکنند و صدای اعتراض خود را علیه نقض حق بشر در ایران اعلام کنند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - آلمان ۲۰ ماه مه ۱۹۹۸

کوه‌نوردان ایران قله اورست را فتح کردند

کوه‌نوردان ایرانی پس از دو ماه تلاش موفق شدند اورست، بلندترین قله جهان را فتح کنند. مسافران ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۷، تیم ملی کوه‌نوردی ایران توانست به قله اورست دست یابد. در جریان این صعود کوه‌نوردان ایرانی ۴ کمپ فرعی و یک کمپ اصلی در ارتفاع‌های ۵۲۰۰، ۶۵۰۰، ۷۳۰۰، ۷۹۰۰ متر برقرار کردند و ۵۰۰۰ متر طناب ثابت کار گذاشتند و از یخچال صعب‌العنبر «خومبو» عبور کردند. با صعود کوه‌نوردان ایرانی به قله ۸۸۴۸ متری اورست، نام ایران به عنوان بیست و چهارمین کشور فتح‌کننده اورست به ثبت رسید. تیم ملی کوه‌نوردی ایران

طرح جداسازی جنسی خدمات پزشکی



در راستای جداسازی... در ادامه طرح ممنوعیت دفاع از حقوق غیر شرعی بانوان و همچنین هم‌جنس‌سازی پزشکیان و بیماران، طرح‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. طرح مقابله با ساخت آپارتمان‌های بیش از یک طبقه و در الویت قرار دادن فعالیت‌های ساختمانی زیرزمینی در جهت مقابله با تهاجم ساختمانی از طریق مقابله با نظارت آپارتمانی،
۲. طرح ممنوعیت از گذاشتن تخم دو زرده توسط مرغ‌ها، در صورتی که جوجه‌های مربوطه از دو جنس باشند،
۳. طرح ضرورت استفاده از پلاستیک مشکی در بسته‌بندی مرغ‌ها در مرغ فروشی جهت مقابله با انحراف در افکار عمومی، فروش عادی خروس بلاشکال است.

پیشنهاد: در راستای تغییرات اساسی پیشنهاد می‌گردد یک کمیسیون مشترک با شورای مرکزی طالبان ایجاد شود.

از روزنامه جامعه

بدنبال سنگین‌ترین شکست تیم ملی فوتبال ایران، ایوبج برکنار شد

جلال طالبی سرمربی فوتبال ایران شد

پس از سنگین‌ترین شکست تیم ملی فوتبال ایران، تومیسلاو ایوبج سرمربی کروات تیم ملی ایران از سوی ناصر نوآموز مسئول تیم ملی فوتبال در فدراسیون فوتبال برکنار شد و جلال طالبی مشاور فنی تیم‌های فوتبال ایران، مسئولیت سرمربی‌گری تیم ملی فوتبال ایران را به عهده گرفت. تیم ملی فوتبال ایران در آستانه جام جهانی به ایتالیا رفت و برطبق قرار قبلی در اولین بازی خود در مقابل تیم سرشناس آ.ا.ث.رم قرار گرفت. در این بازی تدارکاتی تیم ملی فوتبال ضعیف‌ترین بازی ادامه در صفحه ۶

خبرهای کوتاه

۵ خرداد، روز انتخاب هیئت رئیسه مجلس

در آستانه انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی در فراکسیون اصلی آن در هفته گذشته تلاش خود را برای تدوین نهایی لیست کاندیداهای خود تشدید کردند. نمایندگان جناح محافظه‌کار در جلسه چهارشنبه گذشته خود در نهایت توانستند به توافق برسد و لیست اعضای مورد نظر خود را به شرح زیر ارائه دهند: علی‌اکبر ناطق‌نوری برای ریاست مجلس، حسن روحانی، محمدی کرمانی و مجتهد شبستری برای نایب‌های رئیس و طه‌هاشمی، محمود جمالی، سیدحسین هاشمی، محمد مهدی شجاعی فرد، عباسعلی تورا، سیدطاهر طاهری، برای مسئولیت کاربرداری.

اما جناح مجمع نمایندگان حزب‌الله تا آخر هفته توانست برای تهیه لیست خود به نتیجه نهایی برسد و ارائه لیست خود را به هفته جاری موکول کرد. وجود سه دیدگاه مختلف پیرامون انتخابات هیئت رئیسه مهم‌ترین علت تأخیر این جناح در ارائه لیست بوده است. به گفته یکی از اعضای این جناح، گروهی معتقدند که برای داشتن امکان شرکت در هیئت رئیسه باید با جناح راست ائتلاف صورت پذیرد، گروه دوم معتقدند که در هر حال باید لیست مستقل ارائه شود حتی اگر اعضای لیست انتخاب نشوند و گروه سوم معتقد است که بهتر است افراد باوجهی که امکان جمع‌آوری رأی دارند از جانب گروه معرفی شوند.

نمایندگان «مستقل» نیز ظاهراً سعی دارند که در این انتخابات فعال‌تر باشند و لیست سومی ارائه دهند که شامل امیدوار رضایی، طه‌هاشمی، بهنیا و خانم قدسیه علوی خواهد بود.

انتخابات هیئت رئیسه مجلس در سال گذشته با التهاب زیاد همراه بود و ناطق‌نوری پس از شکست بزرگ در انتخابات ریاست جمهوری در شرایطی که نمایندگان جناح راست مجلس روحیه خود را از دست داده بودند تنها با اعمال نفوذ خامنه‌ای توانست بر کرسی ریاست مجلس شورای اسلامی تکیه زند.

بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی انتخابات هیئت رئیسه مجلس هر سال برگزار می‌شود و در جریان آن رئیس، نایب رئیس اول و نایب رئیس دوم، ۲ کاربرداز و ۶ منشی تعیین می‌شوند.

اعتصاب غذا در کارخانه جوراب آسیا

کارگران کارخانه جوراب آسیا هفته گذشته در اعتراض به تغییر پیاپی مدیریت کارخانه و پایین بودن حقوق خود به اعتصاب غذا دست زدند. به گفته یکی از اعتصابیون کارخانه به علت ضعف مدیریت و عدم تحویل مراد اولیه اکثراً عملاً از کار افتاده است. به اعتقاد وی این کارخانه از زمانی که تحت پوشش بنیاد مستضعفان قرار گرفته است، در زمهری بدترین کارخانه‌های خاورمیانه قرار گرفته است. کارگران خواستار آن هستند که کارخانه از نظارت بنیاد مستضعفان خارج شود.

دستگیری داماد منتظری

به گزارش روزنامه فردا هادی هاشمی، داماد منتظری و برادر مهدی هاشمی (شخصی که در سال ۶۷ به خاطر مخالفت با سران رژیم به اتهام اقدام علیه امنیت ملی اعدام شد)، هفته گذشته مجدداً دستگیر شده است. هادی هاشمی که در سال ۶۵ به همراه برادرش دستگیر شده بود در آن‌زمان با تخفیف معینی در حکم خود به علت نزدیکی خانوادگی بیشتر با منتظری از اعدام رهایی یافت و پس از مدتی حبس، از قم به مشهد تبعید شد. خبر دستگیری اخیر هادی هاشمی متعاقباً توسط احمد منتظری فرزند آیت‌الله منتظری تأیید شد. احمد منتظری اظهار داشت که هادی هاشمی تا سال ۶۸ مسئول دفتر منتظری بوده است ولی پس از آن هیچ سمتی در این دفتر نداشته است و در چند سال گذشته کاری به سیاست نداشته و در آن‌روز زندگی می‌کرده است.

صدور پروانه برای ۲۱ تشکل سیاسی

دبیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها هفته گذشته اعلام کرد که در ماه گذشته پروانه فعالیت برای ۹ تشکل و گروه سیاسی صادر شده است و رسیدگی به درخواست تأسیس ۱۲ تشکل دیگر نیز در جریان است. ۹ تشکلی که پروانه فعالیت دریافت کرده‌اند عبارت‌اند از:

جمع نمایندگان ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی، جمعیت فدائیان رهبر، مجمع نیروهای خط امام، جمعیت خدمتگزاران سازندگی خراسان، انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه تربیت معلم، کانون بازنشستگان بانک رفاه کارگران، کانون فارغ‌التحصیلان علوم اجتماعی، کانون بازنشستگان صنعت بیمه و جامعه مهندسان شهرساز.

۱۲ تشکل در آستانه تأسیس نیز چنین نام دارند:

کارگزاران سازندگی ایران، حزب سعادت ایران، انجمن اسلامی فارغ‌التحصیلان ژاپن، مجمع اسلامی بانوان، انجمن اسلامی فرهنگیان استان قم، کانون اسلامی مدرسان مراکز تربیت معلم، کانون بازنشستگان وزارت اقتصاد و دارایی، انجمن متخصصین امور ذی‌سپاهی، کانون بازنشستگان وزارت فرهنگ و آموزش عالی، کانون بازنشستگان شرکت دخانیات، انجمن زرتشتیان شیراز و جمعیت طرفداران نظم و قانون.

در میان ۲۱ گروه نام‌برده، قاعدتاً تنها کارگزاران سازندگی ایران در آینده پیش‌رو امکان فراوانی به یک سازمان سیاسی متعارف را خواهد داشت.

لوکوموتیوهای مترو از بین رفتند

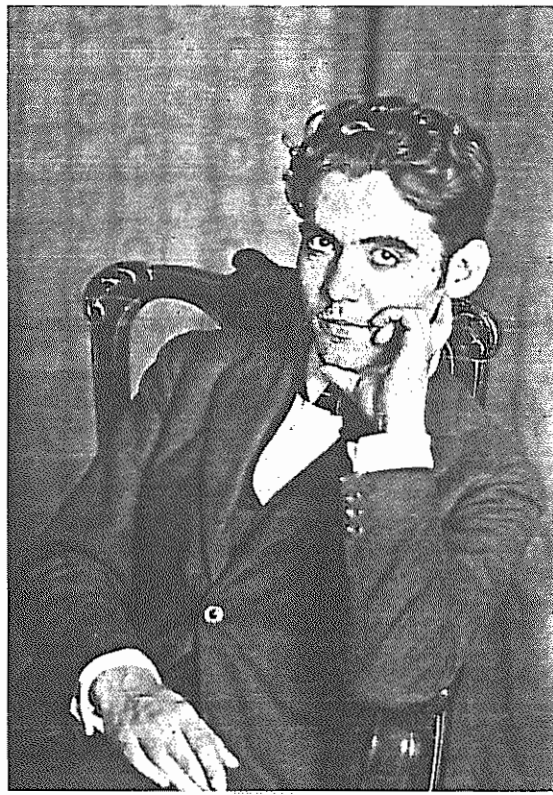
طلمس متروی تهران که نسلی از مردم کشور از زمانی که چشمان را به روی این دنیا گشودند در انتظار آغاز به کار آن هستند، شکستی نیست. حال که گفته می‌شود مراحل انتهایی احداث نخستین خطوط آن به پایان رسیده و افتتاح آن نزدیک است، خبر رسیده است که کشتی حامل ۶ دستگاه لوکوموتیو برقی که در بندر شانگهای بارگیری شده بودند، پس از عزیمت از این بندر با یک کشتی کوهی جنوبی تصادف کرده است و در نتیجه آن به این لوکوموتیوها آسیب جدی وارد شده است.

صدهین سال تولد فدريكو گارسيا لورکا

ع. بهار

باز سازی یک اسطوره

هما داوودی



می شوند تا خانم را به ستاردها منتقل کنم

ای شاعر عزیز از سنوآل یک کاریکاتوریست تعجب نکن. همان طور که می دانی من موجودی هستم با پره های زیاد و اعتقادی کم، وحشی و با جسمی دردپذیر. و به خاطر داشته باش که جان مایه تمامی ساز و برگ تراژیک زندگی در بیت شعری نهفته است که والدین من همیشه آن را زمزمه می کردند. فکر نمی کنی که در مقایسه با «مونوتز سکا»ی خوشبین حق با «کالدرون دلا بارکا» است که گفته است: تولد یافتن / و این است بزرگ ترین گناه انسان.

سئوالات تو اصلاً مایه تعجب من نیست. تو خودت به معنای واقعی کلمه شاعر هستی، زیرا که همیشه انگشت روی زخم می گذاری. من خیلی ساده و بی پرده به تو پاسخ می گویم و اگر جوابم درست نبود و به لکت افتادم، به حساب بی اطلاعی ام بگذار. پره های وحشی تو پره های یک فرشته هستند و در پشت ضرب آهنگی که رقص غریب تو را ریتم می دهد برپایی جای دارد، از آن گونه که ایتالیایی های باستان رسم می کردند. اوست که تنها یک بُعد داشته و سیل اشکی که پیرامونمان را فرا گرفته است را نمی بیند، سیلی که منشأ آن همه آن چیزهایی است که باید درمانشان نمود.

فکر می کنی لحظه ای را که کلید زادگاهات گرانادا باز پس داده شد، لحظه شادی بخشی بود؟ (منظور شکست حکومت اعراب در جنوب اسپانیاست)

لحظه بسیار دردناکی بود. با توجه به آن که هنوز در مدارس خلاف آن را تدریس می کنند. تمدن، شعر، ستاره شناسی، معماری و ظرافت قابل تحسینی که در جهان یگانه نبود ناپود گردید تا برای شهری فقیر و ترس زده جا باز شود، شهری فقیر که در حال حاضر بیورژوازی رقت انگیز اسپانیا در آن به دنبال تفریح و سرگرمی خود می باشد.

فدريكو آیا فکر نمی کنی که سرزمین مادری چیز خاصی نیست و مرزها می بایستی که به کناری گذاشته شوند؟ چرا باید که یک اسپانیایی بد برادر ما به حساب آید اما یک چینی خوب نه؟

من از صمیم قلب اسپانیایی هستم و بر این غیر ممکن است تا خارج از مرزهای جغرافیایی ام زندگی کنم. اما من از اسپانیایی که فقط اسپانیایی است و غیر از آن هیچ، تفر دارم. من برادر همه هستم و از انسانی که برای یک ایده ملی انتزاعی خود را قربانی می کند، تنها بدین خاطر که سرزمین مادری اش را چشم بسته دوست دارد، انزجار دارم. آن

چینی خوب به من از اسپانیایی بد نزدیک تر است. من اسپانیا را می سراییم و آن را تا مغز استخوانم احساس می کنم، اما بیشتر از همه یک انسان این جهانی و برادر همه هستم. به همین خاطر هم من مرزهای سیاسی را باور ندارم

لورکا عزیز، می خواهم راجع به دو چیز از تو سوال کنم و فکر می کنم که در اسپانیا خیلی با ارزش هستند یکی «آواز کولی ها» و دیگری گاو بازی. از نظر من در آواز کولی ها یک اشکال وجود دارد و آن هم این است که آنها در ابیات شان همیشه از مادرشان یاد می کنند و اسمی از پدر نمی برند. این مسئله از نظر من عادلانه نیست. شوخی به جای خود، فکر می کنم که این آوازها بزرگ ترین ثروت فرهنگی سرزمین ما هستند؟

تعداد کمی آواز کولی ها را می شناسد زیرا آن چیزی که بیش از همه عرضه می گردد فلاننگو است که آواز اصیل کولی ها نیست. این میحت خیلی گسترده است و در این گفتگو نمی توان راجع به آن صحبت نمود. از بعضی جهات هم حق با اشاره طنزآمیز توست که کولی ها تنها از مادرشان یاد می کنند. علتش هم این است که آن ها در مادرشان زندگی می کنند و پدرها هم پدر نیستند بلکه همیشه به عنوان پسران مادرانشان به حساب می آیند و بدین شکل هم زندگی می کنند. با این همه اشعار فولکلوریک بسیار عالی از کولی ها موجود است که به پدرها تقدیم شده است اما تعدادشان خیلی اندک

شاملو
پدرود باگاریا، زمانی که به کلبه ات با گل ها و حیوانات و رودخانه هایش برگشتی، به دوستانت بگو که به سفرهای ارزان قیمت اعتماد نکرده و به شهرهایمان سرازیر نشوند؛ به حیواناتی که تو آن ها را با محبت خاصی طراحی می کنی بگو که نباید دچار جنونی آبی شده و علتش هم این است که آن ها در مادرسالاری زندگی می کنند و پدرها هم پدر نیستند بلکه همیشه به عنوان پسران مادرانشان به حساب می آیند و بدین شکل هم زندگی می کنند. با این همه اشعار فولکلوریک بسیار عالی از کولی ها موجود است که به پدرها تقدیم شده است اما تعدادشان خیلی اندک شاملو

۲۰ روز تا شروع جام جهانی بیشتر نمانده است. تمام قوای مستولان فوتبال ایران باید به خدمت بازیکنان و طالبی و ذوالفقارنسب در آید.

پس از استقرار جمهوری در اسپانیا (۱۹۳۱)، او به عنوان کارگردان گروه تئاتر نوین «لا باراکا» که در چهارچوب اصلاحات فرهنگی به نفع توده های مردم، ایجاد شده بود از هنر تئاتر برای پیشبرد اهداف این اصلاحات استفاده نمود. او خود می گوید: تئاتر شعری است که از کتاب برمی خیزد و انسانی می شود. لورکا استعداد خارق العاده ای داشت و در کنار شعر و تئاتر، به هنرهای دیگر هم مسلط بود. او پیانیست ماهری بود، آواز می خواند، گیتار می نواخت و نقاشی هم می کرد.

در سال های حکومت فرانکو، فاشیست ها بیهوده سعی بسیار نمودند تا یاد و خاطره شاعری که در زمان حیاتش معروفیت جهانی یافته بود را از بین ببرند. قتل او توسط فاشیست ها در اندلس به هنگام آغاز جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶)، دنیای ادبی داخل و خارج از اسپانیا را دچار شوک نمود و او به سمبل آزاداندیشی تبدیل گردید که توسط فاشیسم به خون کشیده شد.

بخش هایی از آخرین مصاحبه لورکا که در سال ۱۹۳۶ صورت گرفته و در زمان حیات او منتشر گردید.

ادامه از صفحه ۵
سنگین در رم را محصل توطئه مشترک بازیکنان علیه خود خواند.
پس از شکست در رم و اخراج ایویچ، ناصر نو آموز مدیر تیم های فوتبال ایران در گفتگویی با خبرنگاران گفت: اخراج ایویچ از سوی من صورت گرفت. ایویچ همه تصمیمات را بدون مشورت با من و کمک مربیان اتخاذ می کرد و مسئولیت این شکست سنگین به عهده اوست. ما فقط یک ماه تا آغاز

جام جهانی فرصت داریم و ایویچ کارهایی می کرد که در کوتاه مدت هیچ تأثیر مثبتی برای این تیم نداشت. پس از اخراج ایویچ، صفایی فراهانی رئیس فدراسیون فوتبال به ایتالیا رفت و پس از یک نشست در پشت درهای بسته در ایتالیا گفت: من با طالبی و ذوالفقارنسب و نو آموز نشست تیرتیب دادم تا بسیم برنامه کار آنها چیست. در بازی دوم ایران با این ترکیب روبروی تیم سرشناس انترناسیونال میلان صف آرای می

اینجا خواهان دیدار مردانی هستم که آوازی سخت دارند مردانی که هیون را رام می کنند و به رودخانه ها ظفر می یابند مردانی که استخوان هاشان به صدا در می آید و با دهان پر از خورشید و چغماق می خورند خواستار دیدار آنگام من اینجا

رو در روی سنگ در برابر لاین پیکری که عنان گسسته است

مشهورترین شاعر قرن بیستم اسپانیا، فدريكو گارسيا لورکا به تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۹۸ صد ساله می شود. هم سال تولد و هم سال مرگ لورکا، از سال های مهم تاریخ اسپانیاست. از دست دادن آخرین مستعمرات اسپانیا در سال ۱۸۹۸، باعث شد تا نظم اجتماعی موجود مورد سوال قرار گرفته و به قطب بندی در جامعه بی انجامد، که در سال ۱۹۳۶ به جنگ داخلی منجر گردید.

«این کشتزاران از کشتگان پوشیده می گردند»، لورکای ۳۸ ساله دریافته بود که اسپانیا در آستانه یک تراژدی قرار گرفته است. او در اوج معروفیت خود، نمی دانست که خود یکی از اولین قربانیان این تراژدی خواهد بود. لورکا بدون آن که عضو حزب سیاسی باشد، شاعری سیاسی و عمیقاً مردمی بود. در پیامی که به مناسبت اول ماه مه (۱۹۳۶) برای کارگران فرستاد، نوشت:

«این صمیم قلب به همه کارگران اسپانیا، که در این روز مهم ترین خواسته شان یعنی جامعه ای عادلانه، آن ها را به هم پیوند می دهد، درود می فرستم.

پس از استقرار جمهوری در اسپانیا (۱۹۳۱)، او به عنوان کارگردان گروه تئاتر نوین «لا باراکا» که در چهارچوب اصلاحات فرهنگی به نفع توده های مردم، ایجاد شده بود از هنر تئاتر برای پیشبرد اهداف این اصلاحات استفاده نمود. او خود می گوید: تئاتر شعری است که از کتاب برمی خیزد و انسانی می شود. لورکا استعداد خارق العاده ای داشت و در کنار شعر و تئاتر، به هنرهای دیگر هم مسلط بود. او پیانیست ماهری بود، آواز می خواند، گیتار می نواخت و نقاشی هم می کرد.

در سال های حکومت فرانکو، فاشیست ها بیهوده سعی بسیار نمودند تا یاد و خاطره شاعری که در زمان حیاتش معروفیت جهانی یافته بود را از بین ببرند. قتل او توسط فاشیست ها در اندلس به هنگام آغاز جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶)، دنیای ادبی داخل و خارج از اسپانیا را دچار شوک نمود و او به سمبل آزاداندیشی تبدیل گردید که توسط فاشیسم به خون کشیده شد.

بخش هایی از آخرین مصاحبه لورکا که در سال ۱۹۳۶ صورت گرفته و در زمان حیات او منتشر گردید.

ادامه از صفحه ۵
سنگین در رم را محصل توطئه مشترک بازیکنان علیه خود خواند.
پس از شکست در رم و اخراج ایویچ، ناصر نو آموز مدیر تیم های فوتبال ایران در گفتگویی با خبرنگاران گفت: اخراج ایویچ از سوی من صورت گرفت. ایویچ همه تصمیمات را بدون مشورت با من و کمک مربیان اتخاذ می کرد و مسئولیت این شکست سنگین به عهده اوست. ما فقط یک ماه تا آغاز

جام جهانی فرصت داریم و ایویچ کارهایی می کرد که در کوتاه مدت هیچ تأثیر مثبتی برای این تیم نداشت. پس از اخراج ایویچ، صفایی فراهانی رئیس فدراسیون فوتبال به ایتالیا رفت و پس از یک نشست در پشت درهای بسته در ایتالیا گفت: من با طالبی و ذوالفقارنسب و نو آموز نشست تیرتیب دادم تا بسیم برنامه کار آنها چیست. در بازی دوم ایران با این ترکیب روبروی تیم سرشناس انترناسیونال میلان صف آرای می

خوشان خود، از تماشای تلویزیون، غذای بد یا بازی در حیاط بند و یا گفت و گوهای پنهانی با دیگر زندانیان حرف می زنند، آن هم با جزئیات تا توانسته باشند، شنونده را قانع کرده باشند، جز این رخدادها، هیچ چیز دیگری در این زندان روی نداده است. آنانی نیز که زبان به بازگویی روایت گشوده اند بی گمان نتوانسته اند روی داد اصلی را روایت کنند. بازنمایی ابعاد کامل این فاجعه پایانی سده بیستم، در گرو بازگویی همه قربانیان و آمادگی روانی برای روایت گر است تا دریابد در روایت و بازنمایی آن فاجعه، اینک و آینده چنین سرنوشتی دوباره در برابر او قرار ندارد.

اما این بازنمایی چگونه ممکن می شود، حال آن که بخش بزرگی از قربانیان و شاهدان عینی، در گورستان های ایران خفته اند؟ مکان های وقوع روی داد چه می شود؟ اگر «اشویتس» و «داخائو» به موزه تبدیل شده و محل بازدید بینندگان بیرون از روی داد، بی هیچ ترس و دلگرمی شده است، اما هنوز زندان اوین، گوهردشت، قزل حصار، عادل آباد شیراز و... کارکرد خود را از دست نداده اند. همین ادامه کار محل رخداد جنایت است که ما را محروم از تجسم همه سویه ان می کند و راهی را ناتوان از بازنمایی کامل آن. همین ادامه کارکرد چنین دستگاه دولتی و شناخته شده است که ما را محروم از آن می کند تا بتوانیم بوی خون تیرباران شده ها، ناله کودکی را که در آن سلول ها پا به جهان گذاشتند، در حالی که مادرانشان ساعتی پس از زایمان به اتفاق بازجویی و شکنجه رفته اند، و درد و اندوه ناشی از اندام زخمین و چرکین مبارزین را حس کنیم. برای بازنمایی کامل چنین روی دادی، نیاز به زمان داریم. همه آن چه گفته شده و می شود، تنها گوشه های ناسچیز از آن روی داد است. بخشی کوچک از تصویر بزرگ، واقعی بزرگ و دست خواهد آمد. هنوز بسیار کتاب های ناتمام و بسیار خاطره های ناگفته باقی مانده است تا به کامل کردن آن تصویر بزرگ یاری رساند.

گرینا پذیر است بازسازی ایسن اسطوره امروزی. گرینا پذیر است روایت آن و هیچ داستانی نمی تواند صورت بازنمایی حتی نسبی این روی داد باشد، مگر کتاب های خاطرات بازماندگان. کتاب هایی که به دور از آرایش ادبی و هیجانی های متن، به زبانی ساده و همگانی به روایت آن پردازند. کتاب بزرگ بازنمایی روی دادها، تنها نوعی خودیابی و تلاش برای پاسخ دادن به گذشته نیست، بلکه بازیافت موقعیت کنونی نیز هست. موقعیتی که درگیر با گذشته و افراد است، موقعیتی که زاینده آسوده است و بی وجود این متن ها، بی وجود این بازسازی، حکایت حال بی معنا و تهی ست و هر آن چه بیشتر شوق دویاره خوانی و ژرف شدن در آن را حس می کنیم، تا خود و موقعیت کنونی امان را در بیابیم. ویژگی بنیادین کتاب خاطرات در این نکته مهم نهفته است. برتری که در هیچ داستانی آن را نخواهیم یافت.

در این گونه کتاب هاست که می توان گفت: «هر آن چه نوشته شده، روی داده و هر آن چه روی داده دیگر تکرار نخواهد شد. پس هر آن چه نوشته شده، دیگر نوشته نخواهد شد!»

طی چند سال اخیر کتاب های خاطرات زندان، از سوی زندانیان سیاسی که سالیانی را در زندان های جمهوری اسلامی گذرانده اند، در برون مرز انتشار یافته است. زنان به ویژه در این حوزه فعالیت چشمگیری داشته اند که تحسین برانگیز بوده است. «یک حقیقت ساده» نمونه بی بدیل ادبیات زندان است. متأسفانه تاکنون آن چنان که باید، ادبیات زندان در زبان فارسی مورد توجه قرار نگرفته است. این نوشتار، نگاهی گذرا به شیوه خاطره نویسی، به ویژه خاطره های زندان و سرکوب های جمهوری اسلامی می باشد. نگاهی از دیدگاه ادبی به متن این خاطرات.

زنده کردن بخشی از خاطرات به صورت تلاش برای نوشته در آورده شدن، که نوعی بازسازی در متن کتاب خاطرات است، حتی بازخوانی دوباره شان در ذهن (باز خوانی به مفهوم احضار روح این خاطرات)، با درد و رنجی همراه است که زمان رخداد آن، پیامد گریزناپذیرش بوده است. این بار اما، این درد و رنج پوشیده در غبار زمان و دگرگونی های روحی و جسمی انسان های درگیر در آن است. روی داده هایی که در هر دوباره زنده کردنشان، با از دست دادن آن موقعیت همراه است و ما را بیش تر از آن دور می کشد، تا آن جا که جز شمای از آن باقی نمی ماند و چنان دستخوش دگرگونی های زمان می شوند که کالبد و درونی دیگر گونه می یابند. خاطره ها در پس ذهن باقی می ماندند و همواره بسان خاری خلیده در روح یادآور می شوند که باید برای حل آن چاره ای اندیشید. آیا چاره ای جز فراموشی برای فرد باقی می ماند تا با روی داده های سیاه گذشته برخوردی در خور کند؟

اما آن خاطره از روی داده ها، زمانی به اسطوره های امروزی فرا می رویند که سرنوشت مشترک قومی و جمعی در آن نقش بسزا داشته باشد. وگرنه، خاطره های فردی، علی رغم بزرگی و دردناکی شان، مشمول قانون بزرگ فراموشی شده، حتی پیش از مرگ حامل آن خاطرات، فراموشی، آثار آن را نیز محو خواهد کرد. چنین است که تاریخ، خاطره های جمعی و قومی را از دستبرد گذشت زمان و فراموشی دور نگه می دارد و آن را به اسطوره ای از زمان کنونی فرا می برد.

رویدادهای کشتار روشنفکران مخالف ایرانی، هم چون روی داد هولوئاک «اشویتس» که با سرنوشت قومی ملتی دیگر در ارتباط تنگاتنگ بوده است، بسا همه تلاش حکومت ها و تاریخ نویسان رسمی، نمی تواند از میان رفته و به فراموشی سپرده شود. اما برای درگیر شدن با چنین روی دادی هولوئاک، نیاز به گذشت زمان داریم تا بازماندگان پس از آرامش اولیه رهایی، بتوانند خود را بیابند و از شوک طولانی اش خود را برهاند. هنوز هم یافت می شوند بازماندگان چنین روی دادی که آسآدگی زبان گشودن برای بازگویی خاطرات را ندارند و همه تلاششان را به کار می گیرند تا این روی داد را فراموش کنند. هنوز هم هستند کسانی که همه گونه حرفی می زنند تا حرف اصلی را نرزد و باشند و درد خود را پنهان کرده باشند. بسیار شنیدم از زبان قربانیان چنین فاجعه ای که وقتی می خواهند از زندان اوین حرف بزنند، از دیدار خانواده هایشان، دیدار پچه های کوچک خود یا

ضرورت تشکل یابی زنان برای مقابله با قوانین شرعی

شهلا فرید

در بسیاری از کشورهای سال‌هاست زمان آن رسیده است که با تصویب قوانینی برابری دو جنس را از نظر سیاسی، قضایی و حقوقی تأمین کنند. تلاش متوجه این نکته است برای برابری واقعی در حوزه عمومی، با آن موافقی که از طریق حوزه خصوصی عمل می‌کند مقابله کنند. همان موافقی که در راهپایا طرفدار تر یعنی قوانین ناتواسته در روابط انسان‌ها و از طریق فرهنگ، سد راه اجرای آن چیز که قانونی است، می‌شود.

در کشور ما روند عکس، یعنی استفاده از تمایلات عقب‌مانده‌ترین کشر فرهنگی، برای به قانون در آوردن نابرابری وجود دارد. فقط سرعت آن گاهی زیاد و یا کم می‌شود. خسرونت عربان دولتی در حیطه قانونی و روانی به یک روال تبدیل شده است.

و اکنون یکبار دیگر این خسرونت خود را به شکل دو طرح در مجلس به نمایش گذاشته است. یکی اصلاح قانون مطبوعات و ممنوع شدن دفاع از حقوق زنان و دومی طرح جداسازی خدمات پزشکی برای زنان و مردان. این دو طرح از دو زاویه هدف یکسانی را دنبال می‌کند. هر دو طرح نابودی حرکتی را هدف گرفته است که در یکسال گذشته از سوی مردم در جهت نفی (ضد) ارزشهای ترویج شده از طرف حکومت برآمد داشته است.

طرح جداسازی خدمات پزشکی با افراطی‌ترین شکل بیان جداسازی جنسی تلاش عملی مردم را برای عبور از برخی خط قرمزها عقیم می‌گذارد. طبیعی است که وقتی برایت قانون می‌گذارند که حق داری فقط نزد پزشک هم‌جنس درمان شوی، خودبخود از نظر روانی در کلاس درس دانشگاه، محل کار و ... نیز «مرزها» را بهتر رعایت می‌کنی.

طرح لایحه مطبوعات این هدف را از زاویه مقابله با بیان مطبوعاتی سرکوب حقوق زنان دنبال می‌کند. برخی نشریات کشور در یکسال گذشته تا حدی بازتاب‌دهنده قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی در عرصه حقوق زنان شدند. یعنی ذکر نمونه‌های زنده، خواننده را با جنایاتی که در پس اجرای قوانینی مانند حق حضانت یکجانبه پدر بر فرزند، محروم بودن زن از حق طلاق و ... می‌شود، آشنا کردند. اکنون خواست اصلاح برخی قوانین در این عرصه در درون حکومت نیز طرفدارانی دارد. به تعبیر مدافین طرح بند الحاقی به قانون مطبوعات، این قوانین مستقیماً از شرع نشأت می‌گیرد و امکان تغییر ندارد. چنانچه نفیسه فیاض‌بخش نماینده مجلس شورای اسلامی از تهران و مدافع طرح می‌گوید: برخی‌ها تا آنجا پیش رفته‌اند که باز پرسش سوال برود قوانینی مانند ارت به شرع مقدس توهین می‌کنند.

در حقیقت یکی از اهداف این طرح مقابله با خواست تغییر در قوانین است. اگر دامنه این تغییر تا حد برابری زن و مرد بیان شود، دیگر گناهی نابخشودنی است که عواقبی نیز برای بیان‌کنندگان آن دارد. خواست برابری زن و مرد عملاً غیر از مقابله با قوانین شرعی و نشانیدن قوانین عرفی بجای آن نیست. به گمان من اگر در مقابل کسانی مانند مدافین این طرح دو امکان بگذاریم که اجبار به انتخاب یکی داشته باشند یکی رد ولایت فقیه و دومی پذیرش برابری زن و مرد، آنها اولی را انتخاب خواهند کرد. چرا که اساس حکومت‌شان به نابرابری دو جنس گذاشته شده است. این نکته قابل ذکر است. هنگامی که صحبت از حد پذیرش حقوق

زنان می‌شود، مرزهای بین جناح‌های حکومتی بر سر این مسئله منطبق بر مرزهایشان بر سر دیگر مسائل سیاسی نیست. محدودیت‌های ایدئولوژیک دینی این مرزها را بنفع جناح انحصار طلب تغییر می‌دهد. مثلاً در مجلس شورای اسلامی در مورد طرح الحاقی به قانون مطبوعات فقط دو تن از نمایندگان زن به رد طرح رای دادند. در حالی که بر مسائل سیاسی دیگر این تناسب وجود ندارد.

رد قوانین شرعی به یک خواست فراگیر زنان تبدیل شده است. تنها امکان بیان آن در لحظه فعلی برخی مطبوعات هستند. به دلیل عدم وجود تشکل‌های زنان این خواست نمی‌تواند امکان بسیج یابد.

تشکل‌هایی که به نام تشکل‌های غیر دولتی اکنون وجود دارند، در چارچوب برخی تقسیم‌کارهای درون و بیرون محدودیت‌های محدود و در چارچوب دینی محصورند و بی‌وجه این خواست را نمایندگی نمی‌کنند. تلاش در جهت فعالیت در این تشکل‌ها و اینکه آنها بتوانند تفکر برابری را نمایندگی کنند غالباً به بن‌بست‌های ایدئولوژیک برمی‌خورد. از این رو تشکل‌یابی زنان حول خواست‌های مشخص و پیگیری آن می‌تواند یکی از قدم‌های مثبت باشد. تشکل‌یابی حول خواست مشخص در عین حال این حسن را برای سازمان‌دهندگان دارد که از برخی بازخواست‌های ایدئولوژیک نیز خود را برهانند. انجمن حمایت از حقوق کودک که با خسرونت بر علیه کودکان مبارزه می‌کند یکی از نمونه‌های مشخص تشکل‌یابی موضوعی است. امکان فعالیت دادن به این گونه تشکل‌ها یکی از موارد پای‌بندی به جامعه مدنی است که صحبت آن در طول یکسال‌گذشته پروتق بوده است. □

اندونزی: انقلاب یا رفم؟

سهراب مبشری

سوارتو دیکتاتور اندونزی پس از سه دهه، تحت فشار تظاهرات مردم ناگزیر از استعفا شد. هر چند رئیس‌جمهور و کابینه جدید، از عناصر وفادار به دیکتاتور ساقط شده‌اند و می‌کوشند رژیم سوارتو منهای سوارتو را نگه دارند، همین که حاکم خودکامه‌ای، پس از سه دهه بر اثر مبارزه مردم از قدرت به زیر کشیده شده است، پیروزی بزرگی برای مردم اندونزی است. برای ما نیز که با یک حکومت خودکامه سرو کار داریم، رخدادهای اندونزی آموزنده است. آنچه در اندونزی می‌گذرد، انقلاب است یا رفم؟ مبارزه مردم، مسالمت‌آمیز است یا قهرآمیز؟ کدام عامل، سوارتو را ساقط کرد؟ در میان شماری از نیروهای سیاسی ایران، رفرمیسم، مبارزه مسالمت‌آمیز، احتراز از شیوه‌های «غیرمتدانه» مبارزه و مذموم شمردن «اقدامات شورشی»، به احکام مقدسی تبدیل شده است. اصولاً به نظر می‌رسد ما ایرانیان، به افراط و تفریط تمایل داریم. زمانی بود که نیروهای چپ در بحث میان خود به کمتر چپ‌ها انقلابی بودند و اصلاً چپ رفرمیست در ایران وجود نداشت. رفرمیست، ناسازی بود در حد خانن. نیروهای سیاسی لیبرال، در سمت چپ خود تا فرسنگ‌ها همسایه‌ای نداشتند و برای هر کس که خود را چپ می‌دانست، ننگی بزرگتر از این وجود نداشت که انقلابی‌اش ندانند. هر کس که می‌خواست از موضع راست‌تر، به سایر چپ‌ها انتقاد کند، حمله خود را در پوشش نقد «چپ‌نمایی» انجام می‌داد. چپ بودن به هر میزان که بود، گناه نبود.

اکنون به نظر می‌رسد که از عصر افراط به دوره تفریط رسیده‌ایم. مقالات متعددی در مذمت «انقلاب‌گری» می‌خوانیم (صحبت از انقلاب‌گری است نه انقلابی بودن، با همین انتخاب کلمه دارای بار منفی، حکم را از پیش صادر می‌کنند). «مبارزات توده‌ای» شده است «شورش‌های کور». به جای «شیوه‌های نفی» به دنبال «شیوه‌های اثباتی» هستیم تا مبادا در فرهنگ سیاسی ما لفاظی مانند «سرنگونی» و «برکناری» راه نیابد، تا دامن رفرمیسم متدانه ما به «ماجراجویی» آلوده نشود. دوستان رفرمیست وطنی باید از خود

مبشری: آیا موضوع جمهورییت از ابتدا برای مردم روشن بود، در این باره جناح‌هایی که حکومت اسلامی صرف را مطرح می‌کنند چه موضعی داشتند؟

دکتر آقاجری: بحث جمهورییت در فرهنگ سیاسی ما مطرح نبوده و از طرف دیگر نخبگان سیاسی نیز تجربه جمهوری را نداشتند، علیرغم اینکه قانون اساسی را بر مبنای جمهورییت و اسلامیت نوشته بودیم، لذا از سال‌های ۵۹ و ۶۰ به این طرف، جامعه ما یک دوره کشمکش را بر سرشافت کردن مفهوم جمهورییت و تعیین حدود و ثغور آن و نسبت این جمهورییت با اسلامیت طی کرد در این کشمکش سنت‌گراها جمهورییت را به عنوان یک تاکتیک موقت و به عنوان اکل میته واضطرار در سال‌های ۵۷ و ۵۸ پذیرفتند و معتقد بودند به میزانی که جامعه پیش می‌رود و اسلامی‌تر می‌شود به همان نسبت باید جمهورییت را از این در واقع از ازاله نجاست کرد. در مقابل آنها، تفکر نوگرایی دینی‌ای که با سرمشق فکری دیگری وارد انقلاب شده بود و بعد از انقلاب در جامعه ما حضور داشت مطرح بود و طبعاً با این نحو تفسیر از اسلامیت و جمهورییت مخالف بود. در جدال بین این دو واقع دوام خرداد نشان داد که جامعه ایران از حیث نسبت با قدرت، به دنبال جمهورییت و مشارکت است و به هیچ وجه خواهان بازگشت سلطنت، حتی با محمل‌های دینی نمی‌باشد و خواهان مشارکت و از ازاله بدست‌گیری سرنوشتشان هستند. و لذا آقای خاتمی به‌عنوان سخنگوی جریان نوگرایی دینی به صحنه آمد و مردم بین دو گفتمان دینی که در عین حال هر یک نگاه خاصی را به قدرت و جایگاه مردم در نسبت با دولت و قدرت داشتند، با رای به آقای خاتمی به نوگرایی دینی رای دادند. از این نظر پدیده دوم خرداد به نظر من از حیث نسبتی که با قدرت و دولت دارد تعمیق و تکامل جمهورییتی است که انقلاب اسلامی مطرح کرده بود، به اعتقاد من، اگر بپذیریم که انقلاب در طول ۲۰ سال بعد از پیروزی مقداری به دلیل تعارض منافع و دیدگاه‌ها و رسوب یافتن دیدگاه‌های سنتی و بنیادگرایانه در بخش‌های مذهبی به نوسان و زیج‌زگی افتاده بود، اما دوم خرداد مجدداً به طور قاطعی این مسیر را تصحیح کرد و جریان را به مسیر اصلی‌اش برگرداند. به نظر من پدیده دوم خرداد به هیچوجه حکایت از تغییر گفتمان در جامعه ما از یک گفتمان دینی به یک گفتمان غیر دینی ندارد، زیرا آقای خاتمی شعارها و شخصیتی به مردم معرفی کرد که هیچکدام کوچکترین علامتی از تفکر سکولار و لاییک در خودش نداشت، تنها چیزی که داشت، بیان نوبی از دین و نسبت دین با مدرنیته بود. □

دوم خرداد و نسبت آن با قدرت

آنهاست بدون اینکه به انتظاع با سنت‌ها دچار شویم، تا از طریق گفتگوی انتقادی با این سنت بتوانیم به نظم جدیدی برسیم، البته به اعتقاد من هیچکس از متفکرین از جمله سید جمال، دکتر شریعتی و آقای خاتمی (به عنوان چهره شاخص در پدیده دوم خرداد)، به دنبال مدرنیته آنچنان که در غرب تحقق یافته نیستند، بلکه به دنبال استفاده از تجربیات مدرنیته و ایجاد مدلی فرامردن هستند تا با دریافتی مناسب از ضعف‌های مدرنیته و بحران‌هایی که غرب از نظر انسانی و ارزشی با آنها مواجه است از مشکلات مدرنیسمون پرهیز کنند. البته این پرهیز با این آگاهی همراه است که زیست در این دنیای سنتی دیگر ممکن نیست، لذا می‌باید هم از سنت و هم از مدرنیته فراتر رفت.

مبشری: اذله شما درباره اینکه مردم ایران در دوم خرداد همچنان به دعوت‌هایی در ارتباط با این پارادایم و سرمشق پاسخ می‌گویند چیست؟

دکتر آقاجری: ببینید ما از دوره مشروطیت به بعد پاسخ‌های گوناگونی داشته‌ایم. پاسخ‌هایی از نوع لائیسیم مطلق مثل فتحلی آخوندزاده، نوع غرب‌گرایی معتدل مثل میرزا ملکم خان، نوع مدرنیسم اقتدارگرا مانند رضاشاه، نوع مارکسیستی و سوسیال‌دموکراسی و... در این پاسخ‌ها حتی مردم به دعوت‌های دینی سنت گرایانه و باصطلاح امروز بنیادگرایانه (نه به معنی اصول‌گرایانه)، به معنی بازگشت قسری و در واقع فاقد عقل‌گرایی و نقادی به مبادی اولیه و سنت پاسخ منفی دادند و به اینگونه دعوت‌ها که به نام اسلام صورت می‌گرفت نیز نه گفتند، لذا هم مشروطیت، هم انقلاب اسلامی و هم دوم خرداد، نشان می‌داد که مردم ما به این پارادایم مشخص و به این دعوت معین پاسخ گفته‌اند، به عبارت دیگر مردم ما در دوم خرداد با انتخابی که کردند نشان دادند از سویی سمیل‌ها و سخنگویان اسلام سنتی را نمی‌خواهند و از سویی دیگر رویکردهای لائیسیمی، سکولاریستی و در واقع بین‌الدینی‌ها، نیز نپذیرفتند، دوم خرداد پدیده‌ای بود که از حیث ایدئولوژیک نشان داد مردم ما همچنان نوگرایی، ترقی و تحول را در چارچوب تفکر دینی می‌خواهند.

مبشری: شما در ابتدای بحث گفتید که حادثه ۲ خرداد از ۲ دیدگاه قابل بررسی است، در دیدگاه اول فرایند تحولات فکری و نظری که در تاریخ ۱۵۰ سال اخیر ایران مطرح بوده را مورد بررسی قرار دادید، اما فرایند تحولات سیاسی مرتبط با قدرت باقی ماند؟

دکتر آقاجری: بله اما از نگاه پدیده قدرت، به نظر من دوم خرداد یک مرحله تکامل‌یافته‌تری در فرایند تحولات جامعه سیاسی ایران در دو سده اخیر بود.

در آستانه دوم خرداد نشریه همشهری با دکتر هاشم آقاجری استاد دانشگاه و یکی از کادرهای سیاسی نزدیک به آقای خاتمی مصاحبه‌ای انجام داد. در زیر بخاطر آشنائی بیشتر با نظریات طیف نزدیک به خاتمی بخش‌هایی از این مصاحبه را درج می‌کنیم

مبشری: جامعه ایران با انتخابات ۲ خرداد از نظر تحولات فکری و دیدگاه سیاسی مرتبط با قدرت چه تغییراتی را به نمایش می‌گذارد؟

دکتر آقاجری: من فکر می‌کنم حادثه ۲ خرداد از دیدگاه قابل بررسی است. ۱- فرایند تحولات فکری و نظری‌ای که در تاریخ ۱۵۰ سال اخیر ایران مطرح بوده است. ۲- فرایند تحولات سیاسی مرتبط با قدرت. توضیح محوره‌های فوق، نیازمند پرداختن به مسایل اساسی است که در دو سده اخیر، جامعه ایران با آن مواجه شده است. اگر اصلی‌ترین شکاف و تضادی که جامعه ما گرفتار آن بوده و بقیه بحران‌ها و شکاف‌ها حول آن تعین پیدا می‌کرده بشناسیم، در این صورت تحولاتی را که از آغاز و بطور مشخص از دوره مشروطیت به اینطرف تا دوم خرداد روی داده، بهتر می‌توانیم شناسایی کنیم. جامعه ایران در قرن ۱۹ میلادی در آستانه مشروطیت، یک جامعه سنتی - اسلامی است که از نظر اقتصادی، نسبتاً بسته و خودکفا بود، این شرایط در معرض فشارهای خارجی قرار گرفت و کمابیش شکسته شد. در ایران در زمینه‌های گوناگون فلسفی، فقهی، کلامی و... افکار وجود داشت که در نهایت در چارچوب اندیشه‌های اسلامی - ایرانی کلاسیک معنا پیدا می‌کرد. به عبارت دیگر جامعه ما یک جامعه اسلامی - ایرانی بود که در قرن نوزدهم با وضعیت جدید و مدنیت تازه که در کنار خود یک تکنولوژی و اقتصاد جدید پدید آورد، مواجه شد. بر این اساس تاریخ ۱۵۰ ساله اخیر ایران، تاریخ تماس و چالش با پدیده جدید که نامش مدنیت غربی، مدرنیته است می‌باشد. ...انقلاب اسلامی و دوم خرداد نیز در واقع پاسخی در بستر چنین فرایندی بود. بنابراین تحلیل دوم خرداد از حیث ایدئولوژیک هیچگونه گسستی را با انقلاب اسلامی و تکیا‌پوهای اندیشه‌های مبنیست بازرگان، دکتر شریعتی، مرحوم طالقانی تا مستفکران دینی و نوگرایی مشروطه مثل سیدجمال و آیت‌الله نایینی ندارد. هر چند زبان، ادبیات و نکته تکیادش متفاوت است و طبعاً متناسب با شرایط جدیدی که پیدا شده برخوردشان با مسایل تفاوت کرده است. ولی پارادایم، الگو و سرمشق کلی حاکم بر تمامی این تکیا‌پوهای نظری مبتنی بر حفظ هویت دینی، ملی و اصالت‌های فرهنگی و ایجاد گفتمان میان

نمی‌توان منکر آن شد که در مبارزه برای آزادی، همواره شیوه‌های انقلابی و اشکال رادیکال مبارزه ضرورت نمی‌یابد. اما صدور این حکم از پیش که تنها با شیوه‌های معینی است که می‌توان به دمکراسی گذار کرد، بی‌شک با واقعیات جهان ما منطبق نیست. آن کس که راستی دمکراسی و آزادی را می‌خواهد، نمی‌تواند خود را از پیش از طرق معینی از مبارزه محروم سازد. آرزوی همه خیرخواهان این است که رویارویی مردم ایران با جمهوری اسلامی، به خسرونت و قهر کشانده نشود. چه بهتر که حکام خودکامه جمهوری اسلامی از سرنوشت همه دیکتاتورها درس بگیرند و تسلیم اراده مردم شوند. اما کیست که بتواند تضمین کند چنین خواهد شد؟

از دیدگاه خیرخواهانه «مسالمت» نیز که به قضیه بنگریم، امکان گذار مسالمت‌آمیز به دمکراسی به نسبت میزان بسیج مردم برای آزادی و علیه دیکتاتوری افزایش می‌یابد. اصلاح‌طلب واقعی، نباید از به صحنه آمدن مردم، از بسیج مردم برای تحقق خواست‌هایشان بهراسد. می‌توان اصلاح‌طلب بود و برای سوق دادن مبارزات سیاسی در جهت مسالمت‌آمیز کوشید، اما نمی‌توان ادعای اصلاح‌طلبی داشت و در رویارویی مردمی که همین اصلاحات را می‌خواهند با دشمن این خواست‌ها، جانب مردم را نگرفت. □

آقای خاتمی:

رخت چرک دیگران را نشوئید!

محمود صالحی

طی هفته گذشته رابطه بین جمهوری اسلامی و آرژانتین بحرانی شد. دادستان آرژانتینی «خوان خوزه گالده‌انو» حکم بازداشت ۸ نفر ایرانی در رابطه با بمب‌گذاری سال ۱۹۹۴ در مرکز خیریه پی‌دی‌پان «AMIA» که منجر به کشته شدن ۸۶ نفر و زخمی گردیدن ۳۰۰ تن گردید را صادر نمود. چند روز بعد ۴ نفر از بازداشت‌شدگان در این رابطه آزاد شدند.

بنا بر گزارش روزنامه «Perfil» چاپ بوتوس آیرس، محسن ربانی کاردار فرهنگی جمهوری اسلامی که در سال ۱۹۹۷ از آن کشور اخراج گردید از عوامل این بمب‌گذاری‌ها بوده است. در میان بازداشت‌شدگان همچنین یک کارمند سفارت جمهوری اسلامی نیز وجود دارد که البته به‌عنوان «تاجر» در آرژانتین زندگی می‌کند. به گفته برخی از مقامات امنیتی شرکت صادرات گوشت «South Beef» در امور لجستیکی این بمب‌گذاری‌ها فعالیت می‌کرده است.

با ارائه اسناد و مدارک مربوط به بمب‌گذاری از سوی دادستان «گالده‌انو» و اعلام جرم علیه ماموران جمهوری اسلامی، دولت آرژانتینی واکنش نشان داد و کلیه دیپلمات‌های جمهوری اسلامی را اخراج نمود. انتظار آن می‌رفت، آرژانتین روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی قطع نماید. دولت ایران نیز روز جمعه گذشته متقابلاً روابط اقتصادی خود را با آرژانتین قطع کرد. روزنامه جمهوری اسلامی در عکس‌العمل نسبت به این حوادث نوشت: «آنچه که از بررسی روند حوادث مربوط به این پرونده روشن شده، این نکته مهم است که آرژانتین واقعاً به دنبال یافتن حقیقت نیست، بلکه بر اثر فشار خارجی به ویژه از سوی اسرائیل و آمریکا تلاش می‌کند یک کشور خاص را به هر نحو ممکن عامل این انفجارها معرفی نماید.»

لازم به یادآوری است که جمهوری اسلامی

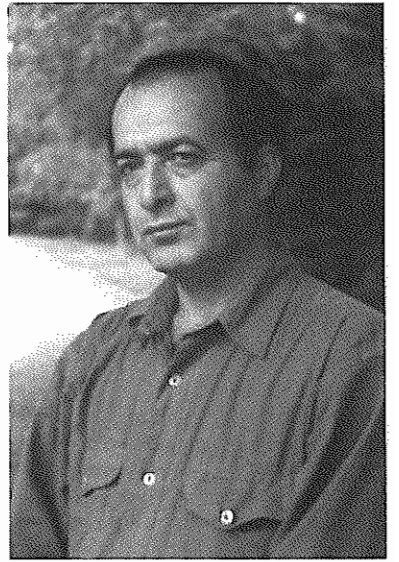
سالانه ۱/۲ میلیارد دلار غلات، روغن، خوراک طیور، گوشت و غیره از آرژانتین خریداری می‌نماید و در لیست مبادلات تجاری آرژانتین در مقام هشتم قرار دارد.

اگرچه تیره‌گی روابط بین ایران و آرژانتین ابعاد بین‌المللی همچون میکونوس نخواهد گرفت، اما عکس‌العمل دولت آقای خاتمی در قبال این مسئله می‌تواند ملاک صداقت وی در مورد ادعایش باشد.

سال ۱۹۹۲، زمانی که اولین بمب در آرژانتین منفجر گردید، آقای خاتمی از مقام وزارت فرهنگ استعفا داده شد! و در سال ۱۹۹۴ وقتی که دومین بمب در بوتوس آیرس منفجر گردید وی مسئولیت «غیر سیاسی» کتابخانه ملی را به‌عهده داشت.

اگر ادعای دادستان آرژانتین در مورد دست داشتن مقامات دولت و سازمان امنیت جمهوری اسلامی واقعیت داشته باشد منظور آن بخش از رژیم است که در آن زمان بر مسند قدرت بوده و دست رد بر سینه آنان زدند.

اگر آقای خاتمی در اجرای قول‌های انتخاباتی و اظهارات خود در مصاحبه با «سی. ان. ان» جدی است و خواهان برقراری گفتگوی تمدن‌ها بجای مبارزه تمدن‌ها است باید حساب خود را از آنان که تاکنون متد و روش تروریسم دولتی را دنبال می‌کردند جدا نماید. آقای خاتمی باید بجای شستن رخت چرک‌های اعضای شورای عالی امنیت که در جریان طراحی و اجرای این ترورها و شخص فلاحیان رئیس سابق سازمان اطلاعات به‌عنوان عامل و مجری آن و تیره نمودن روابط ایران با آرژانتین، یک بار برای همیشه نشان دهد که سیاست خارجی ایران در مقایسه با چهار سال پیش تغییرات اساسی یافته و بر اساس تنش‌زدایی و صلح‌دوستی استوار است و تروریسم را محکوم می‌نماید. □



بخش آخر

مصاحبه با عسگر آهینن دبیر کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

حقوق بشر و آزادی تفکیک‌ناپذیرند

بگیرند که ما پیش از و بیش از همه وظیفه‌مان دفاع از آزادی نویسندگان در ایران است. و بعد در حد ممکن افشا کردن سیاست‌های ضد فرهنگی و ضد آزادی رژیم حاکم بر ایران در افکار عمومی جهان و بعد در کنار این کارهای فرهنگی هم یکی از وظایف عمده ماست که باید انجام بدهیم که با سینار تئاتر در تبعید شروع شده و ادامه خواهد داشت.

تحوالات سیاسی اخیر در ایران چه تاثیری در وضعیت نویسندگان و هنرمندان در ایران داشته است؟

من نمی‌دانم کجا و چندی پیش جمله‌ای از بیضایی خواندم که او هم تا حدی اظهار امیدواری کرده و هر کس دیگری اگر اظهار امیدواری می‌کرد شاید من زیاد جدی نمی‌گرفتم ولی چون بیضایی هم اظهار امیدواری کرده فکر می‌کنم کارهایی دارد می‌شود ولی فراموش نکنیم ما روانشناسی آدم‌هایی را که زیر فشار شدیدی که به مرگ گرفته بودند تا آنها به تب راضی شوند. اولاً، حداقل دیگر تهدید مرگ مستقیم از طرف دولت بسویله بازوی اطلاعاتی‌اش لااقل کمتر بشود خودش یک قدمی است. دوماً به نظر من تا وقتی که ما به اصلاحات دست نیافته‌ایم اصلاً تو چکار داری که ما می‌گویند ما اصلاً فرهنگی باقی بمانیم و یا داریم سیاسی می‌شویم. ما می‌گوییم بسیار خوب اگر حتماً اصرار دارید که صرفاً کار فرهنگی بکنیم شما از جمهوری اسلامی آزادی ما را آن جوری که ما می‌خواهیم بگیرید، چشم آن موقع می‌نشینم و کار فرهنگی می‌کنیم. ما ولی واقعیت این است که گاه چنان تحت الشعاع این فشارها قرار گرفتیم که اصلاً از این سوی کار داریم غافل می‌شویم. و حالا توقع شما این است که این‌ها را به موازات هم پیش ببریم یعنی برسیم به یک تعادلی ضمن اینکه آن طرف کوچکترین چیزی را فراموش نکنیم و حساسیت در مقابل کوچکترین نقض آزادی نشان بدهیم، از این طرف کم‌کم برسیم به یک سمتی که بالاخره در این زمینه کار فرهنگی باید بشود. از در خارج ادبیات در تبعید وجود آمده است. سسینار تئاتر داشتیم، سسینار داستان‌نویسی در تبعید را خواهیم داشت. و بعد هم اگر بتوانیم پیش‌تر برویم سسینار آزادی در نژاد را برگزار خواهیم کرد. که عده‌ای از ایران و خارج شرکت خواهند کرد. و اگر بتوانیم این‌ها را پیش ببریم کار بسیار بزرگی است زیرا ما با هزار مشکل روبرو هستیم و مهمترین مشکل ما، مشکل مالی است. وقتی دشمن تحمیل می‌کند کاری را به تو ناچاری آن را انجام بدهی. در یک دوره‌ای دفاع از جان و زندگی آدم‌ها در ایران مطرح بود. آنهایی که فحش به نویسندگانی که از ایران آمده‌اند می‌دهند چرا که یک کلمه اینجا تکتیکی جور دیگر حرف زده‌اند، اینجا فراموش می‌کنند که جای گرم نشسته‌اند و آنها گاهی مثل چریکهای شهری. عده‌ای از نویسندگان در ایران مدتی باید از این خانه، به آن خانه می‌رفتند، شب خانه خودشان نمی‌خوابیدند. مثل دوره چریک‌های فدایی در دوره شاه. اینجا این وضع را درک نمی‌کنند اصلاً یا اینکه نمی‌خواهند درک کنند. وقتی چنین چیزی پیش می‌آید مسلماً وجه فعالیت فرهنگی ما هم کم می‌شود. آنها که به ما این انتقاد را دارند از آن طرف، آنها باید در نظر

داشته باشد. همین قطعنامه آخر هم باز همین است. کانون یک حزب نیست که دارای یک اندیشه سیاسی واحد باشد و یا تکتیک مشخص و واحدی داشته باشد. کانون مشخص عمل می‌کند. آنچه که در تضاد با اسانامه و منشور خود می‌بیند، به آن می‌پردازد. کانون یک کانون نمی‌تواند نظام تعیین کند. کانون یک کانون معطوف به قدرت نیست. یک کانون معطوف به آزادی است. نه نظام چانشین دارد که بگوید این را براندازیم و چیز دیگری بجایش بیاوریم و نه می‌تواند برانداز باشد. در حالی که افراش حق دارند بیرون از کانون حتی جزو سازمانهایی باشند که به حق براندازی را درست می‌دانند. و یا به نا حق براندازی را درست می‌بینند. این امر به کانون ربطی ندارد. و اگر کسی بداند که وظایف و اختیارات و توان یک نهاد دمکراتیک تا چه حد است به نظر من اصلاً این سوال نباید برایش پیش بیاید. کانون کار خودش را می‌کند، احزاب کار خودشان را. احزاب سیاسی به وظایف خودشان باید عمل کنند. ما هم به وظایف خودمان عمل می‌کنیم. تا وقتی که زیر ضرب هستیم و آزادی به آن معنایی که در اسانامه کانون خواستیم پیاده نشده است بی هیچ حصر و استثنا برای همه گروه‌های عقیدتی ما از آزادی دفاع خواهیم کرد. از زدن این و یا آن را به خاطر عقیده و مذهب و گرایش سیاسی محکوم می‌کنیم. ولی حزب نیستیم. این را باید فهمید. حزبیت داریم نسبت به آزادی، سمت‌گیری داریم. جانب‌داری داریم و چون این رژیم در تمام طول حیاتش از فشار بر مطبوعات و همکاران مطبوعاتی ما گرفته، از بستن در کانون گرفته، از کشتن و ربودن نویسندگان گرفته، از سنگسار زنان گرفته از تحت فشار قرار دادن اقلیت‌های دینی گرفته، هر جای آن را ببیند یا منشور جهانی حقوق بشر در تضاد است. و با اسانامه ما هم در تضاد است و ما مجبوریم موضع بگیریم. و بنابر این نگرانی آنها را من نمی‌فهمم اگر ترس از بعضی رقابت‌ها نباشد جای نگرانی نیست.

در تعریف کانون گفته شده است که کانون هم صنفی است و هم سیاسی است. صنفی بودن کانون نویسندگان در تبعید بی معنی نیست؟ و چرا هر جا که سیاسی بودن مطرح می‌شود بلافاصله مرزبندی با احزاب عمده می‌شود؟

این از همان اول پیدایش کانون در ایران بوده و هنوز هم الان در ایران هست تا جایی که ما در جریان هستیم. در خارج هم طبیعی است که این بحث‌ها هست. اینکه کانون هم صنفی است و هم سیاسی بدین معنی است که تا وقتی که آزادی اندیشه و بیان و تشکل در ایران رعایت نمی‌شود چون خواست آزادی یک خواست سیاسی است در نتیجه اینجا کانون سیاسی می‌شود. تعبیر سیاسی بودن از آن

با پا گرفتن فعالیت کانون دشنام، فحش، اتهام و ترور شخصیت را شروع کردند. حالا که ترور فیزیکی نمی‌توانند بکنند زیرا قدرت اجرایی ندارند و امیدوارم که هیچوقت به آنجا هم نرسد. ولی بحث هم این است که این مشکلات را ایجاد می‌کنند. شک می‌آفرینند. سوء تفاهم می‌آفرینند. و تو باید به تک تک مردم توضیح دهی که اینکه می‌گویند نیست. پیشدواری ایجاد می‌کنند. و بخشی از نیروی ما را صرف این جبهه‌های جانبی می‌کنند. این باعث می‌شود که مشکلات در درون کانون افزایش یابد. ما نیرویی نیستیم و ما ادعای چنین آزادیبخش بودن را نداریم. بسویله آنان کارشکنی و دل‌سردی‌ها در کار کانون بوجود می‌آید. یا مثلاً سازمان‌های سیاسی وجود دارند که اگر کانون کاملاً در آن خطی که آنان به آن رسیده‌اند نباشد حمایت نمی‌کنند. یا بقول خودشان لایحه نمی‌کنند. فرض کنیم دیروز حقیقت مطلق‌اشان چیز دیگری بوده است، امروز به حقیقت مطلق دیگری رسیده‌اند. و ما هم باید لایحه حقایق خودمان را با حقایق تکتیکی آنها هم‌گام کنیم و نمیتوانیم همچون کاری کنیم. حقیقت ما مشخصاً در اسانامه ما است. و اسانامه ما هم حقیقت دوربردتری را در نظر دارد. استقلال از نظام‌ها و از احزاب و آزادی عقیده و بیان بدون هیچ حصر و استثنا. و ما نمی‌توانیم این را هماهنگ بکنیم مثلاً با خواست و حقایق تکتیکی فعلی این سازمان یا آن حزب. این است که گاهی از سوی آن گروه مورد حمله قرار می‌گیریم و گاهی از سوی آن گروه دیگر مورد تشویق قرار می‌گیریم. بخشی از آنان هم زیرکانه‌تر عمل می‌کنند و بخشی از ما را تقویت می‌کنند و از بخش دیگر انتقاد می‌کنند. چرا که گویا لنین گفته است ما باید نهادهای دمکراتیک را با رادیکالیزه بکنیم و یا باید رهبری آن را به دست بگیریم. این تکتیک را در مورد کانون هم بکار می‌گیرند. و این مشکل ایجاد می‌کند. اگر از هوشاری سیاسی کافی برخوردار باشیم به عنوان عضو کانون، و دو ما نشناسیم فرق یک نهاد دمکراتیک را با یک حزب سیاسی مسلماً گاه هم تحت تاثیر قرار می‌گیری و این نزاع‌هایی را ایجاد می‌کند در درون افراد کانون. در حالی که اگر تعمق کنند و اسانامه کانون را که دو ورق بیشتر هم نیست بخوانند می‌بینند که قضایایشان ربطی به کانون ندارد.

اکثر انتقاداتی که در ماه‌های اخیر متوجه کانون است مضموناً همان بحث عمومی جریانات سیاسی با یکدیگر است، می‌گویند کانون از این پس ولایت فقیه را متوجه ضربه خود می‌داند و نه نظام جمهوری اسلامی را.

من فکر می‌کنم اگر کسی بداند که کانون چه است، اصلاً این چنین نگرانی نباید وجود داشته باشد. کانون است مضموناً همان بحث عمومی جریانات سیاسی با یکدیگر است، می‌گویند کانون از این پس ولایت فقیه را متوجه ضربه خود می‌داند و نه نظام جمهوری اسلامی را.

من همیشه می‌ترسیدم که حادثه بدی اتفاق بیافتد. با این جمله همسر سرکوهی از وضعیت آن روز تجدید خاطره می‌کند. همین طور هم شد و حادثه‌ای اتفاق افتاد و همسر او در مرکز این نمایش غم‌انگیز قرار گرفت. نمایشی که خوشنت عمل در آن مرز تهدیدهای خشن علیه سلمان رشدی را پشت سر نهاد و حتی از بدگمانی‌های همسر سرکوهی هم فراتر رفت.

سرکوهی واجد خصوصیاتی بود که با نشسته‌های رژیم جور در بیاید. او به داشتن سابقه ۸ سال زندان در زمان شاه، به عنوان روشنفکری شجاع معروفیت داشت و تحقیر کردن او توسط پادوهای رژیم ملاحه در دادگستری، او را حتی در میان مخالفان رژیم خجالت‌زده می‌کرد. به علاوه، در حالی که خانواده او در تبعیدی خود خواسته در آلمان بسر می‌بردند، برای جمهوری اسلامی او بهترین نامزد برای این

کانون در درون خود با چه مشکلاتی مواجه است؟

به نظر من مشکلات درون کانون جدا از مشکلات کل جامعه ما که در حال شهروند شدن است نیست. یعنی چه در حال شهروند شدن؟ یعنی اینکه ما با خشم و زور گاهی دمکراسی را قورت می‌دهیم. تحمل غیر برابمان آسان نیست. می‌گویم اگر فلان کس در لیست فلان سخنرانی باشد، اسم من نباشد. می‌گویند می‌خواهیم امضا جمع بکنیم برای سعیدی سیرجانی. اول می‌پرسند که چه کسانی اسمشان در لیست است. اگر فلانی هست پس من نیستم. یعنی چیزهایی که شهروندان معمولاً باید این مسائل را پشت سر گذاشته باشند. ولی خوب شما می‌بیند در کل جامعه ایران برای اولین بار در تاریخ ایران جمعیت وسیعی صحبت از جامعه مدنی می‌کند و آمده پشت این فکر. حتی در انقلاب مشروطه هم این فکر این حد از پایه اجتماعی را نداشته است. به همین دلیل هم این فکر با یک تلنگر رضاخان می‌افتد. ولی الان دارد می‌رود به این سمت. مسلماً از زیگ‌زاگ‌ها خالی نخواهد بود جامعه‌ای که به این سمت می‌رود و افراد هم از این زیگ‌زاگ‌ها مبرا نخواهند بود. و ما هم چون جزئی از یک کل بزرگ‌تر هستیم خودمان هم خالی از این ایرادات نیستیم. به ما انتقاداتی هم می‌شود که بسیار درست است. سعی می‌کنیم که بفهمیم. ولی واقعیت این است که قورت دادن شهروندی و حقوق شهروندی و دمکراسی برای ما که هیچ وقت تجربه نکردیم کمی مشکل است. سعی‌مان بر این است که به این سمت برویم.

شما در بالا به حساسیت‌های اشاره کردید که از بیرون به درون کانون انتقال می‌یابند.

حساسیت مردم را من می‌فهمم. ولی گروه‌هایی هم هستند که به نظر من اینجا قدری به مسائلی دامن می‌زنند به چیزهایی که مثلاً تقسیم گناه می‌کنند. یعنی در اصل در رقابت با جریانات دیگر از آنجایی که نمی‌توانند بفهمند که یک کانون دمکراتیک یک حزب نیست، با ما هم به رقابت افتاده‌اند. شروع کرده‌اند هم‌زمان

فرج سرکوهی نویسنده‌ای که در ایران به جاسوسی برای آلمان متهم شده بود در فرانکفورت به خانواده‌اش پیوست. راس ساعت ۵:۵۰ پرواز شماره ۶۰۱ لوفت‌هانزا از تهران در فرودگاه فرانکفورت به زمین نشست. این پرواز را می‌بایستی فرج سرکوهی در سوم نوامبر ۹۶ انجام دهد. اما در آن زمان به جای پرواز به سوی آزادی، این سردیر جمله‌ی فرهنگی «دنبه» زیربار سنگینی از اتهامات، از سازمان امنیت ایران سر در آورد. در آنجا رنج غیر قابل تصویری انتظار او را می‌کشید: ۴۷ روز زندان، تحت شکنجه، اقرارگیری، تحت فشار، و خودشکنی اجباری، سرکوهی بعداً فهمید که آن‌ها می‌خواهند از او جاسوسی بسازند تا به‌عنوان مقابله به مثل بر علیه جنرال صدور حکم دادگاه میکرونوس که رژیم ایران را در خطر رسوایی سیاسی قرار داده بود، استفاده کنند «من درد و رنج یک زنده به گور را با گوشت و پوست خود احساس کردم». این جمله‌ای است که سرکوهی از زندان به همسرش نوشت، بدون آنکه بداند آیا این نوشته به‌دنیای خارج از زندان خواهد رسید یا نه.

امروز، اما در پی روی پاشنه دیگری می‌چرخد. به گفته مقامات لوفت‌هانزا از سرکوهی در فرودگاه فرانکفورت مانند یک مقام بلندپایه استقبال شد. در پای پلکان هواپیما همسرش فریده و دو فرزندش انتظار او را می‌کشیدند. شور و هیجان در آغوش‌گیری‌ها و غلیان احساسات را پس از دو سال و نیم جدایی و دیدار دوباره با کسی که بارها مفقودالایر شده و حتی برایش عذارای ترتیب داده شده بود بی‌توان تصور کرد.

آن‌ها به اتفاق به پایولین ویژه رفتند، اولین سخنرانی‌ها و اولین شوخی‌ها، تب دیدار در بازان لیخندها فروکش می‌کند.

این مرد با این جبهه کوچک و نجف که الان در

رستاخیز یک زنده به‌گور

گزارش روزنامه فرانکفورت تر روندشاو - از ورود فرج سرکوهی به فرانکفورت

می‌گوید. از ایران، اما مرتباً گزارش‌های ضد و نقیضی به گوش می‌رسد در حالی که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در روزهای اخیر در خصوص پذیرش آزادی اندیشه در مجامع عمومی سخن گفت. فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هنوز هم می‌خواهد منتقدین نظام را «سر پرده و زبان‌شان بیرون بکشد». در این میان، موضع‌گیری محتاطانه یکی از رهبران اولیه انقلاب شنیدنی است. «جلاد تهران»، آیت‌الله صادق خلخالی معروف، با جمله لزان «خلاف قوانین شرع» از گفته‌های فرمانده درنده سپاه پاسداران انتقاد کرده است.

سرکوهی با چه معیاری دموکراسی در ایران را می‌سنجد؟ «احزاب آزاد، اتحادیه‌های کارگری آزاد، مؤسسات فرهنگی آزاد، و یک انجمن نویسندگان آزاد». این‌ها برای او هدف بعدی هستند. «زیرا بدون این نهادها، دموکراسی دواسی نخواهد داشت». سرکوهی در هر حال از سرنوشت خود آموزش روشنی گرفته است: «حمایت از نویسندگان به معنی حمایت از آزادی‌ست، و فقط حمایت از آزادی بدنبال خود توسعه و گفتگوی بین فرهنگ‌ها را خواهد آورد». سرکوهی قصد دارد در ماه‌های آتی نیروی خود را در آلمان برای این گفتگو متمرکز کند. این منتقد خنری مایل است حالا در آرامش اندیشه‌هایش را در مورد شعر و ادبیات به روی کاغذ بیاورد، آخر این‌ها نیز در حبس ۳۷ روزه و پایاپای شکنجه‌ها با او بوده‌اند. در شرایط «آستانه‌ای»، درست آنجایی که انسان فرو می‌پاشد، می‌بایستی او بسیار به «کافکا» و «شاملو»، شاعر لحظات زشت و زیبای زندگی فکر کرده باشد.

برگردان: ج. سپهر ۷.۵.۹۸

مقدمه

روند جاری سیاسی در کشور امیدهای محبتی در جهت گسترش عناصر جمهوری و مردمسالاری را برانگیخته است. پس از دوام خرداد عموم نیروهای سیاسی کشور اعم از این که در حکومت و حواشی آن باشند یا در صفوف اپوزیسیون، همه و همه فراخوانده شده‌اند که در ارزیابی‌های خود پیرامون توازن نیروها و چشم‌انداز تحول اوضاع کشور تامل و تجدیدنظر کنند. تنها مجاهدین هنوز دارند مقاومت می‌کنند.

تحلیل مضمون روند جاری و ارزیابی آینده آن برای همه نیروهایی که حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری را طلب می‌کنند، برای تنظیم سیاست تاکتیکی مهمی تعیین کننده دارد. از سوی دیگر این تحولات همه نیروها را با امر انتخاب مستگیری اجتماعی مواجه ساخته است.

من در نوشته حاضر کوشیده‌ام قبل از همه نشان دهم که چرا در طیف وسیع نیروهای اپوزیسیون دو خطمشی - و فقط دو خطمشی - و نه بیشتر - به چشم می‌خورد. در فراز بعدی به تشریح روش مدلی پرداخته‌ام که برای دیدن ساختار قدرت سیاسی در کشور و راه تحول آن برگزیده‌ام. من نام این مدل و مدت تحلیل را مدل ساختارگرا نامیده و آن را با مدل دیگری که آن را قدرت‌گرا نامیده‌ام، مقایسه کرده و نشان داده‌ام که چگونه این دو زبان - در شیوه دیدن - بسیاری از تاکتیک‌ها و شعارهای سیاسی را از یکدیگر متمایز می‌کنند.

در قسمت جداگانه به بحث پیرامون معیار جاری برای سیاست‌ها و شعارهای تاکتیکی پرداخته با تمرکز حول یک مثال معین - شعاری که امروز در قبال ولایت قیبه باید به خیابان برود - کوشیده‌ام نشان دهم که کدام عوامل عینی و ذهنی در اتخاذ آن دخالت می‌کنند.

آخرین قسمت نوشته را اختصاص داده‌ام به موضوع رابطه ائتلاف‌های سیاسی با موضوع مستگیری اجتماعی. این بحث با ترمیم تصویری که سازمان ما باید امروز از خود در ذهن چپ‌های رادیکال، لیبرال‌ها و اصلاح‌طلبان درون و پیرامون حکومت بسازد، به پایان رفته است.

دو خط بیشتر وجود ندارد

به روشنی پیدا بوده و هست که نیروهای اپوزیسیون در قبال جمهوری اسلامی ایران از دو خطمشی مستفاد پیروی می‌کنند. یک بخش تغییر تمامیت حکومت را و بخش دیگر تغییر در حکومت جمهوری اسلامی را در دستور کار خود دارند. هیچ خط مشی سوم وجود ندارد که نه اصلاح‌طلبانه باشد و براندازانه.

من بر این نظر نیستم که در سازمان ما، شورای مرکزی و هیات سیاسی ما، این دو بخش نمایندگی می‌شوند. هرچه زمان از دوام خرداد بیشتر گذشته است، من بیشتر معتقد شده‌ام که امید اعضای دستگاه رهبری سازمان ما به امکان تحقق تغییرات مثبت در ترکیب و در ساختار حکومت بیشتر و بیشتر شده است. خوشبختانه امروز دیگر کسی از ما به این زبان فکر نمی‌کند که «به هیچیک از نیروهایی که در قارچوب جمهوری اسلامی عمل می‌کنند، هیچ امیدی نمی‌توان داشت و نخستین شرط در تحول مثبت در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، پایان دادن به حکومت تمام آن‌ها و سپردن حکومت به «اپوزیسیون دمکرات» است». تشریحی که در بهترین تریبون عرضه مواضع سیاسی ماست - در عمل آرایشی را عرض می‌کند که از امید به تحول مثبت در ساختار و سیاست‌های حکومت تهی نیست. نامه اخیر شورای مرکزی سازمان ما به آقای خاتمی و درخواست از ری که موانع فعالیت آزادانه احزاب سیاسی را بریزد، با هر تغییر و تفسیری، اگر مبتنی بر هیچ امیدی به امکان تحولی مثبت در کادر جمهوری اسلامی نبود، اصلا فرستاده نمی‌شد.

امروز دیگر در سازمان ما این توهم وجود ندارد که - از زبان منتقدین روش سیاسی خود می‌نویسم - که عده‌ای در این سازمان می‌خواهند ولایت فقیه را شکوفا کنند و عده‌ای دیگر خواهان استقرار حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری‌اند. در میان کادرهای سیاست‌گذار سازمان ما امروز دیگر کسی نیست - یا لاقال کسی بطور جدی نیاستاده است که تقویت عناصر جمهوری و مردمسالاری تا زمانی که جمهوری اسلامی برپاست، غیر ممکن است. و یا باور داشته باشد که تقویت این عناصر به تحقق هدف اساسی برنامه ما، که دستیابی ایران به حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری است، هیچ ربطی ندارد.

زمان خوشبختانه بسیاری از این اختلافات را حل کرده و می‌کند و اگر کسی بخواهد صفت‌بندی در جنبش دموکراتیک را بر اساس این که چه کسی زودتر رسیده است، بنیان نهد، زمان به او خواهد گفت که اتفاقا همین تنگ‌نظری است که ترا از دیدن دوردست‌ترها محروم کرده است.

وقتی من به ضرورت بسیج مردم برای تغییر در تناسب نیروها با حکومت، بسود جمهوری و به زبان ولایت اشاره می‌کنم، گاه دیده می‌شود، برخی تذکر می‌دهند نباید چشم‌ها ما به تغییر توازن قدرت در بسلا دوخته شود. ما باید مردم را برای به حکومت رسانیدن نیروهای دموکراتیک بسیج کنیم. این دوستان در عین حال می‌گویند که هرگز نه پنهان کرده‌اند که «جنگ قدرت» در حکومت وجود داشته و دارد و نه گفته‌اند که نسبت به سرنوشت این دعوا بی‌طرف‌اند. آنها می‌گویند: اما مسئله اساسی این

به مناسبت سالگرد حماسه دوم خرداد

چپ‌ها - لیبرال‌ها - اصلاح‌طلبان اسلامی

در راه تقویت عناصر جمهوری و مردمسالاری در کشور

فرخ نگیندار

است که برای تحول بنیادین جامعه‌مان ما نیروهای دموکراتیک ایران تا چه میزان باید به نتایج این جنگ قدرت در بالا چشم بدوزیم و تا چه میزان باید به سازماندهی جنبش دموکراتیک کمر بندیم.

من در تحلیلی که از پی خواهد آمد نشان می‌دهم که گرچه این تفاوت در شیوه دیدن تفاوت نظرهای معین در سیاست‌گذاری را موجب می‌شود، اما این تفاوت‌ها موجب نمی‌شود که حاملان آنها در وضع فعلی در مقابل هم قرار گیرند. اکنون تاثیر سیاست طیف بسیار وسیعی از نیروهای اجتماعی کشور ما، از

توزیع قدرت سیاسی میان این سه منبع در طول زمان دگرگون شده است. پیامد بزرگ انقلاب بهمین آن بوده است که تسلط - حتی تسلط کامل - بر نهادهای سرکوب دیگر نتواند عملا تمام قدرت سیاسی را به‌انحصار کنترل کنندگان آن نهادها درآورد.

کنترل قوای مسلح و پلیس سیاسی برای رضا شاه و حتی شاه کافی بود تا کل دستگاه بوروکراسی را کاملا تحت کنترل خود درآورده و مستقل از نهادهای مدنی و بسا متهور کردن آنها سیاست‌گذاری و شورمرداری کند.

می‌فهمند و عمل تشکلهای توده‌ای (گروه‌های فشار) را ناقض حق رای و ناقض مشروعیت دولت انتخابی و غیردموکراتیک تلقی می‌کنند.

مجددا تاکید می‌کنم، علیرغم تفاوت فاحش در معیارهای سنجش در زبان لیبرالیسم و دمکراسی، این تفاوت‌ها در روند سیاسی جاری کشور به هیچ وجه این دو طرز فکر را در مقابل هم قرار نمی‌دهد.

سه نیروی چپ، لیبرال و اصلاح‌طلبان اسلامی علیرغم این که هر یک از نظر مستگیری اجتماعی، از نظر شیوه عمل و از نظر موقعیت سیاسی به وضوح متمایزند، اما تاثیر عمومی و عینی عمل همه آنها در وضع حاضر در سمتی واحد، در سمت تقویت عناصر جمهوری و مردمسالاری در کشور، است.

حالا سعی می‌کنم آنچه را من آن را دید قدرت‌گرا می‌فهمم خلاصه‌وار توصیف کنم. هر چند اطمینان دارم سیاست‌گذارانی که به برداشت من چنین دیدی دارند خود را - و نیز من را - آنگونه نخواهند دید که من آنها را و خود را می‌بینم و این کاملا طبیعی است.

مدلی که دید قدرت‌گرا برای تحلیل قدرت سیاسی برمی‌گزیند دو ستونی است: نیروهای حاکم و اپوزیسیون. در حکومت در وضع حاضر دچار شکاف شده و در آن جناح شکل گرفته است. نیروی مسلط در حکومت جناح خاتمی است اما مواضع طرف دیگر رو به تقویت است. اپوزیسیون نیز از جناح‌های مختلف تشکیل شده است که ما (یعنی مجموعه نیروهای دموکراتیک که می‌خواهیم آنها به حکومت برسند) باید در وضع فعلی کوتاه‌کردن دست خاتمی

و جناح او از قدرت را آماج قرار داده، در عین حال بکوشیم مردم در این مبارزه به دنبال جناح دیگر حکومتی کشیده نشوند و به ما ملحق شوند. مبارزه ما نباید متوجه تقویت یک جناح حکومتی در مقابل جناح حکومتی دیگر باشد. این مبارزه باید متوجه ایجاد تقویت و به قدرت رسانیدن آلترناتیو دموکراتیک - که البته ضامن استقرار دمکراسی است - باشد.

البته شاید توضیح این نکته ضرور باشد که هرگاه دید قدرت‌گرا بیشتر با تمایل آتاریشیک یا هومونیک درآمخته باشد آنگاه عبارت «به قدرت رسانیدن آلترناتیو دموکراتیک» در قالب عبارت «دفاع از مشا و در آن منظور از مردم یا توده‌ها، در دید مزبور یا آتاریشیک، پدیده بی‌شکل (غیر ساختارمند) است که تنها در جریان حرکات (اعتراضات) کاملا و یا نسبتا خودجوش نمود می‌یابد. حال آنکه دید مزبور با هومونیسم خود را همان مردم می‌فهمد.

در مقابل زبان ساختارگرا می‌گوید ما (یعنی مجموعه نیروهایی که در سمت رسیدن به حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری مبارزه می‌کنند) باید در روند سیاسی جاری، از یک سو بکوشیم قدرت و اختیارات نهادهای غیرانتخابی (استون راست) به زبان قدرت‌گرا از شکسته شدن سلطه جناح راست و سرباز آوردن جناح خاتمی از این نظر بسیار خشنود است که این شکاف شکافی است در جهت مقابل که به نیروهای دموکراتیک کمک می‌کند که با بهره‌برداری از آن، مواضع خود را در جامعه تقویت کنند. دید قدرت‌گرا نمی‌بیند که در تاثیر تغییر در تناسب قدرت جناح‌ها در حکومت قبل از همه تغییر در سهم قدرت ارگانه‌های اعمال قهر (غیر انتخابی) در مقابل ارگانه‌های انتخابی است. بعلاوه دید قدرت‌گرا این را نیز نمی‌بیند که تغییر در تعادل قدرت میان این ارگان‌ها در واقع محصول تقویت قدرت مردمی (نهادهای مدنی) در مقابل حکومت بطور کلی است. تغییری که روند سیاسی جاری در حکومت می‌تواند تقویت عناصر جمهوری و مردمسالاری در مقابل همین زاویه تقویت شود. دید قدرت‌گرا این‌طور می‌بیند که مضمون روند سیاسی جاری در حکومت، مبارزه یک جناح حکومتی علیه جناح دیگر است و بر این اساس نتیجه می‌گیرد که مردم نه در تقویت یک جناح در برابر جناح دیگر، بلکه در تقویت «آلترناتیو دموکراتیک» در مقابل کل حکومت ذینفع‌اند. این دید از یک سو می‌بیند که مقابله با اصلاح‌طلبان اسلامی در حکومت به سود جناح راست تمام می‌شود و از سوی دیگر می‌پندارد که مقابله نکردن با آن‌ها به این «توهم» دامن می‌زند که گویا آن‌ها می‌خواهند همان نوع حکومتی را مستقر کنند که ما می‌خواهیم.

تساخیر انتخاب زبان‌های متفاوت در طراحی سیاست‌ها و شعارهای رز محسوس‌تر است. برای زبان قدرت‌گرا موضوعاتی چون برکناری شیخ محمد زیدی، لغو نظارت استصوابی، انتقال فرماندهی قوای

سهم در ساختار قدرت سیاسی در کشور



• سلطنت و ولایت، متکی بر قوای مسلح، پلیس سیاسی و دستجات سرکوب (غیرانتخابی)
 • دولت، متکی بر دستگاه بوروکراسی، وزارتخانه‌ها (در جمهوری اسلامی انتخابی، در رژیم سابق غیر انتخابی)
 • مردم، متکی بر نهادهای غیر حکومتی (مثل بخش خصوصی، روحانیت، احزاب، رسانه‌ها، هنر، انجمن‌ها و سا...)

کارگزاران سازندگی، منجم روحانیون، مجاهدین انقلاب اسلامی و طیف وسیع روشنفکران دینی اصلاح‌طلب گرفته تا هواداران آیت‌الله منتظری و سایر روحانیون مخالف، از نهضت آزادی گرفته تا همه قالیان جبهه ملی، تا سازمان جمهوریخواهان و حزب دموکراتیک مردم ایران، تا لیبرال‌های راست، از سازمان ما گرفته تا تمام طیف توده‌ای‌ها و حتی مهمترین جریان‌های چپ انقلابی در این اواخر، همه و همه در یک سو عمل می‌کنند. در سیاست تمام این نیروها مقابله با نیروهای ارتجاعی و راست در حکومت و امید به تقویت عناصر جمهوری و مردمسالاری در کشور به وضوح برجسته است. در سیاست تمام آنها رو در روئی با دولت خاتمی برجسته نیست، تنها مجاهدین به همراه بخش کوچکی از چپ‌های انقلابی و نیز عناصر افراطی باقیمانده از رژیم سابق هنوز دارند مقاومت می‌کنند.

اشتباهی بزرگ و نابخشودنی خواهد بود، هرگاه چه در سازمان ما، چه در میان چپ‌های انقلابی، یا در میان نیروهای میانه‌رو این تصور دامن زده شود که «اختلافات سیاسی»، یا «تفاوت در خط مشی سیاسی» مانع از آن است که نیروهایی که امکان تحول مثبت در ساختار و سیاست‌های حاکم بر کشور میدارند، بتوانند در سمت واحد و در راه تحول مبارزه کنند.

من در این نوشتار کوشیده‌ام نشان دهم که دامن زدن به این تصورات اگر ناشی از آثار اسراض بچه‌گانه یا ناشی از تفاوت‌ها در انتخاب زبان و مدل دیدن نباشد، قطعاً ناشی از ترجیحات در انتخاب مستگیری اجتماعی است.

دو مدل برای دیدن

یکی از عمده‌ترین مشکلات - از جمله در سازمان ما که من با شیوه اندیشیدن کادرهای مختلف سیاست‌گذار در آن بیشتر زندگی کرده‌ام - فقدان یک مدل یا زبان واحد برای تحلیل روندها و رویدادهاست. بسته به این که مولف ما به زبان قدرت‌گرا بیاندهد یا به زبان ساختارگرا، دنیایی که می‌بیند و نقشه‌ای که برای تغییر ارائه می‌دهد متفاوت خواهد بود، هرچند تاثیر آن طرح و نقشه نیز - هرگاه در روند سیاسی جاری در کشور به کار بسته شود - می‌تواند (و به احتمال زیاد، قطعاً) در سمت سایر طرح‌ها و نقشه‌هایی تاثیر می‌کند که تقویت عناصر جمهوری و مردمسالاری در همین روند را در مدنظر دارند.

مدلی که من برای دیدن ساختار قدرت سیاسی در ایران آن را مناسب یافته‌ام می‌گوید در کشور ما نیز - همانند بسیاری از کشورهای رشد یابنده - قدرت سیاسی عملاً از سه منبع یا سه نهاد تشکیل است: ۱ - ارگان‌های سرکوب (یا اعمال قهر) ۲ - دستگاه بوروکراسی ۳ - نهادهای مدنی (غیرحکومتی). تحلیل‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که تناسب

انتظامی به وزارت کشور، احاله مدیریت صدا و سیما به سه قوه، و موارد مشابه خواست‌های یک جناح حکومتی علیه جناح دیگر فهمیده می‌شود و نه خواست‌هایی که در راستای برنامه ماست.

بر اساس این شیوه نگرش نیک پیداست که چرا زبان قدرت‌گرا تاملین فعالیت آزادانه احزاب سیاسی در ایران را بی‌ارتباط با تغییر در ساختار حکومت و سیاست‌های آن (در جهت تجدید نظر هرچه بیشتر حقوق و اختیارات ولایت قیبه) تصور می‌کند. این شیوه تحلیل کردن نمی‌تواند و از مرحله‌ای به بعد نمی‌خواهد ببیند که تاملین فعالیت آزادانه احزاب تابعی است از تغییرات ساختاری در نظام حاکم بر کشور و تغییرات ساختاری در نظام حاکم بر کشور، محصول تغییر تناسب قوا میان مدافعان و مخالفان آن اصلاحات در حکومت است و این تغییر تناسب قوا در حکومت نیز به نوبه خود محصول افزایش تاثیر مردم بر حکومت است.

مثالی دیگر می‌آورم: زبان قدرت‌گرا ابا دارد از این که در مبارزه حادی که میان نهاد ولایت قیبه و آیت‌الله منتظری و دیگر علمای دین در جریان است، به سود خواسته آیات عظام فعالانه وارد عمل شود. برای این زبان جدا کردن دین (یعنی روحانیت) و حکومت از یکدیگر البته یک خواسته اساسی است. اما در نظر آن تحقق این خواسته قطع یک راه دارد و آن نیز به قدرت رسانیدن یک دولت لائیک است. این زبان نمی‌تواند - و از مرحله‌ای به بعد نیز نمی‌خواهد - ببیند که برآمد نیرومند روحانیت شیعه - به مثابه یک نهاد قدرت‌مند غیر دولتی، به مثابه یک رکن جامعه مدنی - علیه حکومتی کردن دین، در همان سمتی تاثیر و عمل می‌کند که طرفداران لائیسیته (نیروهای دموکراتیک) آن را طلب می‌کنند.

زبان ساختارگرا از شکسته شدن سلطه جناح خاتمی و سرباز آوردن جناح خاتمی بیش از همه از این رو خوشنود است که این برآمد از یک سو، نشانه تضعیف نهاد رهبری در مقابل نهاد ریاست جمهوری در ساختار قدرت حکومتی است و از سوی دیگر محصول و نشانه تقویت نهادهای جامعه مدنی در مقابل نهادهای حکومتی در ساختار قدرت سیاسی کلیت جامعه ماست.

بدین لحاظ برای زبان ساختارگرا موضوع سیاست‌گذاری قبل از آن که جانبداری یا مقابله با این جناح یا آن جناح حکومتی فهمیده شود، جانبداری یا مقابله با نحوه توزیع قدرت سیاسی میان نهادهای آن - یعنی نهادهای غیرانتخابی و نهادهای غیرحکومتی - فهمیده می‌شود. برای این شیوه دیدن کوچکترین دشواری یا دغدغه‌ای وجود ندارد که با اعتماد به نفس و صراحت کافی در قبال روند سیاسی جاری در کشور سیاست‌گذاری کند و نگران این نباشد که مبادا این سیاست‌گذاری وجود «جنبش دموکراتیک» را از حیز انتفاع بیاندازد. برای این زبان معنای موضوعاتی چون برکناری زیدی، لغو نظارت استصوابی و غیره، تقویت اختیارات نهادهای انتخابی و بوروکراسی و در قبال نهادهای غیرانتخابی و متکی به ارگان‌های قهر فهمیده می‌شود، معنای این تغییرات، تقویت جمهوری و در قبال ولایت است. این تغییرات اگر بتوانند تحقق یابند، جامعه یک گام در راستای برنامه ما حرکت کرده است.

در این کشور عده‌ای می‌خواهند و هنوز هم می‌خواهند اگر بتوانند جمهوری را در ولایت ذوب کنند. ما می‌خواهیم، می‌کوشیم، می‌توانیم و باید در سمت ذوب ولایت قیبه، در سمت ذوب زوال‌رسانیدن حقوق و اختیارات نهادهای غیرانتخابی در حکومت مبارزه کنیم.

ما براساس این شیوه دیدن، می‌خواهیم، می‌کوشیم، می‌توانیم و باید حقوق و اختیارات دولت و نیز روحانیت را که توسط ولایت قیبه در رژیم جمهوری اسلامی ایران، از آنان سلب شده است، از ولایت قیبه بازستاند و به صاحب حق مسترد داریم. ما می‌خواهیم دولت که به رای همگانی برگزیده می‌شود از قیمومت ولایت آزاد شود و سپس هرچه بیشتر تحت قیمومت نهادهای مدنی درآید.

بنابراین از یک دید ساختارگرا، خواست‌هایی چون واگذاری مسئولیت قوای انتظامی به دولت، لغو نظارت استصوابی، رهائی آقای منتظری، سپردن صدا و سیما به سه قوه، خلع یزدی و غیره به هیچوجه خواسته صرفاً یک جناح حکومتی نیستند و نباید به این عنوان دیده شوند. این‌ها خواست همه کسانی است که به تقویت عناصر جمهوری و در قبال ولایت می‌اندیشند. از سوی دیگر، از دید ساختارگرا تحقق شعارها و خواسته‌هایی چون آزادی زندانیان سیاسی، لغو هرگونه سانسور، آزادی احزاب سیاسی و سندیکاهای منع تجاوزه به حرم زندگی شخصی و تقویت عنصر قانون به‌طور کلی همه و همه معنایش تغییر در ساختار قدرت سیاسی در کشور، در جهت تقویت مواضع نهادهای غیرحکومتی در قبال حکومت است.

مبارزه در راه بازپس دادن حقوق و اختیاراتی که ولایت قیبه از دولت و از روحانیت سلب کرده است، برخلاف دیدهای قدرت‌گرایانه، نه مبارزه به‌خاطر اهداف روحانیت و یا یک جناح از حکومت، که مبارزه در راه تقویت عناصر جمهوری است در نظام سیاسی کشور است. مبارزه در راه تقویت نقش و مسوئیت نهادهای غیر دولتی - بویژه نهادهای برابری‌طلب - در برابر دولت، مبارزه در راه تقویت عناصر مردمسالاری در این نظام است. این دو مبارزه سخت به هم مربوط و یکی تقویت کننده دیگری است. معنای پیشرفت در این مبارزه پیشرفت در سمت دستیابی به حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری است.

(۱) یکی از معتبرترین راه‌هایی که احزاب و سازمانهای سیاسی مربوط به جوامع دارای نظامهای استبدادی و غیر دموکراتیک، جهت دستیابی به مطالبات سیاسی و خواستههای مردمی در پیش می‌گیرند، تلاش برای تغییر توازن قوا به سود دموکراسی و عدالت اجتماعی در جامعه است. این امر اساساً به مفهوم مشارکت در قدرت سیاسی قابل درک و تعریف است که همواره از مجاری مجموعه‌ای از سازمانها و تشکلهای خودجوش توده‌ای و غیر دولتی همچون احزاب، سندیکاها، نهادها و انجمن‌های دموکراتیک فرهنگی و مطبوعاتی ... عبور کرده است.

تجربه عملاً موجود در مناطق مختلف جهان نشان داده است که اگر احزاب و سازمانهای سیاسی موفق نشوند پیوند عمیق خویش را با توده‌های مردم و نهادهای مستقل روبه رشد آنها برقرار سازند و هماهنگی لازم را در بین این نهادها در مقابله با ارگانهای دولتی به اجرا بگذارند، بدون تردید توفیق خواهند یافت تغییر و تعدیل معین و موثر سیاسی را به سود نهادهای مردمی به مثابه مولود اجتماعی جامعه و به زیان ارگانهای خودسر دولتی کسب نمایند. تاثیر و بکارگیری این مثنی، نقش مفید و قابل توجهی در پیشبرد مطالبات سیاسی اجتماعی در نهادی کردن دموکراسی در کشور بجا خواهد گذاشت و در بلند مدت نیز، باز تولید این ارزش به ارتقاء سطح فرهنگ پیشرو در جامعه کمک خواهد رساند.

موضوعیت بسیج افکار عمومی از طریق «مسالمت‌آمیز» و حضور فعال و همه جانبه پتانسیل دموکراتیک در ارتباط با اهداف مورد نظر، که به عنوان نمونه نقطه عطف آن در کشور ما با مشارکت مردمی در دوم خرداد ۷۶ به منته ظهور رسید خود بیانگر تحولی عظیم در جامعه ایرانی و منشا بلوغ سیاسی مردم بعد از انقلاب شکوهمند بهمن ماه ۱۳۷۵ می‌باشد. آماجی و مشارکت هرچه بیشتر اپوزیسیون دموکراتی و چپ برای تاثیرگذاری بر رویدادهای جامعه با نیل به برپایی یک نظام مردم‌سالارانه در کشور، طلب می‌کند که پایه فعالیت‌های خود را در تشکلهای توده‌ای تقویت سازیم.

با حذف خشن و چندین ساله نیروهای دموکرات و چپ در کلیه عرصه‌های سیاسی اجتماعی شرایط برای حضور آقای خاتمی به مثابه فاتح روند اسکولاستیکی در دوم خرداد و نیمی از مردم آگاهانه با هدف روشن سیاسی، علیه ولایت فقیه و برای تحکیم جمهورییت بین دو رقیب مطرح و انتخاب ریاست جمهوری، آقای خاتمی را به عنوان فرد معتدلت‌تر نظام که به مسائل کشور تا حدودی با نگاه نسبتاً واقعی برخورد می‌نمود برگزیدند.

(۲) برای حضور سیاسی کارساز در متن رویدادها لازم است که سازمان سطح مشارکت و همکاری خود را با دیگر نیروهای چپ و دموکرات افزایش دهد و به سهم خود سمت همکاریها را به سوی تشکیل جبهه‌ای وسیع با هدف، ایجاد و استقرار نظام، دموکراتیک در کشور آماده سازد.

و از هم‌اکنون جهت‌های عمومی برنامه‌ای

نامه شورای مرکزی به آقای خاتمی رو به کدام سو دلرد؟

دانش باقر پور

و تحت تاثیر حرکت دوم خرداد، طبعاً برای سازمان ما یک امتیاز محسوب می‌شود، اما تعیین کننده نامیدن و عمده جلوه دادن نقش منتقدین درونی نظام از سوی برخی از مسئولین در شورا، پیامدهای ناگواری را به لحاظ سیاسی به دنبال خواهد داشت.

مصلحت این است که آن تعداد از رفقای شورای مرکزی، این سیاست را مورد بازبینی و تجدید نظر قرار دهند و توجه اصلی خود را به مبارزه عملاً موجود توده‌های مردم یعنی کارگران و دانشجویان و دیگر مراکز روشنفکری متمرکز سازند و با توده‌های مردم و زحمت همسو باشند.

همسویی با مردمی که آزمون تاریخی و شکوهمند خود را بطور یک پارچه در دوم خرداد به نمایش گذاشته و با قدرت متحد خود جناح غالب در حکومت را به تنگنایی راندند که مرتجعان همواره از آن به عنوان یکی از بدفرجام‌ترین تاریخ لحظات خویش یاد می‌کنند.

نگرانی از چیست؟

قبل از برگزاری پنجمین کنگره سازمان، نامه‌ای با امضا شورا مرکزی خطاب به خاتمی‌ها رهبر حکومت اسلامی تنظیم گردیده و موادی در دستور این نامه قرار گرفت که اساساً پرداخت مضمونی به آن در حیطه وظایف ما نبود. در کنگره پنجم، اکثریت نمایندگان، نگرانی نامه به خاتمی‌ها را مورد انتقاد قرار دادند. نقش و عملکرد مداوم خاتمی‌ها در دفاع از استبداد و تخریبی را نزد توده‌ها و به تبع آن نیروهای اپوزیسیون هر روز بیش از پیش مغرور ساخته است. اشراف به موضوع فوق، نگرانی و تعبیر منطبق با سیاست حمایتی را در اذهان فدائیان دامن نمی‌زد.

نامه به آقای خاتمی و با توجه به باور سازمان به همسویی بخشی از منتقدان درونی نظام در عرصه دفاع از آزادی‌های سیاسی با نیروهای دموکرات کیفیت پرداخت و جهت‌گیری سیاسی موضوع را اصولاً تغییر داده است و موجب نگرانی بسیار گشته است.

تردید نیست که منتقدین شاخص در نظام اسلامی، آقایین خاتمی، مهاجرانی، حجاریان، کریم‌پسچی، عبدالله نوری و سیف‌الله داد، زاپی‌ها و سلاقی دیگر سیاسی، مذهبی یا آقایان خاتمی‌ها، ناطق نوری، جنتی، محمد یزدی، عسکر اولادی و مرتضی نبوی‌ها دارند. بررسی موقعیت نیروهایی که متعلق به نظام

خود را در ارتباط با اساس نظام مورد نظر خویش اعلام نماید.

خوشبختانه در پنجمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت» تا حدودی تلاش در معرفی راستاهای برنامه‌ای در دیگر اسناد مصوب، صورت گرفته است. اما تا آنجا که به «سند اوضاع کنونی و سیاست‌ها» مربوط می‌شود سیاستی در متن این سند منظور گردیده که حدود قابل توجهی از فعالیت‌های سازمان را به خود معطوف ساخته است. و صراحتاً لحن هر چه بیشتری را با آن بخش از نیروهای درون حکومت، که به تعبیری در مبارزه برای آزادی همراه و همسو با ما قرار دارند پیوند داده و کم و بیش نیز به سیاست روز ما تبدیل شده است.

نگارش نامه به آقای خاتمی دقیقاً از این زاویه قابل بررسی است. صدور برخی از اطلاعیه‌های اخیر شورای مرکزی نمودهای دیگری از این دست می‌باشد. تضاد و تناقض این درک از سیاست که همواره خطر حمایت و وابستگی را به لحاظ تجارب تاریخی برای سازمان در پی داشته است در مقدماتی منجر به صدمات جدی بر روند شکل‌گیری دموکراسی در کشور و سلب اعتماد بخش وسیعی از نیروها و مردم نسبت به جنبش فدائیان گردید.

تاکید بر سیاستهای سالهای ۶۰-۶۱ خود گویای این امر است. موضوع بالا بازتاب فرهنگی نگاه به قدرت در معادلات سیاسی برخی از رهبران سازمان است. این نگاه، در شرایط حساس سیاسی توسل به دولت‌های مستعجل را بر تلاش در جهت هدایت مبارزه مردمی ترجیح داده است.

تردیدی نیست که شدت و عمق تضادهای درون حکومت اسلامی، منجر به عدم همسویی برخی از ارگانهای حکومت در پی به اجرا نهادن سیاستهای روزمره نظام گردیده و قبل از هر چیز سلاقی و برداشتهای آنها را در اجرای احکام شرعی به نمایش گذاشته است.

عدم انطباق این احکام و سیاستها با شرایط اجتماعی جامعه و انزوای بین‌المللی، تضاد درون نظام را هرچه بیشتر تشدید کرده است. به تعبیری اپوزیسیون دموکرات و چپ باید به تضاد درون نظام توجه لازم را معطوف داشته و سعی نماید همواره نوک تیز حمله را بر جناح استبدادی ولایت فقیه متمرکز سازد و دانشاً از تضاد بالای‌ها به سود توده‌ها بهره‌برداری سیاسی به عمل آورد.

شرط اول تحقق و بکارگیری این تاکتیک سیاسی باور به استقلال عمل و تلاش در جهت پی‌ریزی بدیل مورد نظر اپوزیسیون دموکرات است. در غیر این صورت فرجام آن محصور شدن در جناح‌بندی‌های درون حکومتی است. تحرک سیاسی شورای مرکزی در شرایط کنونی

اما بیرون از حاکمیت هستند و در روند ۱۹ ساله به دیدگاههایی دست یافته‌اند که عملاً خواستار حذف موقعیت ولی فقیه در قانون اساسی به رای مردم هستند، موضوعی دیگر است و عملکرد آنان را نمی‌توان با منتقدین درونی هم‌سنگ کرد.

دفتر تحکیم وحدت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و به نوعی بخش دیگر از دانشجویان سابق خط امام از جمله این نیروها می‌باشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم که آقایان منتقد درون نظام خواستار حذف ارگانی چون وزارت ارشاد باشند. مگر غیر از این است که آقایان هنوز معتقدند نه مردم و کارورزان فرهنگی، گمراه هستند و احتیاج به ارشاد دارند.

دقیقاً از همین زاویه است که آقای خاتمی در کتاب بیم موج خود تاکید دارد: «جامعه ما جامعه دینی است و طبیعی است که بی‌دینان صدعی روشنفکری در این جامعه پایگاه و در دل مردم جایگاهی نداشته باشند و ندارند!».

شایسته نیست نیروهای منتقد درون نظام را بر خلاف آنگونه که هستند و می‌اندیشند به جنبش معرفی نمایم. ترویج این سیاست بدون شک به سود ما و مردم نخواهد بود. چند روز پس از اتمام مصاحبه آقای خاتمی با CNN وی اعلام داشت که موضع‌گیری او در قبال آمریکا بیشتر کاربرد تبلیغی خارجی داشته است تا بیان واقعیت. پاسخ و اظهار نظر وزارت کشور نسبت به حق فعالیت قانونی نهضت آزادی ایران که تلاش دارد در چارچوب قانون اساسی به فعالیت بپردازد از دیگر موارد قابل ذکر است. زیرا این وزارتخانه نیرویی تحت عنوان نهضت آزادی را به رسمیت نمی‌شناسد.

سیاست تردید و سکوت آقای خاتمی در قبال بحران عظیم ساختار اقتصادی کشور و عدم تلاش وی علیه تورم لجام‌گسیخته، فاصله توده‌های مردم را هر روز از او بیشتر ساخته است. بنا بر اعترافات مسئولین درجه اول، ساختار اقتصادی نظام و جهت‌گیری آن نیز با موازنه منفی روبروست.

وقوع تظاهرات چند هزار نفری اخیر در منطقه پل ساوه که منجر به زدو خورد مردم با ماموران انتظامی گشت و مرگ یک نوجوان را به دنبال داشت، از جمله پیامدهای بحران اجتماعی کشور است. فضای عمومی موجود در جامعه به گونه‌ای است که مسئولین و کارگزاران برخی از ارگانهای حکومت، نزد توده‌ها مطرود و منزوی گشته‌اند. از همین رو پیش‌بینی می‌گردد ناهنجاریهای اجتماعی روبه وخامت هرچه وسیعتر بگذارد، بارقه‌امیدی که در دوران انتخابات ریاست جمهوری آقای خاتمی در دل مردم زجر کشیده بوجود آمد، اکنون با باور و التزام عملی آقای خاتمی و یاران وی به ولایت

فقیه، به پاس تبدیل شده است و عملاً تفاوت بیرونی آنها را با آن بخش از نیروهایی که رسالت ذوب شدن در ولایت را برای خویش قایلند از میان برده است.

یکسال از دوم خرداد ۷۶ سپری شده، طی این مدت وزارت کشور، وزارت ارشاد، دستگاه قضائیه و شهرداریها و نیز مجلس مرکز حادترین مناقشات درون نظام بودند و کشمکشهای فراوانی بین دو جناح حکومتی و حول ارگانهای یاد شده رخ داد، در این یکسال هیچ یک از وعده‌های داده شده به عرصه عمل کشیده نشد، آقای خاتمی در پشت درهای بسته به زدو بند با جناح مقابل پرداخت و وعده مشارکت مردمی را به سفره گرفت. مردم خواهان بند نهادن بر دستان هیولای استبداد و رفع بحران اقتصاد، سیاسی در کشور هستند.

سازمان ما باید پیام مردم، دانشجویان و کارگران را در طلب خواسته‌های خویش منجمله آزادی‌های سیاسی را درک کند و حساسیت شرایط موجود در جامعه را درک نماید. مبارزه در راه تأمین حقوق ملیتهای ساکن کشور نیز مستلزم توجه و بهاء بیشتری از سوی سازمان است.

در این موضوع نباید تردید کرد که دولتمردان نظام همچون خامنه‌ای و رفسنجانی تصمیم خود را در دشمنی با آزادی و مشارکت توده‌ای گرفته‌اند و هر روز گزندگان را در کنف حمایت ارگانهای نظام به مصاف مردم گسیل می‌دارند.

سیاست پنهان نگاه‌داشتن آنچه را که بر کشور و مردم می‌رود توسط هر مقام دولتی که هست باید بدون کوچکترین تردید افشا نمود. فراخواندن مردم به ایجاد و برگزیدن یک نظام دموکراتیک در کشور که مولفه‌های آن بر مبنای مدنیت و قانون و آزادی‌های بدون قید و شرط سیاسی با حضور گسترده احزاب و دیگر نهادهای دموکراتیک قابل شناسایی است یک ضرورت انکار ناپذیر است.

مردم را دعوت به پاسداری از ارزشهای ملی و انسانی در کشور کنیم و از آنان تخواهیم تا با حکومت قرون وسطایی موجود اتمام حجت کنند.

فعالیت آزادانه در کشور با مضمون تلاش در راه تحقق مطالبات دموکراتیک از مجاری غیر عرفی و غیر دموکراتیک عملی نیست. میزان را مراجع مردم و نهادهای متعلق به آنان قرار دهیم و در بیان حقیقت با آنها صراحت داشته باشیم و صدای رسا فریاد برآوریم که خاتمی و دیگر منتقدان درونی نظام تا زمانی که بر اصل ولایت فقیه باور دارند و مشارکت مردمی و همصدایی با احزاب و سازمانهای سیاسی چپ و دموکرات را نسفی می‌سازند و به راحتی سرکوب فریختگان و اندیشه‌ورزان را نظاره می‌کنند، تحت هیچ شرایطی قادر به گره‌گشایی جدی مشکلات کشور نیستند.

خلاصی مردم از انبوه معضلات تنها در گرو تغییر ساختار سیاسی کشور است. برای نیل به این اهداف تمام امکان خویش را در راه احیاء و گسترش سندیکاها و نهادهای دموکراتیک میهنمان بکار گیریم. □

هر چه وسیعتر آن در جامعه و به نوعی توده‌ای شدن آن گردید.

این موضوع آشکارا موجب عقب‌نشینی برخی از این نیروها گردید، طرح مسئله اساساً محصول «جامعه مدنی اسلامی» دقیقاً بازتاب همین گرایش بوده است. آنها در واقع با چسباندن کلمه «اسلامی» تلاش کردند تا دیگران را از دخالت در امری که گویا قرار است فقط در چارچوب حفظ جمهوری اسلامی و نیروهای معتقد به آن معنی دهد، برحذر دارند. تجربه زندگی به درستی نشان داد که چنین درک‌های انحصارطلبانه، آنجا که با حیات اجتماعی و جنبش مردم مواجه می‌شود به سختی جایی برای بقا می‌یابد.

در شکل نگارش این قرارها و آوردن آن همراه اطلاعیه، کوشش شده است تا به امضای کنندگان دیگر فهمانده شود که آوردن نام سازمان در پایان اطلاعیه بی‌مورد بوده است. رفقا! این شکل برخورد نه تنها موجب بی‌اعتباری نمایندگان سازمان در اینجا و آنجا می‌گردد بلکه مهمت از آن، از سازمان چهره‌ای غیرجدی ارائه می‌دهد و باعث کاهش اعتبار مواضع سیاسی آن خواهد شد.

سیاست یک با و دو هوای اینچنینی به جز لطمه زدن به موقعیت سازمان در بین سایر نیروها و به طریق اولی به جنبش دموکراسی سود دیگری ندارد. □

یک با م و دو هوا

محمود کرد

می‌باشد.

آنچه که تحت عنوان قرارهای «د. س. ا» در روزنامه کار آمده است نقض آشکار همان چیز است که فوق‌البدان اشاره رفته است. در واقع صادرکنندگان این قرارها آشکارا تلاش کرده‌اند تا با استفاده از خشونت رژیم در مقابل با اپوزیسیون، برخورد غیردموکراتیک و خشن برخی از نیروهای سیاسی مخالف رژیم را توجیه و کم‌رنگ سازند. و متأسفانه این مستد برخورد، شبیه همان روشی است که رژیم اسلامی از بدو به قدرت رسیدن تاکنون همواره از آن بهره جسته و تلاش کرده تا با سوءاستفاده از آن، ضمن همسنگ قلمداد کردن ماهیت خود با مخالفینش، سرکوب اپوزیسیون را توجیه کند، موضوعی که به درستی در قسمت پایانی اطلاعیه سه سازمان، به آن تاکید شده است.

شبهات به شدت آزردهنده منطبق حاکم بر دو برخورد را باید هشدار جدی تلقی کرد، چرا که ما را به دامی خواهد کشاند که بیشتر از هر کس و هر جریانی رژیم از آن سود خواهد برد. خطای دیگری که بر تفکر قرارها حاکم است درک انحصارطلبانه از دموکراسی و برخورد

رژیم اسلامی برای حفظ و تحکیم قدرت خود تلاش کرد تا با سرکوب هر نوع گرایش متفاوت چه در سیاست و چه در فرهنگ، شکل‌گیری هرم یک دست و یک رنگ دستگاه قدرت خود را هر چه وسیعتر عملی سازد، در این راستا، رژیم خشونت را به عنوان تنها وسیله، علیه دگراندیشان به کار گرفت. این سیاست که جای پای محکم و تاریخی در فرهنگ سیاسی کشورمان دارد هم به دلیل سبقت رژیم و هم به جهت رنگ و بوی آشنای فرهنگی آن متأسفانه به بخشی از سیاست اپوزیسیون در مقابل با رژیم مبدل گردید. و این در حالی است که منطقاً مبارزه با رژیم، نه فقط اهداف آن بلکه اشکال کاربست آنها توسط رژیم را نیز می‌بایست در برمی‌گرفت.

برای مبارزه با رژیمی که پایه و اساس موجودیت خود را بر حذف فیزیکی دگراندیشان و کاربرد خشونت و در وسیعترین ابعاد آن قرار داده است چه موضوعی مناسب‌تر، درست‌تر و مدنی‌تر از آشنائه فرهنگ دیالوگ و تقییب هرگونه برخورد خشن و غیردموکراتیک

در کار شماره ۱۸۱ قرارهای توسط د. س. ا در ارتباط با تعرض به جلسات سخنرانی آقایان سروش و مهاجرانی توسط برخی نیروهای اپوزیسیون، آمده است که موجب تعجب و تأسف گشته است. این برخورد چه در مضمون و چه در شکل با موضعگیری یک سازمان جدی بسیار فاصله دارد.

سازمان طی سال‌های اخیر تلاش کرده است تا با فاصله‌گیری از اشکال قهرآمیز مبارزه و تاکید بر مبارزه سیاسی در اشکال دموکراتیک، در پایه‌گذاری یک جامعه پلورال به همراه سایر نیروهای سیاسی نقشی جدی ایفا کند. احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت جامعه‌ای که در طول تاریخ خود جز دوره‌هایی بسیار کوتاه، دموکراسی را تجربه نکرده است، همه نیروهای متعهد و مسئول ایران را بر آن می‌دارد تا ایجاد و گسترش زمینه‌های برخورد دموکراتیک در جامعه، را در مرکز توجه قرار دهند.

تاریخ کشور ما سراسر مشحون از سرکوب مخالفین، زیر پا گذاشتن حقوق اقلیتها و حذف فیزیکی دگراندیشان است. کاربست خشونت جهت حل معضلات و پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی یکی از متداولترین و مهمترین مولفه‌های فرهنگ سیاسی ما ایرانیان بوده است. پس از انقلاب با توجه به ماهیت قرون وسطایی حکومت، خشونت با امکانات جدیدتری گسترش یافت.

قرارداد اتماد عمل پایدار سیاسی

حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام نمودند که اشتراکات و اهداف مبارزاتی مشترک را در سند تحت عنوان «قرارداد اتحاد عمل پایدار سیاسی» تدوین و تصریح نموده و به اتکا همکاری مشترک در طی سالهای اخیر خواهند گسترش دادند. سازماندهی اقدامات و موضع‌گیری‌های این اتحاد عمل توسط کمیته اتحاد

عمل برای دمکراسی انجام خواهد گرفت. در سند آمده است: «ما احزاب و سازمانهای اپوزیسیون ایرانی که دو دیکتاتوری سلطنتی و اسلامی را تجربه کرده‌ایم، با وجود داشتن برنامه‌های متفاوت در مورد هدفهای زیر به توافق رسیده و متعهد هستیم تا تحقق این اهداف به مبارزه مشترک ادامه دهیم. این هدفها کل به هم پیوسته‌ای هستند که در کلیت خود اعتبار دارند و تجزیه ناپذیرند. ما همه جریانها و

شخصیتهایی را که اهداف زیر را می‌پذیرند و برای تحقق آنها مبارزه می‌کنند، به این همکاری فرا می‌خوانیم. هدفها: ۱- سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران با استفاده از تمامی اشکال و تاکتیکهای مبارزاتی. ۲- استقرار نظامی دمکراتیک و مردمی در شکل جمهوری با انتخاب آزادانه اکثریت مردم ایران. ۳- تامین آزادیهای سیاسی و حضور دمکراتیک و مدنی مردم

به کاملترین شکل آن. ۴- تامین حقوق ملی خلقهای تحت ستم ایران - آذربایجانیها، کردها، بلوچها، عربها و ترکمنها - بر اساس برسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت، در عین دفاع از اتحاد داوطلبانه این خلقها در چارچوب ایران. ۵- جدایی کامل دین از دولت و آزادی همه اعتقادات، ادیان و مذاهب. ۶- لغو هرگونه تبعیض جنسی و تامین برابری حقوق زنان با مردان در همه عرصه‌ها. ۷- تامین حقوق و ارتقا سطح زندگی کارگران و زحمتکشان و تضمین حق تشکل مستقل و حق اعتصاب. ۸- تامین حق حاکمیت مردم ایران در مناسبات بین‌المللی و مخالفت با هر گونه مداخله خارجی. حزب دمکرات کردستان ایران سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران می‌کند سخن گفته است. در این مصاحبه در پاسخ به سؤال نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم نیستند کسانی که می‌گویند آقای سید محمد خاتمی بیش از حد محتاطانه و دست به عصا حرکت می‌کند و این ممکن است به زیان مردم و خود وی تمام شود» چنین پاسخ می‌دهد:

دکتر پیمان: در درون سیستم خاتمی امکانات محدودی دارد

نیستند، آنها هرچند به تدریج و آهسته پیشرفت می‌کنند ولی نیروهای حاصل از انباشت و تراکم آنها محرک آزادی و عمل نیروهای سادی و اجتماعی وسیعی خواهد شد. باید به نتایج قطعی این تحولات چشم دوخت و در تعقیب و تسریع و مراقبت از نتایج آن کوشا و هوشیار بود. وی در ادامه طرح می‌کند: امروز همه از ضرورت آزادی و حاکمیت قانون سخن می‌گویند و حرف درستی هم هست و در اولویت قرار دارد، اما اگر قرار بر روشنگری در میان مردم و خودآگاه ساختن و بسیج آنها برای به دست گرفتن زمام سرنوشت خویش است باید شعارهای ما با مهمترین مسائل و تضادهای زندگی‌شان پیوند مستقیم داشته باشد و حال آنکه به دلایلی چند که بیشتر جنبه عکس‌العملی دارد، در ادبیات سیاسی این دوره به ندرت فقر و تنگدستی و رنجهای بی شمار توده‌ها، از شکاف عمیق طبقاتی و نارسائیهای اساسی در مناسبات موجود در نظام اقتصادی و سلسله مراتب قدرت توزیع امکانات و مالکیت‌های صنعتی و تجاری و جهت‌گیری طبقاتی قوانین و سیاست‌گذاری‌های موجود، آگاهی‌های درستی به مردم داده می‌شود، در گذشته ایدئولوژی سنت‌گرای دینی حاکم مردم را از همه صنف و طبقه به رغم وجود روابط ظالمانه و استثماری در یک هیبت واحد و صوری مسلمانی جای دارد و هم اکنون هم بسیاری از روشنفکران بدون توجه به تفاوت نگرش طبقاتی سرمایه‌دار مسلط و روشنفکران و توده‌های تحت ستم به مقوله آزادی و مردمسالاری و جامعه مدنی، از این مقولات به طور کلی صحبت و دفاع می‌کنند، و حال آنکه اگر به درونمایه مناسبات اجتماعی و اقتصادی جامعه مدنی و دموکراسی‌ها توجه پیشرفت در این جهت به آزادی اکثریت توده مردم بینجامد و همگان از موابه آزادی بهره‌مند شوند، ... در همان حال نباید با موضع‌گیریها و اقدامات شتابزده یا چاپ‌روانه، افراطی‌ترین جناح راست‌گرا و سرکوبگر را در ایجاد این توهم که مخالفان در حال توطئه و همدستی برای گرفتن قدرت در آینده نزدیک هستند و یا آنان درصددند که زیرپای روحانیت و مذهب را جاروب کنند و جامعه را از عقاید و نهادهای کنونی پاکسازی کنند، یاری رسانند.

نشریه میهن در شماره اخیر خود مصاحبه‌ای با دکتر پیمان انجام داد. در این مصاحبه آقای دکتر پیمان تحلیل خود را از شرایط کنونی، روندهای امیدبخشی که در کشور در حال گسترش است، خطراتی که مبارزه موجود در جامعه را تهدید می‌کند سخن گفته است. در این مصاحبه در پاسخ به سؤال نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم نیستند کسانی که می‌گویند آقای سید محمد خاتمی بیش از حد محتاطانه و دست به عصا حرکت می‌کند و این ممکن است به زیان مردم و خود وی تمام شود» چنین پاسخ می‌دهد:

از هویت مستقل خویش است. تنها از این رهگذر می‌توان در روند حوادث کنونی و آتی کشور تاثیر مثبت و سازنده داشت و برای دستیابی به آرزوهای خود گام برداشت. از این رو پرهیز از هر سیاسی که به نوعی آمیختگی با نظام و خودباختگی بیانجامد و چنین احساسی را در اذهان تداعی کند، بسیار پر اهمیت است. نباید از نظر دور داشت که محمد خاتمی با تمام فضیلت‌ها جزو نظام جمهوری اسلامی است و محدودیت‌های پیشینی خود را از جمله در «ولایت فقیه» دارد. نیروهای اصلی حامی او، نظیر روحانیون مبارز، کارگزاران سازندگی و مجاهدین انقلاب اسلامی، بیش از او گرفتار قید و بندهای عقیدتی و «مکتبی» اند. در رابطه با فعالیت علنی حزب آمده است: «ما بر این امر واقفیم که در شرایط کنونی که احزاب سیاسی، حتی تقریباً بیان نیروهای درون نظام نیز از فعالیت علنی محرومانند، آزادی نخواهد شد. با وجود این از پیکار برای کسب حق خود و دیگر احزاب دگراندیش برای فعالیت آزاد و قانونی نیز از گام موازی و مهم از سرگیری فعالیت آزاد و قانونی احزاب نیمه‌علنی و نیمه قانونی خارج از مدار حاکمیت نظیر نهضت آزادی، جبهه ملی و حزب ملت ایران است. ما قویا خواستار رفع موانع و دفع پهنانهایی هستیم که این تغییر و تحول سرنوشت‌ساز نقش ایفا کند، باید در بطن جامعه قرار بگیرد و با توده مردم پیوند تنگاتنگ داشته باشد.»

احزاب در کشور، زمینه برای دیگر احزاب اپوزیسیون خارج از حاکمیت، از جمله احزابی که به خارج از کشور پناه برده‌اند فراهم خواهد شد. بدیهی است که فعالیت علنی و قانونی هر حزب و سازمانی در جمهوری اسلامی، الزامات خود را دارد. از جمله رعایت قوانین موجود است. این امر به معنی پذیرش هر چه در قانون اساسی و قوانین دیگر است، نمی‌باشد. لازمه رعایت قانون اساسی برخوردار شدن از حق دمکراتیک برای اظهار عقیده و ابراز مخالفت با هر بند از قانون اساسی و همچنین کوشش برای تغییر آنها از راه سیاسی و شیوه‌های مسالمت‌آمیز است. در شرایط کنونی، تا هنگامی که اوضاع کشور و جو حاکم برای فعالیت علنی نیروهای چپ اپوزیسیون و اعضای حزب هم‌چنان مخاطره‌انگیز است، توصیه ما به هیواداران خود در ایران این است که از کوشش شتابزده برای فعالیت‌های حزبی علنی جداگانه پرهیز کنند. رهنمود ما شرکت در تشکلهای کم و بیش دمکراتیک و نهادهای مستقلی موجود و یا در حال تشکیل است. نگاهی عبرت‌انگیز به تجربیات دوران حکومت دکتر مصدق و سال‌های انقلاب و رویداد بزرگ دوم خرداد و بعد از آن، نشان می‌دهد که نقش افکار عمومی و شعور جمعی، بود و نبود جامعه مدنی، مقدار گسترش افکار آزادیخواهی در میان مردم می‌تواند تاثیر تعیین‌کننده‌ای در مسیر رویدادها داشته باشد. چپ آزادیخواه اگر بخواهد در روند این تغییر و تحول سرنوشت‌ساز نقش ایفا کند، باید در بطن جامعه قرار بگیرد و با توده مردم پیوند تنگاتنگ داشته باشد.»

ویریه شوراهای احزاب و انجمن‌ها و تامین حقوق اساسی ملت که در فصل‌های سوم و پنجم و هفتم قانون اساسی تصریح شده است، تاکید ورزید.» اطلاعاتیه نهضت آزادی از ستاد برگزاری مراسم خواست مراسم را از دانشگاه تهران به میدان آزادی انتقال دهند تا امکان شرکت گسترده‌تر مردم فراهم گردد و رئیس جمهور بتواند در یک ارتباط مستقیم گزارش عملکرد یکساله خود را به مردم ارائه نمایند.

نهضت آزادی طی اطلاعیه‌ای اعلام نمود که در «مراسم بزرگداشت حماسه دوم خرداد» شرکت خواهد کرد. در این اطلاعیه آمده است: «سالروز حماسه دوم خرداد یادآور حضور گسترده ملت ایران برای پاسداری از آرمانهای اصیل انقلاب اسلامی، آزادی، استقلال،

و جامعه مدنی، حکومت قانون، تشکیل احزاب و سندیکاهای دیگر نهادهای صنفی - فرهنگی، پرگزاری دمکراتیک انتخابات شوراهای محلی و ایالتی، پیکار برای آزادی احزاب و سندیکاهای انجمن‌های مستقل و موارد مشخص بی شمار دیگر، پیروزی گام به گام در این قلمروها در عمل مسجربه برتری فزاینده جمهوری و بی‌برنگ و اثر شدن تدریجی ولایت فقیه خواهد شد. در تدوین شعارهای محوری و خواست‌های مشخص و مقطعی در قبال مقوله «ولایت فقیه» و برای احیای کامل جمهوری باید همواره تناسب نیروها و امکان پیشبرد گام به گام آنها را مد نظر داشت. این شعارها باید بتواند از جمله بخش وسیعی از نیروهای اسلامی طرفدار سیاست مسامحه و گشایش فضای سیاسی را نیز به این پیکار جلب نمایند.» در رابطه با دولت خاتمی آمده است: «سیاست ما در قبال حکومت محمد خاتمی عبارت است از: حمایت از هر گام حکومت در جهت باز شدن فضای سیاسی، برقراری حکومت قانون و کوتاه کردن دست گروه‌های فشار و اخلاک‌گرا «حزب‌اللهی» پشتیبانی از اقدامات دولت در جهت بهبود زندگی مردم و رفاه عمومی، سالم‌سازی مناسبات بین‌المللی و اقدامات مثبت مشابه دیگر. در برابر انتقاد و موضع‌گیری در قبال هر سیاست و عملکرد حکومت که مغایر با منافع مردم و آزادی باشد. سیاست ما در قبال حکومت محمد خاتمی بر اصل استقلال اندیشه و عمل استوار است. زیرا علت وجودی و رسالت تاریخی چپ آزادیخواه در گرو پاسداری

کنگره چهارم حزب دمکراتیک مردم ایران در روزهای ۱۲ - ۱۵ مارس برگزار گردید. در این کنگره دو سند «سند پایه‌ای اندیشه و عمل حزب» و «تدوین مثنی سیاسی حزب در شرایط جدید کشور» به تصویب رسید. در گزارش کنگره چهارم راجع به سند اول آمده است: «حزب دمکراتیک مردم ایران در همان سالهای نخستین پیدایش، با تاکید بر غیر ایدئولوژیک بودن این حرکت و مفاهیمی چون آزادی، پلورالیسم، جمهوری لائیک، عدم تمرکز در شیوه کسرورداری، جامعه مدنی و عدالت اجتماعی و تامین فرصت و امکانات برابر برای همه شهروندان و نیز وحدت در تنوع، در مناسبات درونی، سنگ‌بنای تکامل بعدی حرکت خود را پی ریخته بود. اما آنچه که نه فقط از دیدگاه مثنی و تاکتیک سیاسی، بلکه از منظر الگوی تحول سیاسی جامعه ایران بایستی شالوده اندیشه و درک ما را شفاف‌تر می‌کرد، تعمیم و نهادی کردن اندیشه پیکار تدریجی و مسالمت‌آمیز در سرتاسر سیستم نظری، سیاسی و عملی حزب بود. مباحث کنگره چهارم و مصوبات آن از دیدگاه بیان تئوریک، ارزشی و سیاسی تفکر اصلاح‌طلبانه و تدریجی، در سیستم فکری حزب دمکراتیک مردم اهمیت سیاسی داشت.» در سند «اوضاع کنونی ایران و وظایف میرم ما در قبال آن» اوضاع کشور پس از انتخابات دوم خرداد مورد بررسی قرار گرفته و آمده است: «در شرایط فضای نسبتاً باز اما شکننده کنونی، میرم‌ترین مساله در برابر آزادی‌خواهان ایران، تحقق وعده‌های انتخاباتی محمد خاتمی در زمینه برقراری آزادیها

نامه‌ها و مقالات رسیده

سعید معمارحسینی همه توان و تجربه و نیروی خود را در پیکار مردم ایران به کار گیریم

محمد رضا قنبری
محمد رضا قنبری
الف - ایلی
فریبا مهربان
ب. پ.
پیرنگ
م. ندایی
د. آرام

و دو نامه از محمدعلی درخشش نیا، شیداگل یاد

پیام‌ها و خبرهای خود را بر پیام‌گیر «کار» بگذارید

«کار» برای تسهیل ارتباط خوانندگان خود با دفتر نشریه، شماره تلفن ویژه‌ای را تهیه دیده است. از این پس می‌توان از طریق شماره تلفن ۹۳۲۲۱۳۶ - ۲۲۱ - ۴۹ در هر زمان با دفتر نشریه «کار» تماس گرفت و انتقادات، پیشنهادات و پیامها را در دستگاه پیام‌گیر ضبط کرد. در هر نوبت تماس می‌توان پیامی حداکثر به مدت ۳ دقیقه بر روی دستگاه گذارد.

با ما تماس بگیرید و خبرها و پیام‌های خود را به اطلاع ما برسانید. شماره تلفن تماس با دفتر نشریه «کار» را به دوستان و آشنایان خود نیز اطلاع دهید.

نهضت آزادی شرکت در مراسم دوم خرداد

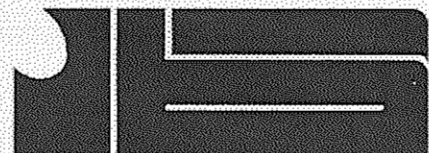
نهضت آزادی طی اطلاعیه‌ای اعلام نمود که در «مراسم بزرگداشت حماسه دوم خرداد» شرکت خواهد کرد. در این اطلاعیه آمده است: «سالروز حماسه دوم خرداد یادآور حضور گسترده ملت ایران برای پاسداری از آرمانهای اصیل انقلاب اسلامی، آزادی، استقلال،

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک: □
مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ: □

نام: □ نشانی: □
Name: □ Address: □

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمی) به آدرس □ پست کنیدا □



اجلاس سران کشورهای صنعتی تحت الشعاع وقایع اندونزی و هند قرار گرفت

اقتصادی هند به وضوح نمایان شد.

مسئله اندونزی و وقایع آن یکی دیگر از موضوعات مورد بررسی این اجلاس بود. کلینتون در جواب به این سؤال که آیا زمان کناره‌گیری سوهارتو نرسیده است گفت: مردم اندونزی باید در این باره تصمیم‌گیری کنند. همزمان با آن خانم مادلن آلبرایت گفت: سوهارتو بهتر است به‌عنوان یک «رهبر» کناره‌گیری کند. این اظهار نظر نوعی التیام‌موم محسوب گشت. نکته جالب در این زمینه هم‌نظری ضمنی تمامی رهبران کشورهای صنعتی جهان در مورد «رفتن» سوهارتو بود.

رهبران کشورهای صنعتی اما در مورد «بخشش» بدهکاری‌های کشورهای جهان سوم برای چندمین بار و با مقاومت آلمان به نتیجه‌ای نرسیدند. میزان بالای بدهکاری‌های کشورهای جهان سوم به کشورهای صنعتی اکنون تبدیل به یک عامل بازدارنده برای توسعه این کشورها گشته است. مساله بغرنج در این زمینه میزان بالای بدهی و ام‌ها است که هم‌اکنون به چند برابر میزان اصلی بدهکاری کشورهای جهان سوم رسیده است. همزمان با آغاز مذاکرات در این زمینه هزاران نفر به تظاهرات پرداخته و خواستار آن شدند که کشورهای جهان سوم را از بسازپرداخت بسدی‌هایشان معاف دارند.

اجلاس سران کشورهای صنعتی شامل آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، ژاپن، کانادا و ایتالیا هفته گذشته در بیرمنگام انگلیس برگزار شد. اسامال روسیه نیز رسماً به جمع این کشورهای پیوست. به روال سال‌های گذشته بررسی اوضاع سیاسی - اقتصادی و صنعتی جهان در دستور کار بود اما این اجلاس دو روزه که یک روز هم به آن اضافه گشت تحت تاثیر ناخواسته دو تحول عمده یعنی نساآرامی‌های اندونزی و آزمایشات هسته‌ای هند قرار گرفت.

محورهای سیاسی مذاکرات سران کشورهای صنعتی در باره مذاکرات صلح خاورمیانه و ایرلند، مبارزه با تروریسم و مواد مخدر و جنایت سازمان یافته بود. در کنار آن، بحران اقتصادی آسیا، فقر جهانی و بدهکاری‌های کشورهای جهان سوم و راههای مبارزه با آن و قانون داماتو - برتون (به مقاله توافق آمریکا و اتحادیه اروپا در مورد تخفیف تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی در همین شماره کسار رجوع شود) از مهمترین موارد بحث این اجلاس بود.

در مورد آزمایشات هسته‌ای هندوستان سیاست‌های سران کشورهای صنعتی متفاوت بود. تمایز سیاست ایالات متحده و اروپا در برخورد نسبتاً شدید آمریکا و تهدید به مجازات‌های

قدرت آنان افزوده می‌شد به مخالف برخاستند. روز ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۵ با به قتل رسیدن ۶ ژنرال ارتش، ژنرال سوهارتو دست به کودتا زد و سوهارتو را در خانه‌اش زندانی نمود. وی این قتل‌ها را به گردن کمونیست‌ها انداخت و با سرکوب جنایتکارانه آنان که منجر به قتل صدها هزار نفر گردید حکومت خود را تثبیت نمود. ژنرال سوهارتو به‌عنوان فردی ضد کمونیست طی ۳۲ سال حکومت خود همواره از پشتیبانی‌های بی‌دریغ غرب برخوردار بود.

درس‌های اندونزی

رفتن سوهارتو به معنای شکست مدل توسعه آسیایی است. بسیاری بر این باورند که بدون دموکراسی نهادینه و با «دیکتاتور خیرخواه» می‌شود به توسعه دست یافت. به‌علاوه رفتن دائمی سطح سواد و آگاهی مردم و در نتیجه آن تبلور نیروهای مختلف اجتماعی و سیاسی یک بار دیگر لزوم رعایت این قانون ابدی سیاست یعنی تقسیم قدرت، دموکراسی و مدنیت را به اثبات رسانید.

رشد اقتصادی اندونزی تا سال ۱۹۹۶ معادل ۷/۸ درصد بود. آن روز که فقرای اندونزی به فروشگاه‌ها هجوم بردند و سهم خود را از پیشرفت و توسعه اقتصادی به‌زور گرفتند، پیش از هر زمان دیگر اثبات گردید که توسعه با ثبات بدون عدالت اجتماعی بی‌معنی است. سوهارتو رفت اما این تازه آغاز راه برای اندونزی است. ■

مردم اندونزی سوهارتو را مجبور به برکناری کردند



و در آن اقوام، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف وجود دارند. سوهارتو سعی نمود «دموکراسی هدایت شده» را به جای «دموکراسی مستقیم» جامعه عمل بپوشاند. وی با «انتصاب» نمایندگان مجلس از اقوام و احزاب گوناگون سعی نمود به مناقشات و اختلافات بین احزاب اسلامی و دولت سکولار و گروه‌های دیگر اندونزی پایان دهد. هنگامی که سال ۱۹۹۴ کمونیست‌ها نیز در دولت سیم شدند، نظامیان که هر روز بر

سازمان ملل دولت هلند ناچار با حکومتی بنام اتحادیه اندونزی موافقت کردند. سوهارتو سال ۱۹۴۹ فرم حکومتی فدرالیستی را که در قرارداد معروف به «لینگجیاتی» که در سال ۱۹۴۷ با هلند به امضا رسیده بود، به کنار نهاد. در انتخابات مجلس مؤسسان سال ۱۹۵۵ سه نیروی اصلی این کشور یعنی کمونیست‌ها، ملی‌گرایان و احزاب اسلامی تبلور یافتند. از آنجایی که کشور اندونزی از ۱۳۰۰۰ جزیره تشکیل شده

هلند قیام نمودند. در سال ۱۹۲۰ حزب کمونیست این کشور تاسیس گردید و هفت سال بعد قیام کمونیست‌ها برای آزادی و استقلال اندونزی توسط استعمارگران هلندی درهم شکسته شد. سوهارتو رهبر جبهه ملی در اتحاد با ژاپن و در پیروجه جنگ دوم جهانی اندونزی را آزاد نمود و در ۱۷ آگوست ۱۹۴۵ جمهوری اندونزی را بنیاد نهاد. هلندیها با اعلام استقلال یکطرفه اندونزی اعلام مخالفت کردند که با دخالت

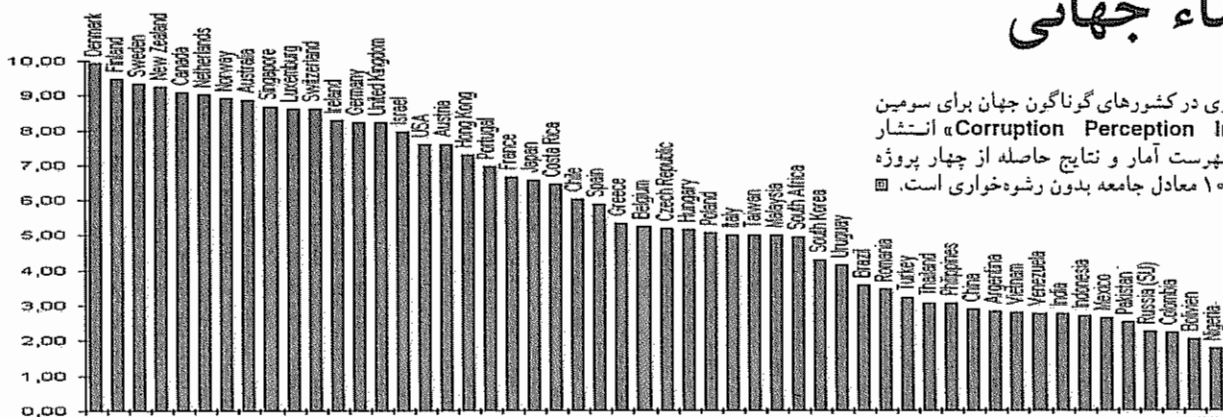
طی روزهای گذشته کشوراندونزی شاهد ناآرامی‌های گسترده‌ای بود. این ناآرامی‌ها در پی افزایش قیمت سوخت و مواد غذایی و در ادامه بحران اقتصادی که از تابستان گذشته همچنان ادامه دارد، به وقوع پیوست. دانشجویان با تظاهرات خود خواهان برکناری سوهارتو دیکتاتور این کشور بودند. در طی درگیری بین پلیس و تظاهر کنندگان ۵۰۰ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی، هزاران مغازه و فروشگاه به آتش کشیده شدند. در پی بالاگرفتن ناآرامی‌ها سوهارتو مسافرت خود به مصر را نیمه‌کاره رها نمود و به اندونزی بازگشت. با افزایش فشارهای داخلی و خارجی وی بالاخره روز پنجشنبه از سمت خود استعفا نمود و جانشین وی «جیبی» که مهندس هواپیماسازی است و در شهر آخن آلمان تحصیل نموده قدرت را به دست گرفت. وی که آموزش یافته مکتب سوهارتو می‌باشد در نخستین سخنانش در مقام ریاست جمهوری «قول» رفرم‌های اقتصادی و دموکراتیزه کردن جامعه اندونزی را به مردم داد. اما عملکرد ارتش به فرماندهی ژنرال ویرانتو و اسلامیت‌های این کشور در روزها و ماههای آتی از اهمیت بسزایی برخوردار خواهد بود.

راه طولانی آزادی!

اندونزی قرن‌ها مستعمره هلند بود. تحت تاثیر انقلابات رهائیبخش برای نخستین بار در سال ۱۹۱۱ تجار مسلمان در این کشور بر علیه قدرت استعماری

ارتشاء جهانی

جدولی از میزان رشوه‌خواری در کشورهای گوناگون جهان برای سومین بار تحت عنوان «Corruption Perception Index» انتشار یافت. مبنای انتشار این فهرست آمار و نتایج حاصله از چهار پروژه تحقیقاتی می‌باشد. معدل ۱۰ معادل جامعه بدون رشوه‌خواری است. ■

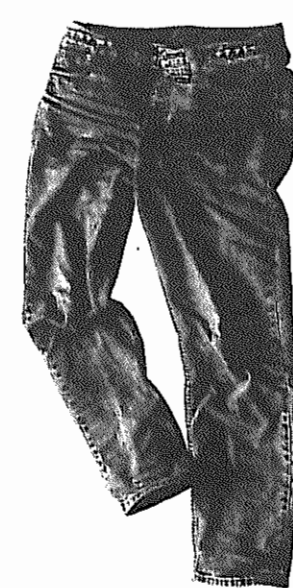


سوء
قصده
به
جان
رئیس
انجمن
حقوق
بشر
ترکیه

نخست وزیر ترکیه روز جمعه ۳۱ اردیبهشت در یک مصاحبه مطبوعاتی خبر داد ۵ نفر به اتهام ترور اکیم بیردال رئیس انجمن حقوق بشر ترکیه دستگیر شده‌اند، وی گفت: تروریست‌ها از اعضای گروه‌های راستگرا هستند و تاکنون چندین بار در اقدامات تروریستی شرکت داشتند. اکیم بیردال که هم‌اکنون در بیمارستان «سورگی» آنکارا بستری است، سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت هدف حمله مسلحانه قرار گرفت. ضارین با شلیک ۶ گلوله وی را مجروح کردند.

ارتش ترکیه و احزاب دست‌راستی بیردال را متهم به همکاری با حزب کارگران انقلابی کردستان ترکیه پ.ک.ک. کرده‌اند. بیردال بارها این اتهام را رد کرده اما تاکید داشته که علیرغم فشار ارتش و احزاب دست‌راستی به مبارزه بگیر علیه تقاض حقوق بشر در ترکیه ادامه خواهد داد. ■

سفر «جین»



می‌گردد تا توسط ماشین‌های ساخت سوئیس نخ رسی شوند. ● نخ تولید شده به فلیپین ارسال و در آنجا توسط مواد شیمیایی و رنگ‌های ساخت آلمان رنگ‌رزی می‌گردد. ● ماشین‌های ساخت آلمان، نخ‌های تولید شده را در لهستان به پارچه «جین» تبدیل می‌نمایند. ● پارچه جین از لهستان به بندر ماری در فرانسه منتقل می‌گردد. ● میخ پرچ، دکمه و یا زیپ آن از ایتالیا به فرانسه ارسال می‌گردد. ● دستورالعمل شستشو که بر روی هر لباسی دوخته می‌شود همراه با مارک «جین» و سایر قسمت‌های تولید شده از بندر ماری به فلیپین منتقل و در آنجا توسط زنان و دختران جوان

در تاریخ بشریت تاکنون بی‌سابقه بوده است که پوشاک این چنین جهانی شده باشد. شلوار، کاپشن و پیراهن «جین» در رنگ‌ها و اندازه‌ها و مارک‌های مختلف در سراسر پننج‌قاره جهان جایگزین لباس‌های محلی شده است. جین در دنیای مدرن امروز به عنوان سمبل جوانی، تحرک، دوام و راحتی است. این پوشاک بر خلاف سایر البسه که بر اثر رفتگی رنگ و پاره‌گی کهنه محسوب می‌شوند حتی کهنه‌اش نیز «مد روز» می‌گردد و بقول «استوارت هال» رئیس انجمن مطالعات اجتماعی انگلیس «اینفورم کاپیتالیزم» است. بر اساس محاسبات متخصصین امور توسعه، برای تولید ارزان این پوشاک در «دهکده جهانی» سنانتی معادل ۱۹۰۰۰ کیومتر طی می‌شود: ● پنبه گزاخستان و یا هندوستان به چین فرستاده